

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۴ صفحه

۸۹

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۵۲۲ دی ۱۳۵۹ بها ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- جرا حزب دمکرات ۶ تن از بزمگاران بیکار را خلع سلاح میکنند؟ صفحه ۵
- هشدار درباره بیکارگران اسیر صفحه ۸
- لیبرالها و بازگشایی دانشگاهها صفحه ۱۱
- راهیمانی زحمتکشان بهبهان در اعتراض به گرانی صفحه ۱۶
- "رمان نینا": اثری از گنجینه رنالیسم سوسیالیستی صفحه ۲۱
- ولخرجی ۷۰۰ هزار تومانی در هتل هیلتون! صفحه ۳۱

سرمقاله

۲۳ دی: بازگشایی سنگر خونین دانشگاه

فردا ۲۳ دیماه، سالروز بیروزی جنبش دانشجویی و تحصن استنادان مبارز و مترقی و گشوده شدن دانشگاه بدست توده های انقلابی دانشجویان است. دو سال پیش در جنبش روزی رژیم شاه و دولت بختیاری بر مبارزات و نظرات حماسه آمیز دانشجویان انقلابی و کمونیست و تحصن طولانی مدت استنادان مترقی و مبارز در دبیرخانه مرکزی دانشگاه و سپس در وزارت علوم (که طی آن رفیق سیداستادگار نجات الهی بنیادت رسید) و مهمتر از همه در برابر جنبش توفنده توده ها، ناجار به عقب نشینی شده و دانشگاهها، این سرگرازان دیخواهی و مبارزه ضد امپریالیستی، بروی دانشجویان و توده های تشنه آگاهی گشوده گردید و همچون گذشته بصورت مرکز فعالیت سیاسی و تجمع دانشجویان مبارز و انقلابی و زحمتکشان آگاه کشورمان در آمد و همزمان طور که تا هدی بودیم دانشگاه، چه در مقطع قیام و چه پس از آن، بعنوان قلب تپنده و همیشه زنده جنبش انقلابی و فدا میریاستی و بعنوان پشتیبان و فداکار کارگران و زحمتکشان، نقش خود را بنحویر حسته ای ایفا نمود.

بقیه در صفحه ۲

دمکراسی انقلابی چیست؟

۱۳ صفحه



گزارشی از نظرات دانشجویان و دانشجویان بیکار

دانشجوی مبارز، به یاری توده ها، سنگرخود را بگشا!

۷ صفحه



اطلاعیه وحدت با گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (بیکار خلق)

بسیار یک دوره مبارزه اندوختنی نسبتا طولانی، سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (بیکار خلق) وحدت نموده و رقاباتی بیکار خلق بر اساس منشور کنگره دوم سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در این سازمان ادغام شدند.

بقیه در صفحه ۱۵

مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی

۵ صفحه

کیفرخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

در این شماره:

بنی صدر - رجائی

۹ صفحه

اطلاعیه کمیته خوزستان:

پیام به کارکنان

جنگ زده صنعت نفت

۳ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله ...

اما رژیم جمهوری اسلامی و پاداران جهل و تاریکی که با فعالیت سیاسی دانشجویان انقلابی و کمونیست و نقش آگاکان آنها در نگاهها حیات خود را در خطر میدید، از همان فردای قیام و در کمانه سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد و ترکمن و سرکوب اعتمایات و تحصن های کارگران شاغل و بیکار، حمله به دانشگاہها و جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی را آغاز نمودند و ایلها نه تصور کردند که میتوانند از این طریق، دانشگاہها، این قلب پرتیش جنبش را از حرکت با زدن رندها و زپیوندان جنبش انقلابی با جنبش توده های جلوگیری کنند، لیکن هر بار با تکیه و مقاومت دلیرانه دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی، تمامی توطئه های رژیم جمهوری اسلامی و اقدامات سرکوبگرانه آن به شکست انجام میدود و دانشجویان انقلابی، بتدریج دانشمبارزه خود را هر چه بیشتر گسترش داده و با تکیه بر حفظ دستاوردهای حاصله از قیام توده ها و دفاع از آزادی فعالیت سیاسی، نقش وسیعتری را در آگاساختن توده ها و پیوند با جنبش توده ای ایفا نمایند.

در اوایل سال جاری و در شرایطی که جنبش توده ای در گوشه و کنار کشور سمیت روبه رشد خود را آغاز کرده و جنبش خلق کرد، شکست فاحشی را بر ارتش دشمن وارد ساختن بود، رژیم جمهوری اسلامی به بیانه عوامفریبانه "انقلاب فرهنگی" یورش ارتجاعی خویش را در مقیاس وسیعی علیه دانشگاہها و جنبش انقلابی دانشجویی آغاز نمود و با کشتار و سرکوب مقاومت حماسه آفرین دانشجویان رزمنده دانشگاہها در اول اردیبهشت ۵۹ و اشغال دفاتر دانشجویی تشکلات کمونیستی، اقدام به تعطیل دانشگاہها نمود.

بمجرد تعطیل دانشگاہها، دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی که هدفی جز آگاساختن توده ها و پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی با جنبش توده ای نداشتند، با پشتکار قابل تحسینی، هر کجای که پدیدار شدند، تبدیل به یک دانشگاہ نموده و مبتدا به یکپارگی انقلاب، وظیفه فروش نشریات انقلابی و کمونیستی آگاساختن توده ها و افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را بر عهده گرفتند و در برابر تمام فشارها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم، شجاعانه مقاومت نمودند و هرگونه ضرب و شتم، دستگیری و زندان و شکنجه را در راه دفاع از آرمان پرولتاریا و منافع زحمتکشان بجان خریدند.

جنگ ارتجاعی و غیر عادلانه ایران و عراق اگرچه برای یک دوره کوتاه موجب محدودیت فعالیت انقلابی دانشجویان و دانش آموزان گردید و رژیم توانست در سایه این جنگ و بهره مندی برداری عوامفریبانه از شرایط فحقیحان بیشتری را بوجود آورده و از فعالیت سیاسی

دانشجویان و دانش آموزان انقلابی به شدت جلوگیری نماید، ولی شرایط حاکم بسجرا معما یعنی شرایط اعتلای انقلابی، حدت یا بی مبارزه طبقاتی و رشد و گسترش هر چه بیشتر جنبش توده ای و در همین رابطه افزایش شکاف در "نالا" و ناسا - توانی رژیم ارتجاعی حاکم از سرکوب فشرده و متمرکز انقلاب، موجب گردیده تا عرصه های بازهم وسیعتری برای رشد و گسترش جنبش انقلابی و کمونیستی و در این میان جنبش دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی فراهم شود.

درک اصولی نکته فوق در شرایط کنونی، دارای اهمیت بسیار زیادی بوده و نقش مهمی در اتخاذ تاکتیک و شیوه برخورد نیروهای انقلابی و کمونیستی با جنبش توده ای و از آن میان جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی و چگونگی رودروشی با اقدامات سرکوبگرانه رژیم خواهد داشت. ما تاکنون بارها و بدرستی روی این مسئله تا کیداً شده ایم که نباید شکوهمند به من ۵۷، اگرچه بخاطر نبودن استقلال پرولتاریا و ستاد رزمنده آن، نتوانست منجر به حاکمیت کارگران و زحمتکشان و نابودی سلطه امپریالیسم زاپران شود و در همین رابطه موجب قدرت یابی بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی گردید، ولی این بهیچوجه بمعنای شکست انقلاب و سرکوب قطعی آن توسط امپریالیسم و ارتجاع داخلی نبوده و به همین دلیل از همان فردای قیام تا به امروز، علیرغم تمامی کوششها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و علیرغم فاشین بودن سطح آگاساختن توده ها و در همین رابطه توم شدیدی آنها نسبت به هیئت حاکمه جنبش توده ای دچار رکود و توقیف نگردیده و هر روز که میگذرد اعتلا و رشد و گسترش بیشتری مییابد.

بدون تردید شرایط اعتلا، تاکتیک خاص خود را می طلبد و این تاکتیک همانا تاکتیک تعرضی و تهاجمی سیاسی و تحقیر دستگاہ سرکوب و تهاجمی قید و بندها می است که رژیم در مقابل جنبش توده ای قرار میدهد. برخلاف دوران رکود که باید تاکتیک عقب نشینی را مورد توجه قرار داد، در دوران اعتلا، هرگونه کم توجهی به تاکتیک تعرض و تهاجمی سیاسی، بمعنی رها کردن انقلاب و ضربه پذیر ساختن آن در برابر تهاجمات و ضربات دشمن و نهایتاً شکست انقلاب مییابد. در دوران اعتلا، وظیفه نیروهای انقلابی عبارت خواهد بود از ارتقا سطح شعاریات جنبش کارگری و توده ای (اعم از صنعتی و سیاسی) از یک سو و اتخاذ تاکتیک تعرض بجای تاکتیک عقب نشینی از سوی دیگر.

اتخاذ تاکتیک مقاومت در برابر اشغال و تعطیل دانشگاہها در اردیبهشت ماه ۵۹، برپا ساختن تظاهرات و راهپیمایی های پس از آن،

مربندی قاطع با جریانات اپورتونیستی و تسلیم طلبی چون فدائیان و دیگر نیروهای متزلزل که ما را متهم به چپ روی و ایجاد جو تشنج میکردند، مقاومت مسلحانه در کردستان و ایستادگی در برابر برپا شدن مسلحانه ارتجاع و دفاع از دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد، تکیه روی استفاده حداکثر از شرایط و امکانات علنی بخش و تبلیغ، برپایی تظاهرات موضعی و سراسری، دادن زدن و دادن خصلت تعرضی به اعتمایات کارگری و جنبش اعتراضی آوارگان و زحمتکشان مناطق جنگ زده و طرح شعارهای انقلابی در تمامی این موارد، همه و همه در ارتباط با تحلیل و درک ما از شرایط کنونی جامعه و اعتلا انقلابی موجود چشم انداز جنگ داخلی قرار داده و دارد.

طرح شعارها و اتخاذ تاکتیکهای جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی، میبایست مبتنی بر تحلیل و رهنمود فوق صورت گیرد و این نکته ای است که باید دقیقاً مورد توجه دانشجویان و دانش آموزان کمونیست عموماً و سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار خصوصاً قرار گیرد. با توجه به چنین تحلیل و درکی، هم اکنون در چهار رچوب جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی، مبارزه در جهت کسب آزادی فعالیت سیاسی و بازگشایی سنگردانشگاہها، دوشمار اساسی و محوری است که باید از سوی دانشجویان و دانش آموزان کمونیست، بمیان توده های دانشجویان و دانش آموزان توده ها - های زحمتکش برده شده و در برابر آن تبلیغ وسیع صورت گیرد. مهمترین ابزار که باید در خدمت این تبلیغ، بویژه در میان زحمتکشان و جنبش پشتمانی و حمایت آنان از این خواسته ها قرار گیرد، سازمان، دادن تظاهرات سراسری است. برپایی این تظاهرات، در شرایطی که کارگران و زحمتکشان در مبارزه خود با رژیم به فتح سنگرهای جدید و گسترش هر چه بیشتر انقلاب مشغولند، نه تنها نقش برجسته ای در بردن آگاهی سیاسی و روحیه رزمنده توده های دانشجویان و دانش آموزان دارد، بلکه بیش از هر وسیله دیگری امکان افشای وسیع رژیم جمهوری اسلامی، پشتیبانی و حمایت توده های زحمتکش و مبارزان خواهانهای برحق جنبش و انقلابی دانشجویی و دانش آموزی و پیوند میان این جنبش و جنبش توده ای را تا مین خواهد نمود. بدیهی است که شرط ضروری پیشبرد و تثبیت شعارهای فوق و برگزاری چنین تظاهرات و راهپیمایی ها، مبارزه و افشای وسیع برنامها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی از یک سو و افشای و طرد نیروهای اپورتونیستی و اپورتونیستی و مواضع سازشکارانه آنها و همچنین مبارزه ایدئولوژیک با نیروهای ناپیکر

بقیه در صفحه ۲۷

دانشجوی مبارز، به یاری توده ها، سنگر خود را بگشا!

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

اعتصاب در شرکت پوزیان

بیش از سه ماه است که حقوق کارگران شرکت ساختمانی پوزیان را به آنها نپرداخته اند. این امر موجب اعتصاب کارگران ارتا رخ ۵۹/۹/۲۳ میگردد. کارگران بد رستی میگویند: سرما به داران را لوصفت که با عت جنگ سده اند میخواهند تحت پوشش اینکه "مملکت در جنگ است" و "سلام بر خطرات" دستمزدنا جز ما را بدزدند. و در جواب ما میگویند "پول ندا ریم" در حالیکه منظونها تومان خرج توپ و تانک می کنند و نه تنها جنگی نا عا دلانه بر راه می اندازند، بلکه ا ر ش خود را برای کشتار و خلق شهرا ن کرده، میفرستند!

کارگران مبارز پوزیان اعلام میکنند که تا رسیدن به خواستهایشان به اعتصاب و مبارزه ادامه خواهند داد. خواهستهای کارگران عبارتند از:

- ۱- پرداخت حقوق کامل همه ما هم
- ۲- تعیین شکلیف وضع کارگران اینتر استنادام
- ۳- پرداخت حق مسکن، حق خوابگاه و آب و دها ب متناسب
- ۴- تامین بهداشت.

پایس الکترولیک:

احبار در این کارخانه برای افزایش دستمرد، کارگران دست به اعتصاب میزنند. خواه کارگری که در جریان اعتصاب برای گرفتن حضا ن، فعالیت بیشتری میکند، توسط یکی از سرپرستان و یکی از اعضای انجمن اسلامی مورد هجوم قرار میگردد بطوریکه سرپرست مزدور با حکش به سرخوا هر کارگر زده و سرا و را میکشد. کارگران را این اعمال جناحتکارانه نوکران کارفرما به خصم مایند. به همین دلیل کارفرما ا ر نرس خصم کارگران دوزمردور مذکور را یک هفته به مرخصی میفرستد (!؟) و برای سرکوب اعتراض کارگران خواه کارگر مجروح و سه نفر دیگر از کارگران را اخراج میکند، که سعلت فشار کارگران هنوز از اخراجشان قطعی نشده است. اعتصاب کارگران نیز سعلت صفا آکا هسی و شکل آنان خاصه مییابد.

سپهمن صوفیان

در این کارخانه نیز همچون بسیاری از کارخانجات به آنها جنگنها رخوری کارگران را تعطیل کرده بودند. اما کارگران به مبارزه ای بکبار ره سرای با ر س گرفتن حقوق ا ر دست - رفتنسان، دست زدند که در نتیجه رور ۵۹/۹/۲۳ در یک مجمع عمومی کارگران توانستند هیا نعامل بسند در صفحه ۲۴

پیام به کارکنان جنگ زده صنعت نفت

تفرا کارکنان عملی سا رد و پرداخت هرگونه با داس، سابقه خدمت و مسمری کامل را به آئنده و فرمت "مناسب" حواله داده است. کارکنان مبارز را موش نگردانده اند که این بار اول نیست که رژیم جنس سلاخی را آغاز کرده است. در آغار جنگ نیز رژیم قصد داشت ۲۰۰۰ تفرا کارکنان را اخراج کند که در سا به همسکی و معا و م م کارکنان محبوره عصب نسنی ست.

رژیم در حالیکه مسند آ با داس ر ر آ ن س خصا رده های رژیم ضد خلقی عراق فرار دارد، با ن ا س می کارکنان را ا ر ا د و سخا نده که آ با داس آ مده و به انجام کار خود میا درت کنند. اما هسکا می که ا بس افراد آ با داس میروند به آنها میگوید برای سما کاری نیست و مستوا بسد هفتاد دوبار برای حیور و عبا بسد اداره بسا شد و با بس برنس ر مینه سازی لازم را چسب بسند در صفحه ۲۳

سین ۳ ماه از جنگ عراق دلانه سین دولت های ارتجاعی ایران و عراق میگذرد، در طی این ۳ ماه آنچه را این جنگ نصیب زحمکسان ما شده بحرآوارگی و نشدند مقر و کزانی ح س ر دیگری نبوده و در آئنده هم نخواهد بود این بار رژیم سعی کرده است به آنها نه جنگ سا عراق هر گونه فرسا دحی طلبا نه کارگران را با زدن مارک "فدا نغلابی" حا موس سارد

ا کنون بتدریج آ ر شوم جنگ هر چه بیسنر عبا ن مسنود و بقول معروف "هر دم را این سا غ بری مسرسد، تا زه ترا رتا زه نری مسرسد"، ا بسندا با لایر دن قیمت نترین، جیره بندی کردن کارهای ضروری مردم، کم کردن حقوق کارکنان دولت، ا فراسا عا ت کار رور را نه و حالا بسا - نسکی اجباری بدون پرداخت سابقه خدمت و مسمری کامل یعنی مردن ا ژگرسکی.

رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد با بس مصمم را در صنعت نفت با بسارسد کردن حدود ۲۰۰۰

تحصن کارکنان جنگ زده صنعت نفت در تهران و خواستهایشان

متحصن مسنود.

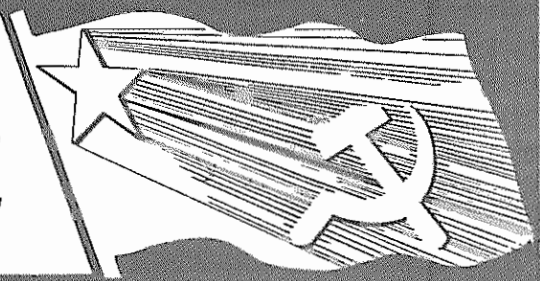
ساعت سه بعد از ظهر حتما ن به محاسره سا بداران سرما به درمی آبد که نه کنترول رفت و آمد ها میگردانند. رژیم برای سکسن نحصن کارکنان مبارز، از کسویوسله با سداران خود به تهدید می بردا ز دوا ز سوی دیگر با فرستادن دو نفر از طرفی و رارن کسور که برای کارکنان دل - سوزی میگردند، آنان را ا ژگرسکی "مسرسد در طول شب تا صبح عوا مل رژیم به انواع اعمال فسا ر علیه کارکنان صنعت نفت دست میزنند (قطع سوما ز، قطع سرف و...) صبح سا سداران سرما به آ مده و سمساعت به کارکنان برای ترک محل نینت مینمعد. در ساسی که کارکنان بسا دهنر امام میگوشند، دسترا ما م آنها را "فدا نغلابی" میخواند. سراسا م ساسدگان کارکنان علسرغم محالفا عده ای ا ر کارکنان، اعلام میکنند که برای سنان دادن حس سبت خود تحصن را می - بسند در صفحه ۲۲

روز ۱۵/۶/۵۹ سین از ۵۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت حسب به عمرا ه تعدادی از اعضای خانواده ها بشان که برا تحریک ارتجاعی کسونی آواره شده ا سد در دفتر مرکزی شرکت نفت در تهران، ا جماع میکنند. آنها با رها به مقامات رژیم جهت رسیدگی به خواستهایشان مراجعه کرده بودند اما جسد رواندن نتیجه ای نگرفته بودند کارکنان مبارز در اجتماع مذکور به ا فنسای با هیت جنگ و خسرات آن برای زحمکسان دست - رده و سس دستمعی سراسا مسئولین رفتند. اما کسی را بسا فتند! با لآخره تصمیم گرفتند سزد رئیس دفتر و سر صفت که در سا حتما ن خبا بسا ن ویلا بود، بیرونند، لذا با انجام ا ر ا هسما ثی بدان محل رفتند و علسرغم مقاومت ما مورین وارد محل رئیس دفتر و سر صفت شدند. اس مزدور رژیم ما سده کارکنان خشمگین، خود را هسکاره معرفی میکنند اما کارکنان که فضلا سخا ن تهدید ا میزش را بسده بودند و ا ر گروگان گرفتند و در محال

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

مناوب مثلا در درگاه احاردراس دوسوع سرسه
مناوب نهادهای صورت خنودگر مسودکه ذکر سگ
حرووا فقه محلی با سما جورشاس در سر سه
محلی با ناسریک می آید، در خالیکده را رکان
مرکزی تنها و فاع مهم در اسدرا سرگور
طرح منکرده و با جنبهای سیاسی و اندئولوریک
سوده های منفاوت ارائه میگردد و... نکته
موردنا کید در اسحا است که توده های منوط و
عقب مانده در جوامع طبقاتی سخن اعظم بوده
را سکل میدهد. عدم تبلیغ در میان اس بوده
- های وسیع نامناسب ترین انواع وانسکال
ممکن آنها را میبواند به آلب دست خدا نسلاب
بدل سازد. البته کار در میان اس نوده ها
ناستی با طراوت خاصی انجام کرد، مثلا با
اسفاده از هنر، تفریحات سالم، ورزش، تاسر-
گذاری با اخلاقی پرولسری و... میتوان انواع
مناوب تبلیغ برای این سوده ها را انداع کرد.
در داسان "حکومه بولاد آئیده سد" حاطرمی -
آوریم که چگونه با ول کور خاکس با کوردشون

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۱۲)

مدهد. در اسحا یک گروه سه ما ۴ نفره مسواند
یک منا سر حاناسی سار ساد سرای سان
دادن آنکه که در ریدای سهای ریم بر سراملا سون
می آورد، سراه اندار بندوس اسن سقرت
سوده ها را را سکر د، سان دادن رید سلا ی
ردن، سکنج، سوهی مسواند در پیج سوده ها
سار سوسر سوده و سقرت سکنسم سها کام اسحاناب
اس و ما انا ده سقرت سحن در اس اسحاناب

ج- انواع تبلیغ

۲- انواع تبلیغ در ارتباط با درک

اساسی ترین نیاز توده ها

در ارتباط با سون دوم تبلیغ و سحنه
سبح ار آن (موضوع بودن تبلیغ) در واقع
مسوان گفت که سحرانواع سحن و سسک تبلیغ
انواع سسما رید سکر تبلیغ سروه و در اسحرا
که اساسی سوس سازه های سوده ها در سراسر
خدا گانه، منفاوت اس و آرا سحا که اساسی
موضوع نه آسها بر حور د کرد، طبیعی اس سهای
واسکار کمونسی مسواند اسواع خدیدی از
تبلیغ را انداع سمانده، اس سهای و سسرکی
در اسحاناب انواع تبلیغ نامناسب سده
منطقی با هر رابط و ساره های سحن رور سوده -
ها، مسواند سوده های سرن سحوای تبلیغ
و جذب سوده های و سسر سوسوی تبلیغات ساسار
و سار ساری سمانده، سسر ساس اسواع
تبلیغات ساساره های اساسی منفاوت سوده ها،
سهی سکوهای اس که آن اسواع تبلیغ که س
در سراسر سار سوسر سوده، اسرورد سکر
نا سحای حور د اسواع سکر سده سحر ا سده
سراط سسر سکرده اس سدن سربس که مسلا
ا کربا در سرونط هراب حاناسی مناسب سربس
نوع تبلیغ سوده سار سرونط ساساره های ساسی
مناوب سرجیا سراه کرمس تبلیغ سسار سوسر
سمانده.

سدن سربس، سها و سها اسفاده از اسواع
کلاسک تبلیغ (سرا کب، املاسه و... که اساسی
سما و سسما سطر سسکی ساند سری سمسسه و
سار سربا دانجام کرد) و عدم اسفاده از اسواع
تبلیغی که سراط سوبن مسواند منطقی
کرده، ار کار آئی تبلیغ سکا هده، در اسحاناسی
سوان فرمولی برای ساسن اسواع مناسب
تبلیغ منطقی با شرایط کونا کون، ارائه داد.
سها مسوان به چند نمونه، مناسب اساره کورده
می سسب مسئله سکنج و رندا سان ساسی،
مسئله اساسی روز سوده ها س علاوه سسر سسن
اسسار اب کونا کون مسلا سراط در سسر اسل
سکوهای سرام سده اس که س از سسک سری
عهده ای را سسلسون سوده ها اما دکی سار و اسی
سرای دفا ع ار رندا سان ساسی از سوده سان

ماد را انتخاب انواع تبلیغ نیز، سدنال عواطف سست تود هها نمی اقتیم و تنها و تنها از اسواعی
استفاده میکنیم که بیان کنند اصولیت سترگ مارکسیسم - لنینیسم است. اسواعی که
در خدمت بیان حقایق روشن و خدشه ناپذیر هستی است. اسواع سوزشائی تبلیغ هرگز
نمی تواند، قالبی برای بیان حقایق باشد.

سحر آسرس در دل دهقان حوان حانه سکر د و
آسها زا که سادار محلس سس سرون می رسند
با کتا بیهای کمونسی سراه سکر د و سدن -
سرنیب حواناسی که اسدا محدود آکوردشون
یا ول سده سودند، سوسو سسوسم سکنده سده و
سس از کار ساسی - اندئولوریک س کوموسول
(سارمان حوانان سسوسکم) سسوسند کوه سوری،
کردس رور سسرح، اسحاده ساسها سار سوس کاناها سده
سسما ار اسر، سسلب سسرووی اسراد ساسی
از سسکلاب که دارای سسرکیهای اندئولوریک.
خاصی سسند که سرای سوده ها اسحاده سسناد
سکنده، سوارهای موسقی و سروه سوجه سولکلور
توده ها و... اسواع اسسکاری سسر مسواند
سسار سوسر ساسده، "لنسی در ا سسب ساسر سروه -
های اسفلالی در سوده ها و اسسب سار آن سسران
انزری سوسر سسلب کمونسی در ماله سسود
سنام: "تکا مل سزوده های کروهی (کر) کار کرا ن
در آلمان" سگوید:

سراه های اسفلالی کار کرا ن راه سکر د
سرد سسر و سسود هم آهنگ ساحت و در آسها
ذوی واحسان سروه اسه اسفلالی می آسرنده.
ساستنا سده کفنا رر سروه ای رحسکسان
در میسب سکنجا و سلسات، سسما سها و اردوها، کرد سده
- آئی ها و سحتی در خا نواده ها اسرا و اسسبای
نغمه ها و ترانه سروه های اسفلالی اسسب ساسی
دارد، سسپس سبب سسر لنس در سوه آسرنس
سروه ها و ترانه های سده سسب را اسفلالی سسبای
اسفلالی و کارگری لار می سسرده." (۱)

سکر ب سسکم سراه سده اس کار سار و اسی ار ده
اسوسل که سلا کار ده های حاوی اس ساره را
سرووی آن اسوه سده و با سحر ک سوام ده سسر
ار رندا کاس ساره را سسور ب سرحمی ساحود
سحل سکنده سسار سرحل سکنده و خالیا سسب ساس
مسلا سسکاره سسبای در سحل می اسده سوده ها
سجم مسود و در ساره آن سسب سکنده سسکار
سوجه سکر سسب سسب سسب سسب سسب سسب
کردن سوده سوده ها سده و سحر ساسی مناسب در -
ساره آن سسب در سسب سسکل یک سسب سسب
حاناسی، سسار سسب سسب سسب سسب سسب سسب
سروه سلب و سراط سکر لطف سوده سکر در سوره
اساسی سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب
کارب سسال سده کده، سسب و... حاوی سسار
ساسب برای یک مسئله اساسی رور سوده ها سسر
مسواند اسواع تبلیغ سسب سسب سسب، البته
سهای و سرونطی مسواند، اسداع کسسه
مناوب سسب اسواع خدیدی سسب سسب.

۳- انواع تبلیغ در ارتباط با در آمیختن

با توده های وسیع

طبیعی اس، اسواع تبلیغ در اسسار س
سار سار سسب سسب سسب سسب سسب سسب
- مانده که در سوره آن در فانون سوم سسب سسب
سسن کسبم) سسب و اس مسلا ارکان سسرکی
سده سده های سسرو و سسب سسب سسب سسب سسب
سسب دارد، در خالیکده سسب سسب سسب سسب
سده سده های سسب سسب سسب سسب سسب سسب
دارد، طبیعی اس عدم درک اس سسب سسب
اسحاناب اساسی را در سسب سسب سسب سسب

خلق ها و مسئله ملی



چرا حزب دمکرات ع تن از پیشمرگان پیکار را خلع سلاح میکنند؟

حزب دمکرات درسی اقدامات ضد انقلابی خودمختاری سرخلع سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی، اخیراً به خلع سلاح ع تن از پیشمرگان سازمان ما اقدام نمود. کمیته کردستان سازمان ما در این مورد اعلامیه ای منتشر کرده است که ما قسمتی بی از آنرا در اینجا می آوریم:

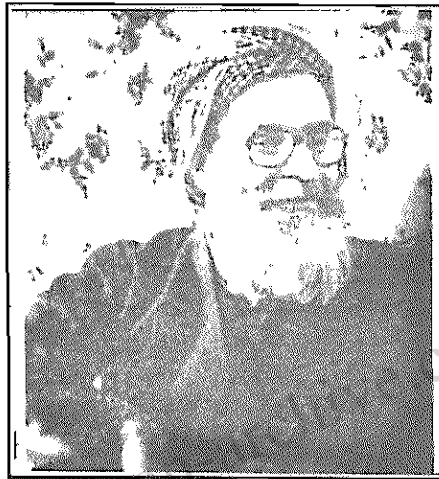
مدتی است که حزب دمکرات با دادن اعلامیه و ابجا دفاعی رعب و تحریک به تهدید نیروهای انقلابی در کردستان می پردازد. تا کنون نیز چندین بار اقدام به خلع سلاح نیروهای انقلابی کرده است در اقدام همین سیاست که مستقیماً منافع جنبش مقاومت و توده های انقلابی و آگاه خلق کرد را در معرض تهدید و مخاطر قرار داده است، افراد حزب دمکرات اقدام به خلع سلاح یک دسته از پیشمرگان سازمان ما کردند... جریان خلع سلاح ع تن از پیشمرگان سازمان ما توسط حزب دمکرات به این ترتیب بود که:

بعداً ز ظهر روز ۵۹/۹/۳ ع تن از پیشمرگان پیکار برای بازدید و کنترل درجاده مها باد - میانه و آب مستقر میگردد، بعداً ز مدتی یک دستگاه ماشین رنجور گل آلود که شنا سایی آن دشوار بوده از آن محل میگذرد، سر نشینان رنجور یکی از مسئولین و تعدادی از افراد حزب دمکرات بودند رنجور بدون توجه به حضور پیشمرگان پیکار درجاده، همچنان به حرکت خود ادامه میدهند یکی از پیشمرگان مستقر در سنگر نیز برای متوقف کردن رنجور، اقدام به تیراندازی هوایی میکند که ماشین مزبور متوقف میشود. در این بین میان دوتن از پیشمرگان پیکار که ما مورکنترل جاده بودند برای توضیح خواستن بطرف رنجور حرکت میکنند که افراد حزب دمکرات از رنجور پیاده شده و شروع به فحاشی و توهین به پیشمرگان میکنند، در حالیکه رفقای ما مغفول توضیح دادن جریان به افراد حزب بودند، آنها با پیشمرگان ما گلاویز شده و اسلحه هایشان را میگیرند.

افراد حزب دمکرات در ادامه حرکتشان ضمن فحاشی شروع به تیراندازی بسوی سنگرهای پیشمرگان میکنند که متقابلاً از جانب رفقای ما، تیراندازی هوایی صورت میگیرد، در حالیکه شامی گلوله های افراد دمکرات به سنگرها زده میشود رفقای ما به این ترتیب اولاً نشان میدهند که

بقیه در صفحه ۸

مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی



مصاحبه کمیته کردستان سازمان پیکار با شیخ عزالدین حسینی

کمیته کردستان سازمان ما با موسی شیخ عزالدین حسینی شخصیت سیاسی - مذهبی خلق کرد ما حیدای انجام داده است و نقطه نظرات او را در مورد وضعیت کنونی جامعه، جنبش مقاومت خلق کرد، اختلافات هیئت حاکمه و وابستگی... را در نشریه "پیکار کردستان" شماره ۴ منتشر کرده است. آنجکه میلاحظه میکنید خلاصه ای از عطف بطرات ما موسی شیخ عزالدین حسینی در مورد مسائل جاری ایران میباشد. سیکار کردستان ابتدا از ما موسی برسید که وضعیت امروز جامعه و جنبش خلقهای ایران را چگونه ببینید و از دیدگاه شما روند آتی مسازات مردم چه خواهد بود؟

ما موسی جواب داد: "مردم روز بروز بیاد رسمی - شونده که این سدا ری سبب شده که تظا دی در درون هیئت حاکمه وجود آید که روز بروز آنرا ضعیفتر بقیه در صفحه ۸

حمله به میتینگ کومه له توسط افراد مسلح حزب دمکرات را محکوم میکنیم

انقلابی و نوظئه آمیزا بر از نفرت میکردند، در خاتمه افراد حزب دمکرات در اثر سیج شدن مردم و هواداران کومه له برای مقابله، به عقب - سینی مجبور شدند و میتینگ پایان یافت. این اقدام، گوتته ای دیگر از عملکردهای ضد انقلابی حزب دمکرات را در کردستان نشان میدهد. حزب دمکرات در ساری که رژیم زهر طرف کردستان را مورد هجوم وحشیانه قرار داده به میتینگ حمله میکند، پیشمرگان انقلابی را خلع سلاح میکند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دهد. اما ساری این اقدامات ضد انقلابی و وظیفه کلیه نیروهای انقلابی و مترقی کردستان است در ضمن کومه له نیز، طی اعلامیه ای سرهم زدن میتینگ، در دیدن ما سینی، قلداری و حمله حزب دمکرات به مردم و پیشمرگان کومه له را افشا و محکوم نموده است.

روز ۵۹/۱۰/۵ کومه له در شهر بوکان اعلام کرد که ساعت ۳ بعداً ز ظهر در مقابل مفر کومه له میتینگ جهت مبارزه با اعتبار دوسا دیرگزار خواهد کرد، و در آن در مورد محاکمه سه نفر از عوامل قاچاقی هروئین سخنرانی خواهد شد. یکی از سه نفر مذکور فردی بودینما "ها سم کجل" که پدر سه تن از پیشمرگان حزب دمکرات میباشد بنا به دعوت رفقای کومه له عده کثیری از مردم زحمتکش بوکان جلودتر کومه له اجتماع کردند، اما به محض آغاز سخنرانی یکی از مسئولین کومه له، عده ای از افراد مسلح حزب دمکرات به داخل جمعیت آمده و با زورگویی و قلداری قصد برهم زدن مستند را داشتند، آنها ضمن حمله به مردم یکی از پیشمرگان کومه له را کتک زدند. مردم مبارک بوکان در مقابل قلداری افسراد حزب دمکرات مقاومت کرده و از این اقدام ضد

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ مصاحبه...

کند، مردم روز بروز پیدا رنر مسعود و فکر میکنم تدریجا این حکومت تعبیر خواهد کرد و اگر مردم ایران آنگاه نهد در مقابل این حکومت مقاومت کنند و آنگاه نهد با آن برخورد نماید قطعاً به نفع آنها تمام خواهد شد، ما به آئینده بسیار امیدواریم - اسم، اس اختلافی که حالا در هیئت حاکمه موجود آمده خودشان هدایتی است که اس حکومت سوی سقوط می رود.

سخن عزالدین سبیس در پاسخ به سوال "سنگار کردستان" در مورد سنی صدور و خلاف درون هیئت حاکمه گفت:

"مسلم اختلافی که در درون هیئت حاکمه هست بر سر قدرت است نه اینکه یکی از جناحهای هیئت حاکمه خلقی باشد و دیگری ضد خلقی ما هر دو جناح هیئت حاکمه را ضد خلقی میدانم! اسم امروز سنی صدر از آزادی دم میزند در حالیکه قبلاً خود ما نبودیم حزب جمهوری اسلامی حرف میزدیم نمی توانیم به حرفهای بنی صدر اعتماد کنیم چه زاول پیدا بود که سنی صدر از دیگران بهتر است."

آنگاه ما موستا در مورد جنگ ایران و عراق گفت:

"مسلم که این جنگ را غیر عا دلانه میدانیم از هر دو طرف، چه هر دو حکومتهای برنجع و ضد خلقی هستند و املا نمی سواسیم اس جنگ را خلقی بدانیم، اس جنگ، جنگ دوهیئت حاکمه است که هر دو ضد خلقی هستند، ما این جنگ را محکوم میکنیم و از هیچکدام دفاع نمی کنیم."

ما موستا در قسمتی دیگر از سخنان در اس مورد گفت:

"تنها زحمتکشان ایران و عراق از ابس جنگ زیان خواهند دید و آنها هستند که صدمات این جنگ را تحمل خواهند کرد."

پیکار کردستان پرسید: تا تیرا این جنگ را در سطح جامعه میدانید؟

ما موستا جواب داد: "مسلم است که این جنگ لطافات زیادی به اقتضای ایران وارد میکند و بحرانهای وارد در درون کشورهای ایران و عراق بوجود خواهد آورد ولی اگر مردم ایران و عراق هوشیار باشند چون این جنگ منجر به ضعف هر دو حکومت خواهد شد، اگر خودشان واقعا آنگاه نهد با این مسئله مقابله کنند نمیتوانند بفتح خودشان از این جنگ بهره برداری کنند."

سبیس ما موستا در مورد اوضاع جنبش مقاومت و سیرا تنی حرکت آن در قسمتی از سخنانش چنین توضیح داد: "من معتقدم که رورسوز جنبش مقاومت خلقی که در عمیق تر و وسعت می شود از دو راه یکی اینکه جنبش به میان توده مردم راه یافته و دیگری اینکه جنبش مقاومت خلقی کرد جدا از جنبش سایر خلقهای ایران نیست که خلعت کرده نهد با فکر خودش باشد، حال خودش را با سایر خلقهای ایران سهیم و در میان رزات تریک می - دانند و به این نتیجه رسیده که هیچیک از خلقهای ایران نمی توانند به تنهایی به حق خودشان برسند، با بست همه دست به دست هم دهیم، ما جنبش

مقاومت خلقی کرد را سرآغاز جنبش سایر خلقهای ایران میدانم. روی اس اصل است که از خلقهای دیگران انتظار داریم که ما را ساری دهند و از ما سیاسی کنند."

پیکار کردستان در مورد وجود جریانات واسعه به سمت عراق در گوشه و کنار کردستان و سو استفا ده سروهای خاثنی همچون حزب توده و سازمان حریکهای (اکتربیت) از اس مسئله برای تخته جنبش مقاومت و وابسته قلمداد کردن جنبش از طرف این خاثنی نظیر ما موسا را برسد، اوضاع توضیح املات جنبش مقاومت خلقی که در ضرورت ما رزه خلقی که در جهت تحقق آرزوهای خود، جنبش گفت: "ما وابستگی را به

**اطلاعیه دفتر
سید عزالدین حسینی
درباره تکذیب خبر "راد یوسد ای آمریکا"**

راد یوسد ای آمریکا لستی "مدای آمریکا" در برنامه خبری چهارشنبه و با مدای در روز پنجشنبه ۵۹/۱۰/۱۱ خود خبری به اس مضمون بخش کرد: "۰۰۰ رهبران کردستان در نظر دارند که در ۲۲ ژانویه (۲ بهمن) اعلام خود مختاری بنمایند..."

شیخ عزالدین حسینی ... اعلام داشته است که ارتش رها نشد اس ایران که از اسران سیرا ری وابسته به رژیم سابق تکمیل شده است ما همکاری میکنند...

دفتر سید عزالدین حسینی لازم میداند موارد ذیل را در اس رابطه به اطلاع هم میهنان مبارز و خلق رزمنده کرد برساند:

۱ - موضوع مربوط به ارتش با صلاح رها نشد اس اسران و اسران فراری کذب محض بوده و ما موستا و با نزدیکان اسان هیچگاه چنین مطالبی اظهار نداشتند.

۲ - مطالب خبر فوق عمدا طوری بیان شدند که چنان برداشت شود که گویا ما موستا شیخ - عزالدین هم در مسئله تا سیه اعلام خود مختاری در ۲ بهمن نظر و دخالتی دارند، بدین وسیله اعلام میداریم که ما موستا با موضوع اعلام به صلاح چنین خود مختاری ای که با بنروزها از طرف محافل و رادسوهای ارتجاعی و امیریا لستی شایع شده است، هیچگونه ارتجاعی ندارند.

۳ - خلق قهرمان کرد و کلیه آزادیخواهان ایران که با هیئت سبتهای امیریا لیسیم و عناصر فراری و خود فروخته را بخوشی می شناسند مسلما میدانند که این خرد رخدمت چه سبتهایی است و رادیوهای ارتجاعی و "راد یوسد ای آمریکا" با بخش این اکاذیب سعی در مخدوش کردن اذهان عمومی نسبت به ما رزه عا دلانه خلقی کرد دارند.

۵۹/۱۰/۱۳ دفتر سید عزالدین حسینی

هر سوه و به هر شکلی که با شد محکوم میکنیم و سبوانیم هیچکوه وابستگی را تا بشد کنیم ... و قطعاً هر جنبشی که بر وابستگی به نیروهای ضد خلقی تکیه کند محکوم به شکست است و لوا اینکه آن سرو وسط را رخلق کرد دفاع کند و دشمنی مستقیم خلق کرد ما و اسنکی را اسما سول نداریم و آرا ردمیکنیم و هر کسی که بسوی وابستگی بیش برود قطعاً با شکست مواجه خواهد شد و اگر قدرت داشته باشد شکست جنس منجر خواهد گردید، "آنگاه شیخ عزالدین با ردیگر با تا کید و استناد در روی املات مردمی جنبش مقاومت، صفا لبت نیروهای انقلابی در کردستان و ارتجاع جنبش خلقی کرد با جنبش سراسری ایران چنین نتیجه گرفت: "اگر نیروی وابسته ای وجود داشته باشد قطعاً نمی تواند در جنبش مقاومت خلقی کرد تا نیر تمعین کننده داشته باشد و جنس را آلوده نماید."

ما موستا شیخ عزالدین در پاسخ به سوال پیکار کردستان در مورد استقلال فعالیت او از گروههای سیاسی و روابطش با نیروهای سیاسی فعال در کردستان گفت: "ما با سازمانهایی که در جنبش مقاومت خلقی کرده هستند روابط دوستانه و خوبی داریم و من کما فی السابق استقلال خود را حفظ کرده ام و وابسته به هیچ سازمان و هیچ گروه سیاسی نیستم من بعنوان یک شخصیت روحانی مورد اعتماد خلقی کرد در جنبش مقاومت و در میان رزات خلقی کرد تا آنگاه ای که در اسوان داشته ام شرکت کرده و میکنم، در این مدت درست است که بعضی از اسانها روابط نزدیکی با من برقرار نموده اند ولی من وابستگی به هیچ نیروی سیاسی ندارم ... این درست است که ما با همه اینها (نیروهای سیاسی) دوست هستیم و هر کسی را که در جنبش خلقی کرد سهیم باشد و همچنین تمام نیروهای مترقی در سطح ایران که در مسیر خلق هستند و ما رزه میکنند با دیدگاه خود ما تأیید میکنم."

در خاتمه پیکار کردستان پرسید پیام ما موستا برای خلقی کرد و دیگر خلقها و نیروهای انقلابی ایران چیست؟ او در جواب گفت: "من بدو به خلقهای ایران سلام و درود می فرستم و از خداوند متعال سعادت آنها را مسئلت دارم بیایم من به خلقهای عزیز ایران اینست که هر چند فعلا ما با تاجا و زر زیم بعثت عراقی درگیر هستیم ولی نباید ما هیئت دولت را فراموش کنیم و گول هیئت حاکمه را بخوریم چون هیئت حاکمه همان است که در گذشته بود، ما در ضمن اینکه تاجا و زیم بعثت عراقی را محکوم میکنیم به هیچ وجه از هیئت حاکمه پشتیبانی نمی نمایم همسان گونه که قبلاً اشاره کردم اختلافاتی که در درون هیئت حاکمه است بر سر قدرت است و در جهت متافع مردم نیست و مردم نباید به هیچکدام اعتماد میکنند و بیکی را تا بشد بنمایند، لازم است تذکر بدهیم بوا سله اینکه ارتجاعی ضعیف است اخبار کردستان به خلقهای دیگر ایران آنطور که

بقیه در صفحه ۳۱

لرستان: تعطیلی مدارس یورش ارتجاع و... شهادت یک دانش آموز

جمهوری اسلامی سنت های ارتجاعی رازیده نمکند. روسپای ارتجاعی کلیسای قرون وسطی در مقابل جرمه های آکا هی بخش به دستا ن سرمداران ریم جمهوری اسلامی نگونه ای دیگر نگرا میگردند. "مکتب "کرایان سرما یه دار و مرتجع که مرگ خود را در آگاهی توده های بسند در مقابل داس آموزان و معلمین مبارز و انقلابی روشیای سرکوبگرانه را پیش می برند. رژیم جمهوری اسلامی به بیانه آمده نبودن مسداس در آغا رسال تحصیلی، از بازگشایی آنها در لرستان خودداری کرد و مدارس بر وجه هنوز هم تعطیل میباشند. در خرم آبا دعلبرغم "منع صدور احکام مبارکازی" که در آرمبارزه و فشار بوده ها و محصلین و معلمین مبارز ما در شده بود نزدیک به ۲۵۰ تن از معلمین متعهد را "اخراج" و سپس اقدام به کسایش مدارس نمودند و با وجود اعتراض وسیع دانش آموزان، معلمین و خانواده های آنها، رجائی مرتجع در سفری اقدام روحانسی مرتجع "مشکینی" مدیر کل آموزش و پرورش لرستان را ناخاید کرد و طبیعی بود که چنین نماید. ما در آن معلمین اخراجی با رها در مقابل آموزش و پرورش اجتماع کردند و دوبار در شهر دست به راهبیمانی اعتراضی زدند که البته با یورش و سنگباران اوباسان "حزب جمهوری اسلامی" مواجه شدند. در مدارس خرم آباد، ارتجاع، آدامه عفتیس عفا بد، تفتیش بدنی محصلین و... سر - کوب جنبش دانش آموزی را دنبال میکنند و لسی بوده های جوان زندگی را در حرکت مبارزاتی معنی کرده و دست به مقاومت میزنند. دانش - آموزان انقلابی و قهرمان حاضر نیستند معلمین ارتجاعی حزب جمهوری را در کلاسهای خود بپذیرند و دست به مبارزه میزنند. دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه مدیفه رضائی و طلعت - دولتاسی مبارزه را کسترش میدهند و ارتجاع از روی وحشت و درماندگی، دبیرستان طلعت را تعطیل میکند. روز بعد دانش آموزان این مدرسه در مراسم جمع به دبیرستان با یورش فالانژها مواجه شده و چند دختر محصل زخمی میشوند. در یورش ارتجاع به منزل آنها سه نفر دستگیر و روز بعد ۱۴۰ نفر از دانش آموزان دو مدرسه "اخراج" شده و برای عده زیادی "اخطاریه" صادر میشود! در روز اول دیماه محصلین اخراجی همسراه ما در انشان برای اعتراض به اقدامات ارتجاعی مسئولین سه اداره آموزش و پرورش مراجعه می - کنند که مثل همیشه با اوباسان و مزدوران رژیم



مواجهه و در برابر سزای ساداران یکی اردختران محصل سیدماحروج سده کس ار انتقال به اراک به شهادت میرسد. یک محصل دیگر نیز با کلوله زخمی شده و حدس اربادرا ن نیز زخمی گردیدند. رویزیونیست های فدائی در سطح مقابل نیروهای انقلابی که در کتا رتوده ها، حنا یاب ارتجاع را افشا سکرده اند، در کتا رتو تحمیل حزب جمهوری اسلامی قرار دادند. بی شک یورشهای ارتجاع نمیتوانند جنبش توفنده دانش آموزی را از حرکت رو برسد خود باز - دارد.

هر چه گسرنده تر باشد جنبش
او جگر بنده دانش آموزان انقلابی!

دانشجوی مبارز، بیاری توده ها سنگر خود را بگشا!

(گزارشی از تظاهرات سازمان دانشجویان
و دانش آموزان پیکار)

پس از ۹ ماهه قفل جمهوری اسلامی سردر - های سنگر آزادی، دانشگاه، سنگینی میکند. پس از ۹ ماهه که از انقلاب مدفهرنگی رژیم میگذرد و در پی خونریزی دهنده ها ارتجاع، درهای دانشگاه به روی انقلاب و دانشجویان کمونیست و انقلابی بسته مانده است. نبردی انقلابی برای بازگشایی دانشگاه از سر گرفته شده است تا به خواست توده ها و دانشجویان انقلابی قفل های رژیم درهم شکسته شود.

برای پیشبرد مبارزه انقلابی جهت بار - گسائی دانشگاه، سازمان دانشجویان و دانش - آموزان پیکار، عصر چهارشنبه ۵۹/۱۰/۷ ساعت ۴ و ۲۵ دقیقه نظراتی ترتیب داد. این تظاهرات از ابتدای خیابان قدس با فریاد اتحاد - مبارزه پیروزی آغاز شد. این سخن شکاری است که سالیان سال دانشجویان انقلابی در زیر چکمه ها و سرنیزه های دژخیمان رژیم - سر - داده بودند و با آن پشت ارتجاع را لرزانده

بودند و اکنون سار دیکر این فریاد همرا ده با کامیای استوار و مصمم سیکارگران جوان طنبن - افکن بود. هنوز کلمه مبارزه فریادکننده نشده بود که جوسا رها بهم پیوستند، تظاهرات آغاز شد. سله کرم مبارزه توده های انقلابی اطراف دانشگاه را بدور خود جلب کرد و کامیای آنسان سوی سیوری رهسار کت، آنان طی راهبیمایی فریاد میزدند: علیه حزب جمهوری - علیه - لیبرالها، زنده باد سیکار توده ها - دانشجوی مبارز، به یاری سوده ها، سنگر خود را بگشا! - انقلاب فرهنگی حیلله ارتجاع است - تعطیلی دانشگاه خود بهترین گواها ست! - ارتحظی و کوانی، از جنگ ارتجاعی، مردم به تنگ آمدند! در برابر طنبن شعراهای انقلابی، وحشت سروای خائنن به خلق و روبرو نیستیای ضد انقلابی را گرفته بود، سوده باها و فدا ثبسان اکثریت همچون ما رزخ خورده دست در دست اوباس، فدا ره بنشان و جاقو کسان رژیم جمهوری اسلامی، "حزب فقط حزب الله" کویان برای برانگندن صفوف مستحکم انقلابیون سیکار کتر تلاش میگردند. اما مشنها ی بولادین انقلابیون و شعارهایی همچون "بهشتی بنی صدر، برای سرکوب خلق، متحد و برباد در آنها را سراجی خود نماند. حمایت و پشتیبانی مردم از نظرها و استقبال شورانگیز آنها از اعلامیه ها، تراکتها و نشریات سازمانی بیس از پیش مزدوران ارتجاع و خائنین رویزیونیست را منزوی کرد و توطئه های آنها را خنثی نمود. ما لاف ره نظا هر کنندگان با شعارهای انقلابی خود در میدان انقلاب متعرق شدند. اما این حرکت آنها، رسدنومان مبارزه برای آزادی دانشگاه این سنگر آزادی، از بنحیر اساس ارتجاع و امیریا لبس را خبر میداد.

"دانش آموزان انقلابی هر جا که پامی نهند بذر آگاهی میباشند"

دبیرستان پروین در روز ۱۶ آذر شا هدفریاد - های نویدبخش دانش آموزان انقلابی بود و شعارهای آکا هی بخش آنان مدرسه را به لرزه در آورده بود. یکی دو روز قبل از ۱۶ آذر برای گرامیداشت حماسه آفرینی های دانشجویان انقلابی میهنان دانش آموزان سازمان سیکار بارفقای هوا دار وحدت انقلابی، راه کارگر، ورققای اقلیت در مورد برنامهای مشترک صحبت کرده و سده با هوا داران مجاهدین تماس گرفته و متفقا روز ۱۶ آذر صبح، دانش آموزان را در حیات جمع کرده و

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

مشاور در باره پیکارگران اسپر

اطلاعات شما نزد هم‌دیما ما اعلام کرده که ۱۷ تن از هواداران سازمان پیکار در آبان در دستگیر شده اند و خبرگزاری پارس نیز در خبری که به سرچها منم بره کرد و از طریق رادیوهای بیگانه و امیریا لیستی نیز انعکاس یافت، اعلام کرده که تعدادی از هواداران سازمان ما که در میان آنها چند پزشک نیز بوده اند دستگیر شده اند بدون تردید در میان افرادی شمار می‌دهد که در سراسر ایران و نیز خوزستان بجرم فعالیت سیاسی و دفاع از منافع توده‌ها دستگیر می‌شوند افرادی از سازمان ما نیز به سارت درآمده‌اند (هرچند خبر آن را مثل اینبار با گزاره‌های و هوچی‌گری نقل کرده‌اند) ما رژیم که روز بروز در نزد توده‌ها رسوا تر می‌شود، از فعالیت افشاگرانه و آگاه‌گران نیروهای انقلابی بسیار وحشتزده گردیده و بدین ترتیب با ایجاد حوضقان، زندان، شکنجه و تیرباران به مصاف انقلابیون می‌شتابد و بس برای تیرش جانیاتش در مورد انقلابیون و بخصوص کمونیستها، آنها را مزدوران بیگانه می‌نامد، از رژیم جمهوری اسلامی درسیای زیادی از رژیم‌ها خوانده است، شاه جلاد نیز انقلابیون را "مزدور بیگانه" "خوابکار" و... مینامد و امروز رژیم حاکم، بی‌شمار توده‌ها چنین تهمتهای ناروایی می‌بندد، سازمان ما که از دل ظلمت‌های خونین سالهای گذشته جوان‌زده و ریشه‌دار عمیق فرسوده است و همچنان بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر بسوی نور، بسوی آزادی و رهایی کارگران و محمکتشان را ه‌گشوده و هرگز در برابر امیریا لیسم و ارتجاع حتی اندیشه تسلیم بخود راه نداده است، امروز در معرض توهین فرومانیگانی است که در سالهای حاکمیت رژیم شاه خائن، جزخیانست و کرنس، تقیه، خمودگی و یاس و سریدویا رکوفتن و در بهترین حالت مبارزه سوداگرانه‌ای به امید "بهشت"، کاری ندا شدند، در زمان شاه خلقهای قهرمان ما خود دیدند که مزدور بیگانه کیست، امروز نیز توده‌ها روز بروز بیشتر در می‌یابند که چگونه بهشتی‌ها و بزرگانها سر در آخور سفارت آمریکا داشته‌اند و اینک که نزد توده‌ها توسط انقلابیون سخا طرحنا یا تشارن در سرکوب انقلاب و با زسازی سرما یه‌داری وابسته رسوا می‌شوند، اینچنین به‌حربه‌کهنه‌ها خاشاک پنا‌ه برده‌اند، ما روشن است در پس اظهارات رژیم در مورد پیکارگران اسپر یک توطئه حنا پیکارانه شهنشاه است، و از همین روم از همه نیروهای انقلابی و کمونسیت مسخوام هم‌که در مسائل سوطنه‌های جمهوری اسلامی در مورد پیکارگران اسپر ساکت ننشاند و من اصرار توطئه اخیر جمهوری اسلامی هم‌ما با ما در جهت آزادی آنان و دست‌رکونیستها و انقلابسون بکوشند.

بقیه از صفحه ۵ **جراحی حزب ...**
به هیچ عنوان حاضر به خلع سلاح نیستند، تا نبیا از بشیروی "دمکراتها" بسمت سنگرها جلوگیری بعمل میا ورنه، "دمکراتها" که مقنا و مسست بشمرگان پیکار را میبینند، یکی از رفقا را که خلع سلاح شده بود به زمین زده و او را تهدید به اعدام می‌کنند، که بشمرگان بعد از مدت‌سی مقاومت، برای اینکه مسئله را از طریق محبت حل و فصل کنند و از زکشتا ر جلوگیری نماست از سنگرخا رج می‌شوند که افراد حزب به جلوی پای آنها تیراندازی می‌کنند که در اثر آن یکی از رفقای ما مجروح میگردد، بدنبال این جریان افراد حزب دمکرات با بشمرگان درگیر شده و به زور اسلحه بشمرگان را از دست آنها خارج می‌کنند. مسئول حزب دمکرات نیز، بعد از توهین به مسئول دسته میگوید: "مگر نمی دانید که مسئولیت اجرای بی‌دست‌ماست و شما حق ندارید دخالت کنید؟"
"جریبها" بعد از گرفتن سلاحها سوار بر ماشین شده و میروند.
بعد از این جریان بلافاصله مسئولین سازمان برای صحبت در مورد این جریان با حزب دمکرات تماس گرفتند. مسئول سازمان در این تماس خطاب به مسئولین سیاسی تشکیلاتی می‌یاد: حزب دمکرات گفت: "ما حرکت حزب دمکرات را در برابر خلع سلاح بشمرگان سازمان ما عملی غیر اصولی میدانیم. موضع ما در قبال آنها جم‌هرنیرویی، مقنا و مت تا آخرین فشنگ است. ما این عمل حزب دمکرات را محکوم کرده‌ایم و فشا می‌کنیم". و مسئولین حزب دمکرات جانب این حزب طرح می‌شود تکیه می‌کنند در قبال مسئله، "مسئولیت اجرای امور منطقه" بیان می‌کنند بعد از این مذاکره سلاحهای بشمرگان پیکار در تاریخ ۵۹/۱۰/۴ با زبس داده می‌شود.
خلق دلا و رکرد، همسپان مبارز!
جریان فوق، نشانه‌ها این واقعیت است که حزب دمکرات با نیروهای انقلابی، سیاست دشمنی و ضدیت در پیش گرفته است. حزب دمکرات که از گسترش نیروهای انقلابی و کسب اعتبار آنها در میان توده‌ها سخت به هراس افتاده امروز سعی می‌کند تا با قدرت نمایی نظامی خود نیروهای انقلابی را وادار به عقب نشینی در برابر خود نماید، اما ما و کلیه نیروهای انقلابی که با هدف دفاع از منافع زحمتکشان ایران و گردستان سلاح بدست گرفته و بر علیه رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنیم هرگز و تحت هیچ شرایطی در برابر حزب دمکرات و تهدیدات او نه تنها عقب نخواهیم نشست بلکه همچنان که از خلق کبیرمان و از طبقه کارگر قهرمان ایران آموخته‌ایم، با تمام قوا در برابر سیاست تهدید و خلع سلاح نیروها توسط حزب دمکرات ایستادگی کرده و حزب دمکرات را افشا خواهیم ساخت.

اعلام نمودند که برای گرامی داشت ۱۶ آذر، درس را تحریم خواهند کرد و ساعت را در حیات خواهند ماند.

صف طویل و مستحکمی از دانش آموزان انقلابی در حیات مدرسه بر راه افتاده و شعار میدادند: "دانشگاه سنگر آزادگان، بی‌ساور و زحمتکشان، علیه امیریا لیسم"، سرکوب دانشجویان سرکوب انقلاب است"، "اتحاد اتحاد علیه امیریا لیسم"، آزادی فعالیت سیاسی حق مسلم ما است"، "دانشجو همسنگرت محصل است، محصل"، فرهنگ استعماری نابود ساید گردد، فعالیت سیاسی آزاد ساید گردد" ... سپس در وسط حیات جمع شده و یکی از هواداران مجاهدین مقاله‌ای خواند. سپس هواداران "اکثریت" که تا آن موقع حضور نداشتند به منظور عوام‌فریبی و ترس از صف عظیم دانش آموزان به صف آمده و یکی از آنها مقاله‌ای خواند، سپس گفتند: چون شرایط کشور و مدرسه حساس است، نباید کلاسها را تحریم کرد.

سپس یکی از رفقا اعلامیه سازمان پیکار را در رابطه با ۱۶ آذر خواند و درست زمانیکه رفیق نام سازمان را خواند، تعدادی اعلامیه سازمان بخش شده و مورد استقبال دانش آموزان قرار گرفت، سپس یکی از رفقای راهکارگر مقاله‌ای خواند، سپس دوباره بر راه می‌انداختند و "اکثریت" هم برای گول زدن بچه‌ها در صف داخل شدند و سعی می‌کردند که شعارها را عوض کنند و به انحراف بکشند، که البته رسوا شدند و سپس به کلاسها رفتند موقعیکه "اکثریتی" هسان می‌رفتند، توده‌های دانش آموزان می‌زدند: "سازگار، سازگاری ات را اینجا هم نشان دادی" دانش آموزان انقلابی بر نامه را دادند که دادند هر دقیقه زنگ مدرسه زده می‌شد و مدیر مرتجع از بلندگو فریاد می‌زد: "به کلاس بروید" اما بچه‌ها اهمیت نمیدادند و پیکار آنها می‌خندیدند، دانش آموزان بعد از اینکه چندبار رسوا و در زدند همگی نشستند و سرود خوانند و شعار میدادند. سپس برچم آمریکا را آتش زدند و همه در کلاسهایشان را محکم بزمین می‌کوبیدند شعار مرگ بر آمریکا سردادند.

برنامه تمام شده بود اما چون دانش آموزان انقلابی نمیخواستند به کلاس بروند قرا رشده که سرود بخوانند، اما در تداوم کار هواداران مجاهدین سازگاری کرده و تمایل به کلاس رفتن نشان داده و به همین خاطر بچه‌ها پراکنده می‌شوند و در نتیجه مدیران ظم... با زور بچه‌ها را بسه کلاسها فرستادند در قفای ما نیز که دست‌بسیرون ایستادن چندان مایه‌های ندا رد و منجر بسه حرکتی جدا از توده می‌شود، تممیم گرفتند که بسه کلاسها بروند اما بحای درس، بحث راه‌سازند و اسکار در اکثر کلاسها هم عملی ند.

با اندکی تغییر به نفع از: ایجاد دانش آموزی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - تبریز



بنی صدر (لیبرال)

نام : ابوالحسن بنی صدر
شغل : رئیس سابق "شورای انقلاب"
وزیر سابق خارجه و رئیس جمهور
کنونی .
اندولوژی : لیبرالیسم .
جرم : شرکت فعال در بازسازی سرمایه
داری وابسته به امپریالیسم سرکوب
و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت
به خلقهای ایران .

● از تحفه های فرنگ است ، در شرایطی که نیروهای انقلابی در زندانها و میدانهای تیر ، شکنجه میشوند و تیرباران میگشتند ، ایشان راحت وآسوده در پارسیس بمدت ۱۷ سال ، در خدمت به سرمایه داری رافرا میگرفت .

● فعالیتهای در خارج از کشور ، همپای بورژوا - لیبرالهای جبهه ملی بود ، پس از سواشی "جبهه ملی دوم" ، در "جبهه ملی سوم" شرکت میکند و دست به انتشار نشریه لیبرالی ، "خبرنا مه جبهه ملی" میزند . در این نشریات هرگز سخنی از سرنگونی رژیم شاه نمی رود ، در عوض به چاپ عریضه های لیبرالیستی چون سرهنک امیررحیمی به "والاحضرت شهبانوفرح" ، که در همه جناحیات شاه خا شن شریک وی بود ، میپردازد .

● با قدرت یابی نیروهای کمونیست در کنگدرف - اسیون داتشجویان خارج و رادیکال شدن مبارزات آنها در جهت سرنگونی رژیم شاه ، یعنی - صدر بعلت مخالفت با شاعر سرنگونی شاه و ضدیت با کمونیستها ، از کنگدرف اسیون کناره گیری می - کند و در واقع اخراج میشود .

● اوحتی تحت فشار نیروهای دیگر نیز هرگز تا سال ۵۷ ، حاضر به پذیرش شعار سرنگونی شاه خا شن نشد ، در عوض همواره به سمپاشی بر علیه کمونیستها می پردازد اختا "وجز" اولین کسانی است که در کنگدرف لجال الدین فارسی از موضعی ارتجاعی علیه مجاهدین خلق موضعگیری داشته فحاشی ها ولجن پراکنی های وی بر علیه کمونیستها ، در خارج از کشور ، چهره مشخص دشمن طبقه کارگر را از سالها پیش در او بینمایش گذاشته بود . او کتا بها و اعلامیه های مختلفی بر علیه کمونیستها منتشر میکرد در واقع ضدیت اصلی اونه با رژیم شاه ، بلکه با کمونیستها بود .

● با او جگیری جنبش توده ها ، با استفاده از ، موقعیت طبقاتی آیت الله خمینی و اختلافی که میان لیبرالها و خرده بورژوازی مرفه سنتسی بوجود می آید ، او آماده میشود تا در کنگدرف دیگر همپا لکی هایش بر جنبش توده ها سوار شده و مانع از پیروزی انقلاب گردد .

● او پس از قیام به عضویت "شورای انقلاب" در می آید و از این پس در کنگدرف ربهشتی ها در کلیه جناحیات شورای انقلاب بر علیه توده ها شرکت

گیر خوار است انقلاب علیه ضد انقلاب

افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب
جمهوری اسلامی در دستگاه خلق



مستقیم دارد ، این جناحیات بطور خلاصه ، سرکوب و کشتار مبارزات کارگران ، مانند کشتار کارگران بیگارا ضحیان ، سرکوب و کشتار رصدها تن از فرزندان دلاور خلق کرد و ترکمن و سرکوب کمونیستها و دیگر انقلابیون در سراسر ایران و بخصوص شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری وابسته و ارگانهای سرکوبش مانند ارتش ضد خلقی است .
● او دشورای انقلاب ، مسئولیت ترنا مهریزی اقتصاد را داشته و بدین ترتیب در مورد ترنا مه - های اقتصاد رژیم که در جهت حفظ منافع امپریالیسم بوده در انتقال بی وقفه بحرانی امپریالیستی به ایران ، تورم ، گرانی ، بیگاری ، وضع بد اقتصاد ، زحمتکشان ، استعمار زحمتکشان توسط انحمارات امپریالیستی و ... مستقیما مسئولیت دارد .

● او از برنا مهریزان و سایرماندهندگان اولیه سازمان ضد انقلابی "مجاهدین انقلاب اسلامی" است ، و در مراسم اعلام موجودیت این "سازمان" در اردیبهشت ۵۸ در دانشگاه تهران ، بدفاع از آنها سخنرانی ، میکند و طبق گفته این دار و دسته ضد انقلابی ، مرا مناهات را برای گرفتن تائید نژاد آیت الله خمینی میبرد . (البته اکنون بر سر قدرت میان این دونیروی ضد انقلابی اختلاف افتاده است .)

● چماقداران ارتجاعی با شعار "روزنامه بنی - صدرا بجا دنیا بدگردد" به نشریات کمونیستی و مترقی حمله کرده و در حقیقت چماقداران بنی - صدرا نیز در آینهنگامی گیری از چماقداران حریبی کم نمی آورند .

بغیه در صفحه ۱۸

محمد علی رجایی

اسم : محمد علی رجایی
شغل : وزیر سابق آموزش و پرورش و نخست وزیر فعلی رژیم ضد خلقی
جمهوری اسلامی ایران .
ایدئولوژی : "مکتبی" ، مکتب سرمایه داری
جرم : شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ، سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت به خلقهای قهرمان ایران .

● سچا مدا شرکت بسا زبفروش سا ختمانی اهداف و مدیرعامل شرکت مذکور در زمان شاه خا شن ،

● دشمنی با زندانیان کمونیست طی دوره زندان (که کمتر از ۳ سال طول کشید) ، تفرقه اندازی و عدم شرکت در مبارزات درون زندان در زمان شاه سویژه زمانیکه وحدت زندانیان سیاسی اعم از مذهبی و کمونیست برای مبارزه با رژیم بیک ضرورت مبرم بود .

● وزیر آموزش و پرورش قبل از نخست وزیری در رژیم فعلی و بنا بر این مسئول القاء فرهنگ ضد مردمی و عقب مانده به دانش آموزان

● اخراج هزاران تن از معلمین انقلابی و کمونیست از آموزش و پرورش در تهران ، تبریز ، سراسر ، بندرعباس ، اراک و دهها شهر دیگر به بهانه "غیراسلامی" و "غیرمکتبی" بودن آنها رجایی در این مورد گفته است : "مانمی توانیم به کسانی که غیراسلامی هستند اجازه دهیم در مدارسمان به اذان گویی و پیش نمازی بپردازند . مانمی توانیم از افرادی که بینش مادی دارند و به اندیشه های ایزاری معتقدند ، این انتظار را داشته باشیم تا بینشهای انسانی را تعلیم دهند" (جمهوری اسلامی ۱۵ شهریور ۵۹ رجایی با این حرف نشان میدهد که دشمن نیروهای مترقی و کمونیست است .

● دستگیری و شکنجه و زندانی کردن صداهن از معلمین انقلابی و کمونیست به آنها "فعالیت های ضد اسلامی" و در حقیقت بخاطر آگاه کردن دانش آموزان که با توافقی رجایی در زمانیکه وزیر آموزش و پرورش بود ، صورت میگردد .

● تفتیش عقاید در استخدام معلمین طبقی بخاستا مه های رجایی در زمان وزارت .

● تا سیداعدا مدهها معلم کمونیست در ترکمن صحرا و کردستان و ... از جمله معلمین شهید عبداللہ فضل ، بهمن عزتی ، هرمزگرچی بیانیسی و ...

● انحلال آموزش پرورش کردستان برای سرکوب مبارزات دانش آموزان و معلمین انقلابی کردستان .

● رجایی در زمانی که وزیر آموزش و پرورش بود

علیه حزب جمهوری ، علیه لیبرالها ، زنده باد پیکار توده ها !

دانش آموزان مبارزان به شیوه‌های مختلف زیر
فشار قرار داده و سرکوب میگردد، از جمله
سیاسیهای سرکوبگرانه و عارضینداران انحلال
سوراهای و ممنوعیت ایجاد سورا در مدارس، انحلال
حفاظ و حوا حسنی برای جلوگیری از فعالیت
سیاسی دانش آموزان، نفی عفا بدوا حراج
دانش آموزان انقلابی ...

● صدی نسبت نسبت و برتری برای سرکوب
انقلاب رجا بی، این سرما به دارمکنی، در آغاز
انقلابی به نسبت و برتری گفت: "من مفلح
ام، ما هم، هر چند مجلس و سراد در رئیس جمهور هستیم."
او با این سخنان خود بدستی سنان میکنند که
عوا مفریبی را بخوسی از رهبران رژیم جمهوری
با دگر گرفته است، وجود معترف است که فرزند
خلف مجلس ارتجاعی که مرکز تجمع عوا مفرسان
و مفتخوران است میباید تن ترتیب و همگامی
و همدستی خود را با نمایندگان سرما به داران در
حتمی و سرکوب رحمتگان و خلقها اعلام میکنند،
رجایی سس خود را در رئیس جمهور عنوان
میکند، برآستی که رجا بی و همسالگی های او در
حرب جمهوری اسلامی، سراد دران لیسرا لیا از جمله
سی مدر در سرکوب انقلاب نوده ها میباشند.

● سرکت فعال در کلمه حنا نانی که بدست رژیم
جمهوری اسلامی سوزده حزب جمهوری اسلامی
انجام میگردد از جمله کستار در کردستان، ترور
انقلابیون، سرکوب نظامی و مینتنگها و ...
● سرکوب نظامی طلبانها که رگران بیگار
آقای رجا بی در مینا را حتمیهای اسلامی
کا رخانجا گفته است: "آنها (مذا انقلاب) بسا
داشتن درجه دکتری فوق لیسانس و لیسانس
لیسانس کارگری پیوسته و در صف کارگران می
استند و با در کارخانهها مشغول کار میشوند.

(جمهوری اسلامی ۲۷ آذر ۵۹) زهی وقاحت و
سخرمی! گویا اینهمه کارگران کورسته بیگار
درجات دکتری و فوق لیسانس و لیسانس دارند
که لیسرا کارگری پیوسته انداز رجا بی با اسن
کوبه با طلب سرکوب خونین نظامی کارگران
سگار در سپهرهای مختلف را نوحه میکنند!

● چنانچه در نمودارها، سرکوب مینا را ب
دهها سال رحمتگان که به ما دره انقلابی رمن -
های مالکین و فئودالها دست میزدند، رجا بی
در مورد ما دره انقلابی زمینهای مالکین
وسط روستا سنان در مینا رسا اصطلاح واگذاری
رمن گفت: "من به عنوان یکی از اعضای
سرکت کننده در اس مینا رسدینکاران اسن
بدیده (ما دره انقلابی رمنها توسط دهقانان
- سگار) هم، با بداندان حرکت فدا انقلابی
یک معالیه مولی نمود "آقای رجا بی سس
حما ن آسکار خود را فرودا لیا های سنگر و
جوخوار را اعلام میکند: "من حرمین لروما را سگار
سیند میکی اسب حبا گرا هم با سندر براننا به
فرمان امام کسانتی محو هنده ما نغ آژن سوسد
نا رمنیهای سرک را که افرادی (روستایان
رحمتگان - سگار) بطور نا مشروع مالک شده اند
بدستمان آن (شودا لیا و مالکین

استثنا رگر - سگار) برسد" (جمهوری اسلامی ۱۴
آذر)

● حما ن سرما به داران بزرگ بنا به ما هیت
طبقانی خود: اسن آما عوا مفریبانه خود را حامی
مستضعفین حامین و نودو گرکا که سرسداد اسخن ار
"عدالت اسلامی" سرسدهد، اما وقتی که در اسل
نخست وزیر رس میگوید: "در هجده ما هگدسته نه
دولت به سرما به داران کاری داشته و نه خود
آنان در سطح وسیعی حرکت کرده اند." (کیهان
۱۹ مرداد ۵۹)، ما هیت حما ن اسن از مستضعفین
آسگار میشود، البته منظور آقای رجا بی از
"حرکت سرما به داران در سطح وسیع" چیزی حسر
دعوت سرما به داران به سرما به گذاری سسترو و
در نتیجه استثما ره ره سسترو سسترو رگران
نسبت، چرا که آقای رجا بی نخست وزیر رژیم
است که سرما به داران آنرا میخرانند آقای
رجایی و قضا نه سخنان خود را اینطور ادا م
مدهد: "دولت آینده اسرما به داران بزرگ
با بدخواهد که در اعمال خود تجدید نظر کنند،"
(همانجا) منظور آقای رجا بی از این سخنان
کلاننا بین است که سرما به داران بزرگ که
مردم رحمتگان با بغا طرغا رت دسترنج رحمتگان
و استثما رگران سالها با آنها مبارزه کرده -
اند، رگران را استثما رکنند و سس برای خالی
شدن عریضه برای اسنکه کارگران را آسنا نتر
بفریند! اسرما به داران میخواهد که در "اعمال"
خود تجدید نظر کنند، آیا کرگها مستوا نند همیشه
را با ره تکندند؟ آنا به اسن سخنان عوا مفریبانه
اسن جناب جز کلاشی و جمله گری نانی میتسوان
گذاست؟

● سرکت دربار برای و حفظ سرما به داری وابسته
بعنوان نا بگاها میرا لیسم در ایران تا شید
کستار و قتل عام رحمتگان روستاهای ایندر -
ماس، موقیان، سوسف کند، سسروکانی و غیره
لازمه با داری است که اسن جناب سستی
از انبوه حنا با تی است که در دوره نخست وزیری
آقای رجا بی انجام گرفته است.

● سرکت بوده های رحمتگان و دعوت آنها به
سرکت در جنگ ارتجاعی کنونی و تبدیل فرزندان
بوده ها به گوست دم توب سرما به داران زالو
سعی

● آقای رجا بی بعنوان نخست وزیر جمهوری
اسلامی در اعدا مینا ارتجاعی ما در خوزستان
سگار رگران سهد سگار الله داسار، محمد علی
اسرمی، منوچهر ننگ اندام و رفیق "علیرضا
هماسون سری راده" ارتجاعی اقلیت بدست
خلدان جمهوری اسلامی سرکت داشته است بنا بر
اسن دستن مسلمانان اسن جها را انقلابی
کومیسست و دهها انقلابی دیگر آلوده است.

● سرکت وسیع بوده های نا آگاه و همجنسین
سازماندهی دسه های اویاس و فدا ره بند بر
علیه او ارگان جنگ در سراسر، امفهان، بیروجر د
و ... و طریق تبلیغات امام جمعه های مرتجع
واسده با ند خود.

● ریخن ۲۵ میلیون تومان از بیت المال
مردم حمت مفتخوران جهت تبلیغ و ترویج

افکار ارتجاعی سند غارت ۲۵ میلیون تومان
مذکور که به امای رجا بی به حمت منطری و
دیگر "علماء" ربحه شده است، توسط سازمان ما
اسا گردید.

● رجا بی حل مسئله گروگانها را سعه گرفت تا
رابطه با آمریکا که منطرا و "تکا مل معنوی"
با مینا سب برقرار کرد، اسنوا سندان از آمریکا
اسلحه خریدند و برای همس سوزخا ن آتیسز
جوده نیویورک از حمت مردم "مستضعف" ۱۴۰۰۰۰۰
تومان برداشت.

اینها کوسه های ارتجانات رجا بی نخست
وزیر مکتبی رژیم جمهوری است اما پروا فح
است که او در کلمه حنا سات و سبانه های سرکوب -
کرانه رژیم در رسنه های مختلف نقش مهمی دارا
میباشد، اسن عسرو عوا مفریب خود را "حامی
مستضعفین" قلمداد میکنند در حالی که خود از
سرکوبگران اصلی رحمتگان و از حمان اصلی
سرما به داران میباشند و در عوا مفریبی دست
کمی از همپالکی های حزبی و همدستان لیسرا لیس
ندارند، او با استفاده از نا آگاهیه رحمتگان
آنها را تحمیل میکند و از عنا وین "سرمی" و
"سرمی"، مکتبی و "اسلامی" در جهت غارت دسترنج
رحمتگان توسط سرما به داران استفاده میکند
رجایی بعنوان نخست وزیر جمهوری اسلامی
امروز مستقیما در سرکوب انقلاب توده های
رحمتگان دست دارد، اسعی میکنند خود را "صد
امپریالیست" ننان دهد حال آنکه این فریبی
بیش نیست و حامی مدافع سیستمی است که
امپریالیستها بر اسان به غارت و جیسا و ل
خلق ما مشغول میباشند، اسن آقای "مکتبی و
حزبی" همانند لیسرا لیا های خائن دوست امپریا -
لیستها و دشمن انقلاب و رحمتگان است.

مصادره انقلابی خوابگاه تربیت بدنی توسط کارکنان جنگ زده

بدنیال مراجع مکرر شما سندگان کارکنان
منطق جنگ زده به "بنا دسهد"، "سنا دسکن"،
"بنا دسضعفین"، دسترنج و ریب -
مسئولین وزارت نفت برای با سکوئی سسه
حوا سنها پسان از جمله سنا سسکن و سسدم
رسیدگی مقامات مذکور، کارکنان تصمیم می -
گیرند تا خود افا مکنند، سدن لحاظ رور ۹/۲۳/
اقدام به مصادره انقلابی محل خوابگاه داشته
ترسب بدنی مینما سند، آنها به محض ورود سسه
سا ختمان مزبور با اساد کمبینه های اسکان،
تدارکات و ... به سازماندهی اقدامت خود
پرداخته و در اطا قها مستقر میشوند.

مسئولین رژیم که از اسن عمل انقلابی
کارکنان جنگ زده غافلگیر شده بودند، سسعی
کردند با "شیرقا نونی" خواندن اسن اقدام و
توسل به انواع جمله ها، آنان را از محل خارج
کنند، ولی هوشیاری کارکنان توطئه های رژیم
را خنثی کرد، طبق آخرین گزارش پاسداران
سرما به آ و بری و سوخت خوابگاه را قطع کرده اند

لیبرالها و بازگشایی دانشگاه

لیبرالها، دانشگاهی بدون انقلابیون و مکانی برای تربیت متخصصین لیبرال میخواهند در حالی که کمونیستها و انقلابیون دانشگاه را بعنوان کانون افشاکاری و مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و استکباری برای آزادی و انقلاب میخواهند.

با تهاجم حزب جمهوری اسلامی به دانشگاه و جنایت هولناک اوباشان و پاسداران حزب در اول اردیبهشت که به شهادت دهها دانشجو و فرمان (و بدشال آن اعدام و ترور و مودنها، معتمدیها، علویها، دانیالپناه و...) انجامید، دانشگاه، این سنگرخونن آزادی از ۱۴۴۰ خرداد ۵۹ تعطیل گردید، جنایت اول اردیبهشت که از سوی بنی صدر لیبرال نیز تائید شد، هدفی جز مقابله با نیروهای انقلابی در دانشگاه نداشت، رژیم عا جز از خاموش کردن شعله های پرفسروغ آکا هی از دانشگاه به تعطیل آن دست زد. اما اگر لیبرالها نیز خواهان سرکوبی نیروهای انقلابی در دانشگاه هستند، اما خواهان تعطیل بودن دانشگاه نیستند، و اگر سیاست "چماق" حزب جمهوری در مقابل انقلاب، در دانشگاه بصورت سرکوب کامل و تعطیلی سنگر آزادی جلوه گر میشود، سیاست "چماق و نون شیرینی" لیبرالها سیاستی مزورانه و فریبکارانه را برای فریب داده ها و سرکوب انقلاب، اسباب میکند، از اینرو مبارزه در جهت بازگشایی دانشگاهها بدون افشای ماهیت شاعرهای لیبرالها در این مورد نمیتواند بطور کامل در جهت اهداف دموکراتیک انقلاب قرار گیرد.

لیبرالها چرا از بازگشایی سخن می گویند؟

انقلاب اسلامی، میزان، آرمان، ملت و خلاصه تمام می نشریات ارتجاعی لیبرالها، اکنون از بسته شدن "مرکز علم و دانش و تخصص" مینالند اما چرا؟ آیا آنها واقعا خواستار ادامه فعالیت دانشگاه بعنوان سنگر آزادی هستند و یا نه! آنها خواهان همان دانشگاهی هستند که رژیم شاه نیز در آرزوی میسوخت و نتوانست آنرا بسازد، یعنی دانشگاهی بدون اجازه فعالیت سیاسی برای انقلابیون، بدون مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و تنها مکانی برای تربیت روشنفکرانی متخصص در خدمت سرمایه داری وابسته، بیبنییم بازرگان لیبرال خواهان کدام دانشگاه است، بازرگان اساس فعالیت دانشجویان را در دانشگاه محبوب لیبرالها "تعلیم و تربیت و تخصص و تحقیق" (میزان، ۲۶، آذر) میدانند و شیدا به دانشجویان انقلابی که با قوانین و فواید و استادان و کادرهای دانشگاهی مخالفت میکردند، می تازد و می -

گوید:

دانشجویان چپ، "تلافی طاغوت شکست - خورده و لمس کردن بیروزی را از بیرون کردن و بی آبرو ساختن هر چه استاد دوهفت تعلیماتی و بهم ریختن نظام آموزشی و اداری (منظور نظام آموزشی و "طاغوتی" است - سکار) میدیدند" و سپس بازرگان آنها ما به رنج طرفداران "منطق و انقلاب اسلامی" و... میدانند، بدین ترتیب آقای بازرگان مخالف اقدامات دانشجویان انقلابی در پردو بستگان رژیم پهلوی از دانشگاه است، و مخالف فعالیت سیاسی انقلابیون در دانشگاه است، و میخواهد همان نظام آموزشی و اداری که در خدمت سرمایه داری وابسته بود باقی بماند، تا دانشگاه ما نند زمان شاه خاشن کوشش خود را مصروف تربیت متخصصین سرمایه داری وابسته کند و دانشجویان انقلابی را نیز که خواهان فعالیت انقلابی هستند، شدیداً سرکوب نماید، سایدکمی تحت تاثیر تبلیغات لیبرالها قرار گرفته با شد و بگوید لیبرالها که مانند حزبیها، "خشن" و "سرکوبگر" نیستند، اما غافل از اینکه آنچه بنی صدور بازرگان متحد با حزبیها بر سرگردستان آورده و بنی صدر و حزب سرگردانها، نشان میدهد که موقعیت لیبرالها از حزبیها در کشت و کشتار و سرکوب هیچ کم نمی آورند، بیبنییم در مورد همین دانشگاه، لیبرالها چه سیاستی در مقابل کمونیستها پیشنهاد میکنند:

سرکوب کمونیستها و انقلابیون، آزادی مشترک لیبرالها و حزب

بازرگان میگوید:

"گروههایی که (منظور کمونیستها است - سیکار) را ساید تقلید! انتقام بدهند، هدف و حرفه شان میباشد و تنها برای نفس انقلاب و ندا و مآل قاتل بودند (!!)... چنین مصلحت میدیدند... با شدت و سرعت هر چه تمامتر از یکطرف به تبلیغ مرام و برنامهای خود در میان روشنفکران و مردم بپردازند (!!) و از طرف دیگر تداوم و تسریع انقلاب را از طریق تخنیه یا تشویه دانشگاهها و جا رو کردن افراد و عناصرو آثار مهر خورده گذشته اجرا نمایند (!!) (همانجا) بدین ترتیب معلوم میگردد که لیبرالها چگونه با اقدامات انقلابی دانشجویان

مخالفت، لسرا لیا اراسکه دانشجویان بر ما - های انقلابی را در میان روشنفکران تبلیغ نموده و با نظام کمپنداسکا هی مبارزه کنند، وحتی دارند، آنها سرمایه سدر حریبا از - دانشگاه اسلامی و در خدمت بوده ها برخورد می - لرزند، اما سررمانا بله ما دانشجویان انقلابی و فعالیتهای آنان در سوه یا حزبیها نواسق ندارند، آنان میکوسدما "تراکت" سرکوب دانشجویان انقلابی و کمونیست سردازند، بقول بازرگان ارتعاب و حمله و ضرب دانشجویان توسط جناح رقیب (حزبیها) در اول اردیبهشت به این منجر شد که:

"سپاه های خوشی بدست مخالفین داده و" "با شیوه های خاص مبارزات مطلوبی انحراف و تهاجم آنها که بر حرم فدا رسانی برامرا سته بودند، قیافه حق بجانب سشروها له مظلومیت و بنا بر این هوا خواهان بیسترد فرسهای دانشجویان را آموزش میدادند" (همانجا) "است، "سرکوب صفر بسودا انقلابیون است" "استبداد دشمن بسودا انقلاب است" "لیبرالها خواهان سرکوبی طریف هستند، "آدم بکس" "اما خون روی دستهایت را همیشه بخور!" "بناور نمی کشید، بیبنییم چگونه از مقابل بله با کمونیستها سخن میگویند:

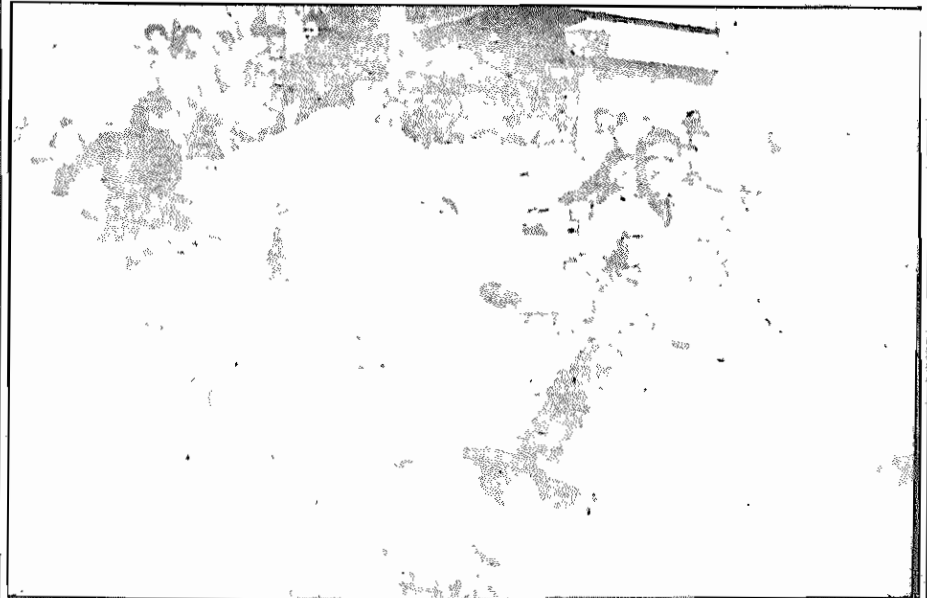
"با این ترتیب مقابل بله با گروههای متحرک و مخرب چپ بعضی آنکه از طریق سازندگی و سرنای مثبت وظایف دانشگاهها شد... (همانجا) آری همانطور که در حکومت بازرگان و بنی صدر دیده ایم: لیبرالها خواهان مقابله مثبتی هستند، یعنی چماق و نون شیرینی، یعنی سرکوب و کشتاری که شوشیده انجام گردید و بر ما مه و نقشه چند سال لیبرالها بگویند، ای حزبیها! جلوی چشم مردم، آدم نکشید، مردم میسینند آنها را بکشد و در خفا اعدام کند و همین آنکه صحبت از آزادی نیز با دنان نرود، لیبرالها میگویند جلاد پس از کشت و کشتار باید دستش را بشوید و با دستان تمیز بر سر فرجه جشن فتح ببنشیند، در حالیکه حزبیها اینرا نمی فهمند و با همان دستان خون آلود جلوی نوده ها ظاهر میشوند و اینرا لیبرالها نمی خواهند.

پس روشن شد که لیبرالها خواهان چه دانشگاهی هستند دانشگاهی بدون نیروهای انقلابی (البته این حسرت بدلشان خواهد ماند) آنها به حزبیها میگویند، دانشگاهها را با زکس، سرمایه داری وابسته متخصص میخواهد، منتها با راهلهای سنجیده کمونیستها را سرکوب کن، در دانشگاهها که بنیاید فعالیت نیروهای انقلابی صورت بگیرد، مگر گفته های "اعلیحضرت همامیونی" با دنان نیست که میگفت دانشگاه جای درس و مشق است، نه جای "خرابکاری" مثنی کمونیست

لیبرالیسم، ایدئولوژی ضد انقلابی بورژوازی را افشا و طرد نمائیم

زحمتکشان ایران شاه را فراری دادند،

شاه جلاد مرد، ولی هنوز...



صفحه ۱۱ لبرالها...

وما رکسب اسلامی.

باز هم تلاش برای

سوار شدن بر جنبش توده‌ها

سندس برست معلوم است که لبرالها خواهان نارسدن جدوع دانسکاهی هستند. آسپا برما سدرسپا نه کعبه آت الله جمعی کا ملا معتقدند که دانسکا هی که در آن کمونسب - ها معماره سردا رید، ساندما رسود (مطوعاب ۲۹ آدر)، اما آنها صمدان برما به ساری مفا بله ما کمونسبها خواهان این سازکسانی هستند چرا که آنها بفرست برست منحصی ساری سرما به داری واسنه هستند. چرا که اکبرست استادان دانسکاه (سجز معدودی اسناد کمونسب ودموگرات) لبرال هستند و آنها با سازکسانی دانسکا هدراندیشه نعوبت موضع خود سز در فسال حربیها هستند.

وار همه میسر آنها ساری پیریدن سر روی امواج، سارما سنی توده‌ها، نخصی ربادی دارند وچنین است که برای فریب توده‌ها، لفظاً آن شعاری را که خواسته توده‌هاست، نکرار میکنند، (هرچند که محتوای مورد نظر لبرالها با آنچه توده‌ها میگویند از زمین تا آسمان متفاوت است) توده‌ها دانسکا هرا برای اساعه آکاهی وبعنوان سنگرزادی ودر خدمت جنبش میخوانند و لبرال - ها دانسکا هرا در خدمت سرما به داری وابسته آنها شعارمورد علاقه توده‌ها را تکرار میکنند تا خود را محق جلوه دهند و ساری ریدکر سرتا سته توده‌ها بسوی قدرت بلتزنند و در ضمن سته بودن دانسکا هرا موجب افزایش نارسا بتی توده‌ها و خطری ساری حکومت میداند، آقای سازگان که در نصحت کردن شاه خاشن تجربیات گرانسپا شی اندوخته است به حزبسپا هشار میدهد:

"معلوم است، وقتی شما سش از مدهزار نفر جوان را که در سنین حداکثر جوش و خروش و ستنه فعالبت و دریاقت هستند، سکا روسلان خبا بان و خانه میکنند، خودشان سدرو مادهارسان ساراضی مسنون و سق میزنند" (هما نحا) میبندد چه ترسی از انقلاب و نارسا بتی توده‌ها دارسان لبرالها! حالبا اینجا است که حزبسپا سسز ترستان از دانسکا ه، سباطرا و حکمری انقلاب است، آت الله جمعی به لبرالها که خواهان سازکسانی دانسکا ه است سگوید "شم ساسی سدارد!" (مطبوعات ۲۹ آدر) چرا که این کار کمونسبستها را رسد میدهد. و لبرالها سسز از همین زاویه به حزبسپا می تازند که "سته بودن دانسکا ه موجب رسد کمونسبستها منبود!" سهر صورت نه سنها در مورد دانسکا ه بلکه در دسکر مسائل سسز، نه راه حل لبرالها و نه راه حل حزبسپا، رژیم رانحات نخواهد داد، زیرا ضد انقلاب در هرکامی که بر مسدارد، بدست خویش کورخوس را میکند! و رژیم نخواهد توانست مانع رسد انقلاب و کمونسبستها کرد.

پدید آورند، سادازاسن بودند که با مبارزه ای طوقا نزا جلاد خلمهای ایران را بزبانود آورده اند و اورا با چشم براسک ارتخت سلطنت ننگ سبیا شن میکشند، فرارشا ه اولسین سبروزی جنبش انقلابی خلقیها میا بود، جنبشی که دورنیمای خود را نه فقط فرار ساه خاشن بلنکه سرتگونی رژیم وابسته میربا لیسیم شاه و نارسا بتی سرما به داری وابسته و سبنا دجا معهای نورویرا نه ههای نظام کهن قرار داده بود. پس از فرار شا ه خاشن توطئه‌ها و نیز کشتارهای آخرین نخست و زبیرش سخنا رمز دور سز نتوانست رژیم را از تیر خشم توده‌ها برهانند، نوده‌ها سافما م سسکو بهیمن ما بساط رژیم شاهنشاهی را در هم پیچیدند اما عدم وجود رهبری انقلابی طیفه کارگروسان زنانه رهبران ضد انقلابی که بر جنبش سوار شده بودند، زحمتکشان ما را از رسیدن به هدف و پیروز شدن بازداشت، زحمتکشان ایران با مبارزه انقلابی و بدستان برتوان نشان شاه جلاد را فراری دادند، شاه دق مرگ شد ولی هنوز خون توده‌های زحمت کش و قهرمان بر سسگفرش خبا بسا بتی بررد و دیوار شهرها خشک نشده بود که سرکوب و ستم و استثمای روابین سارنحت نام جمهوری اسلامی بر میهن ما، مجددا مستولی گشت، ولی مرتجعین از تارخ درس نمگیرند، توده‌ها سبکه رژیم تا بدندان صلح شاه آمریکا شی را سسکرک رویروسا ختند و با مبارزه انقلابی خودشا جلاد را فراری دارند، با صلح شدن با آکاهی طبقاتی و در ادامه مبارزه اعتلاشی کنونی، آنچه را که نتوانستند بس از فرار و سرتگونی شاه یکساف آوردند، در آغوش خواهند گرفت. دور نیست که توده‌های انقلابی ما روزها شی نظیر فرار شاه و... را دوباره زنده کنند.

ساعت ۱۳/۰۸، روز ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ شاه جلاد، در مانده از جنبش انقلابی خلقیها ایران که رژیم پوسده سلطنتی را اولسین هدف ضربات شوقنده خود قرار داده بود از ایران فرار کرد. فرار شاه خاشن در سراطی صورت میگرفت که سارسات توده‌های زحمتکش ضربات کاری سبر بیکر لرزان رژیم وابسته میربا سسما و ارمی سناخت، سهرهای ایران در فراسدهای خشم نوده‌ها میبلرزید، کشتارهای ارتش آمریکا شی ساه کوحکمرن ترلزلی در نوده‌های سبنا خسته اسنادنگرده بودند دولت "آستی ملی" سربسف اما می مزدور، نه "حکومت نظامی" از هاری جلاد و نه آخرین سوطئه رژیم شاه و میربا لیسیم یعنی دولت سختبار خاشن نتوان سته بودند رژیم شاه را از بحران مرکزاشی که گلویش را فشار میدادها سارد، ساه که هدف اصلی خشم خروشان زحمتکشان ایران بود و ما هیا بود که شاهای "مرگ سبر شاه" توده‌ها نا قوس مرگ سلطنت سنجش را به صدا در آورده بودند، مستأجل و در مانده ایران را سرتک کرد تا با ملنیا ردها دلاری که از دسترنج خون زحمتکشان میهن ما شروب سبار آورده ای برای خود و خا توده منحوس فرامهم آورده بود به عبس و عسرت در کنار اربان سسیر داد زد. مردم ایران، ساری اولسین ساریس از سالها حا کمیت ترور و خفنا ساشستی، پس از ستمل شکنجه‌ها، برندانها و سبار کشتارهای دسته جمعی با فرار شاه مزدور، دوزخیم خلقیهای ایران رنگ خنده و سادی بر چهره سناست، توده‌های مبارز به خبا بسا بتی ریختند و فرار سز دلانه، دیکتا سسور خون آشام را جش گرفتند، زحمتکشان میهن ما فرار شاه را مقدمه سبروزی و بسش در آمد آزادی می دانستند، آنها که سارسالها خفنا و سرتگوب، توان سته بودند مو جمعی انقلابی در حا معما

دمکراسی انقلابی چیست؟

آزادی "برای خلق ماسخن گفت، چنین عملی نه آزادی برای خلق ما بلکه اسارت و برهمنگسی برای خلق ما و آزادی برای طبقه سرما بسده دار ایران است که لیبرالها خود از آن دستاوند. به همین دلیل است که با زرگان این سرما بسده دار لیبرال، مصادره و ملی کردن صنایع را توطئه شوم کمونیستها "میخواند، چرا که مصادره و ملی کردن صنایع (نه آنچه رژیم میکند) حقیقتاً توطئه ای علیه منافع امپریالیسم است! بنا بر - این: از نظر ما مبارزه برای کسب آزادیهای دمکراتیک از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

در مقابل لیبرالیسم؛ ایدئولوژی ضدانقلابی طبقه سرما بسده دار" ما هیت خدا انقلابی لیبرالها و دروغی بودن فریادهای به اصطلاح آزادیخواهان به آنرا توضیح دادیم. توضیح دادیم که آزادی از نظر لیبرالها در جامعه ما به معنی آزادی برای ساری با امپریالیسم است. گفتیم که نهادی "آزادخواهان" آنها تبدیل لیل همراهی بسا نوده ها بلکه تبدیل بختر افتادن منافعیسان توسط رقیب، بلندگوشناست و هرگاه همسارزه سوده ها اوج گیرد، بنان خودسه مهارزدن و سرکوب آن میپردازند. سرکوب کردستان و ترکمن مراد دوره نخست - وزیر با زرگان و ریاست جمهوری بنی صدر بنیرگواه با زرگان مدعاست. اکنون بسینیم که دمکراسی واقعی و آزادی حقیقتاً انقلابی چیست و مردم ما چه نوع دمکراسی را میخواهند؟ از نظر ما کمونیستها:

۱- مبارزه برای کسب آزادی از مبارزه برای استقلال جدا نیست.

حتما با رها شنیده اید که ما می گوئیم "مبارزه برای دمکراسی از مبارزه خدا مبریا لیستی جدا نیست" این جمله بیان کاملتر از بطنه مبارزه برای آزادی و استقلال در جوامعی نظیر ایران است.

چگونه میتوان با دهها قرارداد با رتسار اقتصادی سیاسی و نظامی به امپریالیسم جنایت - کار وابسته بود و با آزادی سخن گفت؟ چگونه میتوان ارتش دست پرورده امپریالیسم آمریکا را حفظ و با زسازی نمود و با آزادی سخن گفت؟ چگونه میتوان طبقه سرما بسده دار وابسته به امپریالیسم را در غارت و استعمار دسترنج کارگران و زحمتکشان آزاد گذاشت و با آزادی آزادی برای مردم زحمتکش سخن گفت؟ چگونه میتوان سلطه امپریالیسم بر میهن ما را که مستلزم سرکوب هر چه خشن تر و شدیدتر خلقهای ایران است حفظ نمود و با آزادی سخن گفت؟ بنظر ما آزادی و دمکراسی واقعی در درجه اول به معنی آزادی از استعمار امپریالیستی است که به خلق ما وارد میشود و این استعمار امپریالیستی را نمیتوان از بین برد مگر با قطع سلطه امپریالیسم از زمین ما که تنها با برقراری دولت کارگران و زحمت - کشان، مصادره و ملی کردن املاک و کارخانجات سرما بسده داران وابسته به امپریالیسم، حذف صنایع زاندا مبریا لیستی، نابود کردن ارتش دست پرورده امپریالیسم و جابجایی آن توسط ارتش انقلابی خلق و... صورت میگردد.

بنا بر این برخلاف نظر لیبرال ها، نمیتوان وابستگی اقتصادی به امپریالیسم را حفظ نمود با منافع سیاسی امپریالیسم همسوئی نمود، بزرگترین خواست امپریالیسم معنی سرکوب کارگران و زحمتکشان را به اجرا درآورد، ارتش دست پرورده آنرا رسد و گسترش داد، از طبقه سرما بسده دار وابسته به امپریالیسم بسنیا نی نمود و در یک کلام بسبب سرما بسده دار وابسته به امپریالیسم را حفظ و با رسانی کرد و با زهم از

آری، "دمکراسی" لیبرالها با دمکراسی واقعی مردمگسه تنها در آزادی سیاسی خلاصه نمیشود، بر ستنها فاصله دارد. "دمکراسی" لیبرالها مانند شیرینی یال و دم و شکم است. آنها زده مکرسی تنها چهره لوٹ شده آن را می شناسند.

۳- دمکراسی سیاسی، از دمکراسی اقتصادی جدا نیست.

سختیوان دمکراسی سیاسی بوجود آورد، بدون آنکه حقوق دمکراتیک اقتصادی بسرای مردم ایجاد نشود. دمکراسی سیاسی تنها بر مبنای تامین رفاه اقتصادی زحمتکشان، رفع ستم ملی از خلقها، ایجاد حقوق و امکانات مساوی بسرای بهره برداری به نفع زحمتکشان، جلوگیری از غارت و جبا و ل بی حدود دسترنج کارگران، برقراری ۴۰ ساعت کار در هفته، افزایش دستمزد متناسب با هزینه زندگی، ایجاد کار برای بی -

کارگرو زحمتکشی که در زاغه ها بسرمیبرد، نان شبش را نمیتواند دریا آورد و صبح ناشام برای در آوردن لقمه ای نان این درو آن در میزنند، چه وقت، حوصله فراغت خاطر و امکان خواهد داشت که به مطالبه بنشینند، دارای عقیدهای مستقل باشد و بتواند در امور سیاسی جا معشرگت کند آری تنها با تامین حد اقل رفاه اقتصادی تود ههای ستمدید ماست که میتوان دمکراسی سیاسی واقعی را برقرار نمود.

۲- دمکراسی حقیقتاً انقلابی، نهاد و آزادیهای سیاسی خلاصه نمی شود.

اینکه فکر کنیم دمکراسی تنها به معنی آزادی بیان، عقیده و... است اشتباه کرده ایم - دمکراسی یک مجموعه ای از حقوق توده های انقلابی است که نه تنها شامل آزادیهای سیاسی (حق بیان و اندیشه و...)، بلکه شامل برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش یا عبارت دقیقتر رفع ستم ملی بر خلقهای دیگر برقراری حکومت انقلابی دمکراتیک از طریق شوراها و مسلح کارگران و دهقانان و... است. اگر حکومتی بجای آنکه بطریق سوری و بیاتوسط کنگره خلق از "پائسی" به انکاء مردم حکومت کند، از طریق بوروکراتیک و از بالا و به دور از مشارکت مستقیم و واقعی مردم حکومت کند، دمکراسی موجود در چنین حکومتی ظاهری بوده و واقعی نیست، لیبرالها چنین "دمکراسی" را به خلق زحمتکش ما ننوید میدهند، یعنی حکومت از بالا و بدون دخالت مستقیم مردم، بسهمین دلیل است که لیبرالها دشمن سرخست شوراها و واقعی هستند و آنرا "گام کمونیستها" میخوانند. و با زرگان و بنی صده و همیا لکیهای لیبرالشان سا رها از ضرورت انحلال شوراها "کمونیستی" بودن آنها و با لآخره "شورایی شورا" حرف میزدند آنها وحشت دارنده خلقی ما از طریق شوراها و انقلابی، در اداره مملکت نقشی داشته باشند. لیبرالها میخواهند یک حکومت بوروکراتیک، مانوسی (طبق قانون سرما بسده دار) و با نظم و اداره (نظم و اداره سرما بسده دار) وجود داشته با سدو بهمین دلیل مردم را از دخالت در امور دولتی و مملکتی بر حذر میکنند و از "خلال" شورا - های کارگری در مدیریت و تولید می نالند

کاران و تامین کلیه حقوق معنسی، رفع ستم مالکان و امپریالیستها از دهقانان و سبدرن زمین به دهقانان، ملی کردن کلیه انحصارات بانکی، صنعتی و تجاری به نفع خلق و لغو قرار - بادهای اسارتبار که تنها منافع امپریالیسم را حفظ میکنند و... تا مین میشود. آری تنها با برقراری چنین رفاه اقتصادی است که میتوان از دمکراسی به معنی وسیع کلمه (دمکراسی سیاسی و اقتصادی) سخن به میان آورد. اما لیبرالها که برای فریب مردم، خود را "سینه چاک" دمکراسی و آزادی معرفی میکنند، کوچکترین برنامه و نقشه ای برای تامین منافع اقتصادی زحمت - کشان و ایجاد دمکراسی اقتصادی ندارند (و نمی - توانند داشته باشند)، و با لعن از آنجا که خود جز طبقه سرما بسده دار ایران هستند هر چه بیشتر به فکر افزایش استعمار کارگران و زحمت - کشان و پیر کردن جیب خودشان هستند بسهمین دلیل است که بنی صده و همیا لکیها بیش مرش با از "کار بیشتر"، "گوش بیشتر" و "افزایش تولید" و... سخن میگویند، ولی آنها کار بیشتر و تولید بیشتر برای سرما بسده داران میخواهند آنها البته از "سازندگی" نیز سخن میگویند، اما سازندگی برای سرما بسده داران، سازندگی برای ساختن آنچنان جا مع سرما بسده داری است که طبقه سرما بسده داران را غرق در پول سازد، آنها از آزادی اقتصادی نیز سخن میگویند، اما آزادی اقتصادی از نظر آنها، آزادی رشد سرما بسده های خودشان، آزادی گسترش روابط با امپریالیسم و آزادی غارت بیشتر دسترنج کارگران و زحمت - کشان است، بر راستی چرا لیبرالها تا کنون دره ای از ضرورت و تامین منافع اقتصادی

رحمتگان ایران سخن نگفته اند؟ چرا هیچ سرامه ای به معنای مردم زحمتکش برای حل مسئله کراسی، بینکاری، فقر و فلاکت بوده ها و... نداده اند؟ چرا غیرمترجمی عوام غریبی ها مانند دفاع از مستضعفان "کوچکنترس مدعی در راه زحمت گسان شواسته اند بر داری؟ آیا نه حراس است که منافع آنان (برمانه داران لبرال) به در نامن منافع زحمتگان، بلکه در سبب استعمار آنها و تشدید فقر و فلاکت بوده هاست؟ آیا نه حراس این است که آنها با ما به ما هبت ارسحا عی خود نمسواند و کوچکنترس مدعی در راه بوده هاست؟

آری به همین دلیل است که در حقیقت "آزادخواهان" آنها سخن و برامه ان سرای نامین منافع اصمادی زحمتگان نسبت و می تواندهم باشد.

ما کمونیستها که سگرترس دموکراسی انقلابی را برای مردم مستعدیده خود بودیم مدهم نامن رفاه فمادی زحمتگان را نیز جزء - لانسک نامین آزادهای دمکراتیک میدانیم چه معنیدم اگر زحمتگان ما در بدترس شرایط زندگی بسربرند، آزادی بیان و عقیده و حق رای و غیره چه در شان منخورد، کارگر و زحمت گسی که در زاغها بر میسرند، نامن نشی را نمی توانند در بریا ورد و صبح نامن برای در آوردن لقمه ای نامن اس درو آن در میزند، چه وقت حوصله فراغت خاطر و امکانی خواهد داشت که به مطالعه بنشیند، دارای عقیده ای مستقل باشد و بتواند در امور سیاسی جامعه شرکت کند؟ آری تنها نامین حداقل رفاه اقتصادی شده های سمعده هاست که میتوان دمکراسی سیاسی واقعی را برقرار نمود.

۴- آزادی بیهای اجتماعی بر آزادی بیهای فردی مقدم است.

سر خلاف تبلیغات لیبرالها و کلیه امیربالیستها ما کمونیستها مخالف آزادی فردی نیستیم، ما مخالف همه نوع آزادی فردی هستیم. ما آزادی اجتماعی را بر آزادی فردی مقدم میسازیم چرا که تنها در صورتی آزادی بیهای اجتماعی است که دمکراسی سیاسی واقعی مستقر میشود و در برتو آزادهای اجتماعی است که آزادی فردی مفهوم واقعی خود را پیدا میکند و استعدادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شکوفا میگردد و... ما آن آزادی فردی را که مخالف و منافذ بر منافع اجتماعی است، ضد السبه که بر رسمیت نمی شناسیم یعنی المثل مسا آزادی دستجات لیبرالها، دارودسته بختیار و کلیه بیروهای ضد انقلابی و وابسته به امیربالیسم را رسمیت نمی شناسیم. آزادی فردی که معنای آزادی بدون در هر نوع فعالیت ضد انقلابی در جهت همدستی با امیربالیسم است آرمایه یی منافع زحمتگان میدانیم. و به جو حه ان آن حمایت نمی کنیم از اسر و مازمه ما بسرای دمکراسی و آزادهای دمکراتیک، عمدتاً منوجه آزادهای اجتماعی است. ما سبب آزادی فعالیت گروههای انقلابی، آزادی اجتماعات، راهبمایی

اصحاب و... برای زحمتگان و کلیه بیروهای حلقی، نامن بر برای کامل حقوق بیان و میدان در کلیه رسمیه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رسمیت سناحس فعالیت آزادانه و مستقل سکنلات صنفی و سیاسی کارگران، دهقانان، حلقهها و کلیه سبدهای دمکراتیک، آزادی خلقها در عین حق سرنوست خویش، تضمین آزادی سر - نازان و در حه داران نحت نظام شورائی، آزادی مطبوعات انقلابی و مترقی و آزادی دخالت در اداره کسور توسط انتخاب نمایندگان شورا - های انقلابی خلق و... آری ما در حقیقت حواب این آزادهای اجتماعی دمکراتیک است که آزادی فردی را بر رسمیت می - شاسیم. ما فرد را سرحتماع مقدم نمیدانیم و از اسر و آزادی فردی که منافذ بریا منافع توده ها و اجتماع باشد پیدا میسازیم ما کمونیستها آزادی بیان، عقیده، قلم و سایر آزادهای فردی را در حقیقت آزادهای اجتماعی قابل حمایت میدانیم. به این ترتیب ما آزادی عقیده سان و قلم برای فردی ضد انقلابی (تظنیر بختیار و لیبرالها و امثالهم) را از آنجا که منافذ بریا منافع عمومی زحمتگان میدانیم بر رسمیت نمی شناسیم

۵- دمکراسی خلق، دیکتاتور برای ضد خلق است.

دموکراسی بوده ای تنها رفاه دموکراسی و استقلال را برای سوده ها به ارمغان نمی آورد، بلکه دیکتاتور برای صدا بخلاب نیز هست. هما بطوریکه قسم ما آزادهای اجتماعی را خدمت بر آزادهای فردی می سماریم و از اینرو آزادی آزادی هر سروری ضد انقلابی که بخواد هد - دموکراسی خلق صره برزند جلوتر سنده و او را سر - کوب خواهیم کرد، بنظر ما نمیتوان دموکراسی واقعی را برپا کرد و آن را ارتعری و شوطنسه امیربالیسم و ضد انقلاب مضمون نگه داشت، مگر آنکه با یگا هدا خلقی آنرا نابود نمود. ما معقدیم که هر کس بر علیه منافع انقلابی خلق و بسرای نامین منافع امیربالیسم در ایران دست به فعالیت بزند، با ییدر کوب شود و اسر و موا فمادی سرکوب هر چه شدید در دارودسته بختیار، وابسی سالار جاف، پالیزبان، زرگاری، ملاکسان، فئودالها، طبقه سرمایه دار ایران و کلیه سر - سپردگان امیربالیسم و همدستان آن وسایر ضد انقلابیون هستیم از اینرو ممکن است عده ای بگویند که آنچه که مانیز میگوئیم دیکتاتور است، پس چه

بر خلاف تبلیغات لیبرالها و کلیه امیربالیستها، ما کمونیستها مخالف آزادی فردی نیستیم اما مخالف همه نوع آزادی فردی هستیم. ما آزادی اجتماعی را بر آزادی فردی مقدم میسازیم چرا که تنها در صورتی آزادی بیهای اجتماعی است که دمکراسی سیاسی واقعی مستقر میشود.

فردی با دیکتاتور سرمایه داران وابسته به امیربالیسم دارد؟ در جواب با ییدر گوئیم - صولا دمکراسی برای همه انسانها نمیتواند ندا شد. این فریبکاری بورژوازی و همان لیبرالیسم دروغسین و طاهری آنهاست. ما می برسیم مگر خلق و ضد خلق انقلاب و ضد انقلاب منافع مشترکی دارند که دموکراسی سناو ند برای هر دو آنها باشد حکومتی که ضد خلق میخواد، دمکراسی دروغسینی که لیبرالها ضد انقلابی آن نامن دم میزند، هما بطوریکه گفتیم دیکتاتور بسرای کارگران و زحمتگان است و متقلا سلا دموکراسی انقلابی که خلق بدنبال آن است، مخالف است و دیکتاتور بر ضد خلق است.

۶- تضمین کنند دموکراسی تسلیح مستقیم توده ها است.

گفتیم که حفظ دمکراسی برای خلق، مسلزم سرکوب ضد خلق است از نظر ما کمونیستها، حفظ دمکراسی و حاکمیت مردم تنها از طریق برپا - داشتن شورا های مسلح کارگران، دهقانان، سربازان و... ممکن است. با ییدر حای سلسله مراتب در ارتش شورا های سربازان برقرار شود با ییدر کارخانه ها، مزارع و روستا ها و خلاصه همه حاسورا های مسلح خلقی وجود داشته باشند - ستوانند در برابر سرحا وزات امیربالیسم و ضد - انقلاب داخلی، به دفاع از انقلاب و حکومت انقلاب و دمکراسی توده ای برخیزند و توطئه های امیربالیسم و ارتجاع را درهم بکنند، مالیبرالها

پیکار

شماره ۱ از صفحه ۱

بانک مدت نسنا طولانی است که سگسریترین نیروهای جنبش کمونیستی ما به برکت یک مبارزه ایدئولوژیک نسنا فعال، نهادهای نظیر سازمان واحد، ائتلاف، مبارزه ایدئولوژیک - همکاری و... را رد کرده و امروز دیگر کسی نیست که حد اقل در حرف و صریحا رچنین نزهائی دفاع کند. دیدگاه ائتلاف که مانی طرفداران پروسا فرمی داشت و تنگرس مسحا راست و انحلال طلبانه اروحد جنبش کمونیستی را عرضه مینمود و جلوه های آن، "کنفرانس وحدت"، "دانشجویان مبارز"، "تشکیلات دوران گذار"، "یود، هم کنسول در عرصه مبارزه ایدئولوژیک کا ملا بی اعتبار گشته و در عرصه همل کا ملا نه بن بست رسیده و ورکنسته شده است.

تجربه بی دوساله به انداره کافی نشان داد که جنبش دندگا هی سا جه انداز ه سدوما نعی در راه وحدت کمونیستها ایجا د کرده و چگونه در مبارزه ایدئولوژیک برای وحدت جنبش کمونیستی احلال می نماید، این تجربه همچنین نشان داد که وحدت نیروهای جنبش کمونیستی فقط از کاتال یک مبارزه ایدئولوژیک مستمر و بیگنرجول مسائل تئوریک و عملی انقلاب و در متن پراتیک انقلابی حاصل میشود.

ما با جنبش درکی از وحدت جنبش - ل و با علم به اینکه در بسیاری از مسائل اساسی انقلاب وحدت داشتیم، برای حل مسائل مورد اختلاف و دقیق مسائل اساسی وارد دربر و روزه مبارزه ایدئولوژیک درونی برای دسیابی به وحدت شدیم، طبیعتا می بایست، چه مسائلی که در کلیت خویش مورد توافق بود و چه مسائلی که محل آنها میا موردا اختلاف بود، دقیقا و بصورت همه جا نبه ای به بحث و بررسی بگذاریم. پراتیک دوساله اخیر بهترین رمنه ای بود که مسائل سیاسی و ایدئولوژیک را نه بر اساس آنچه که دعا میشود بلکه بر اساس آنچه در عمل تحقق یافته است، مورد ارزیابی و برخورد قرار دهیم. این مبارزه ایدئولوژیک که سن ۱۹۶۰ م با بطول انجام میدنشن منبئی در نزدیک نمبودن دیدگا هها ایفا نمود.

البته ما هیچگاه با این درک حرکت نشمودیم که وحدت خویش را بایست گفتگو و تحقیق بخشیم، هما نظور که گفتیم پراتیک گذشته و بخصوص شرایط متحول جامعه و جنبش که نیروها را در مقابل سندیجهای سخت و نعنسن گذشته ای قرار میدهد، خود زمینه وحدت ما را در بسیاری از مسائل اساسی نشان داده بود، مانعی بایست و هرگز هم اصولی نبود که در باره مسائل اساسی تئوریک و نظرات مانه ای به بحث و گفتگوی درونی نشسته و سخوا هم را بن طریق به وحدت برسیم علاوه بر مانی عمومی سیاسی - ایدئولوژیک مسائلی چون ما هست طیفانی هیات حا کمه، قضیه سار، مسئله جنگ و... از جمله مسائلی



اعلامیه وحدت گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست (پیکار خلق)

بودند که به بهترین وجهی وحدت یا اختلاف ایدئولوژیک سیاسی ما را نشان داده و بعیون آن محکی در ارزیابی ما از مانی سیاسی - ایدئولوژیک در عمل قرار میگرفت طبیعی بود که هرگاه، مثلا در جنگ احرا اختلاف اساسی بین ما بوجود میامد، از آنجا که این اختلاف جلوه ای از اختلاف در مانی بشمار میگرفت، دیگر ضرورتی در یکگیری و ادانه مبارزه ایدئولوژیک درونی برای وحدت نبود و کاتال آن به مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی مرنسب میگفت. ما معتقد نبودیم و برای این اساس نیبز حرکت نشودیم که با اعتراف به یکسری از مواضع وحدت خویش را صورت بدهیم، ما از این نقطه حرکت نمودیم که برنا مه و خط مشی و آن مانی سیاسی - ایدئولوژیک که می بایست با به وحدت قرار گیرد، در عین حال میبایست در طول یکسیر و سولاز مود در جریان پراتیک انقلابی، مجموعا انطفا خویش را نشان داده و با از طریق بسک انتفا دریشه ای و اساسی زمینه نزدیکی و وحدت فرا هم ندهد.

با حرکت از درک فوق از ما روح و ما وارد دربر و س مبارزه ایدئولوژیک درونی و در عرصه های سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی شدیم. در این مسیر علمیر غما اینکه ما اختلافات مشخصی در زمینه ارزیابی از حرکت آینه خرده بورژوازی مرفه و برخی اختلافها در چگونگی و برنسیب همکاری بین نیروهای جنبش کمونیستی داشتیم، اما بدلیل فرا هم بودن زمینه های اساسی وحدت و سوجه به اینکه در مبارزه ایدئولوژیک نیبز دیدگا هها ما در زمینه های مورد اختلاف به هم نزدیک شده بود، وحدت را ضروری دانسته و آن اختلافات را مانعی در جهت وحدت تلقی نشمودیم و آن راه مبارزه ایدئولوژیک درونی در سازمان بسکا رمحول نمودیم.

کاتال دگراست که در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی و سازمان بسکار (بصورت برخورد های دوطرفه) و مبارزه ایدئولوژیک درون گروهی، رفقای بسکار خلق به انسا دات، مشخصی از گذشته خویش دست یافته و تحلیلی از این انتفا دات در آخرین نظرات درونی خویش ارائه نمودند، این رفقا در تحلیل خویش به بررسی راست روی (انحراف راست) در مقابل خراج ارگشور (بصورت ارائه نزنیمه مسعمره - نسعه مؤدال و شرکت نشستن در

پراتیک مبارزات انقلابی داخل کشور) و انحراف راست اکونومیستی در داخل کشور بردا خته و آن را مورد انتقا دقرا ردا دند. جلوه های انحراف اکونومیستی و انحلال طلبانه رفقا در مسئله دا نسجوبان مبارزه - هسته های کارخانه، قبول موقتی تشکیلات دوران گذار و بحران درونی گروه بسا رزیا فته بود.

مانی و پایه های ایدئولوژیک - سیاسی این وحدت عبارت بودند از:

- ۱- مبارزه با رویزیونیسم مدرن
- ۲- رد تزارتجاعی و رویزیونیستی سجهان
- ۳- رد تروتسکیسم
- ۴- رد مشی چریکی
- ۵- قبول تزیوسیال امیریا لیسیم بعنوان یکی از مانی وحدت و عضویت
- ۶- دیدگا هها ی وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر
- ۷- ساخت جامعه - آرایش طبقات، مرحله انقلاب برنا مه حد اقل پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک ایران و جمهوری دمکراتیک خلق
- ۸- مانی تاکتیکی و مشی مبارزاتی
- ۹- ماهیت بورژوازی و ارتجاعی هیات حا کمه
- ۱۰- اساسنامه

در مورد ادغام تشکیلاتی، بعد از مبارزه ایدئولوژیک بر سر مسئله معیارهای عضویت موضع سازمانی، رفقای بسکار خلق بر اساس معیارهای سازمان بسکار در کمیته مشترکی که از نما یندگان دوطرف تشکیل شده بود، بر اساس توافق طریقین مورد ارزیابی قرار گرفته و در تشکیلات سازمانی بسکار سازماندهی شدند.

گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست (پیکار خلق)
سازمان بسکار در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۹/۱۰/۱۶

خبری از خرمشهر

اخیرا شرکت ایران و ژاپن که بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر کارگر و کارکنان را به ۸۰٪ کارکنان خود احکامی مبنی بر مرخصی اجباری داده است مدت این مرخصیها نا محدود بوده و در احکام مزبور صحتی از پرداخت حقوق و مزایای کارگران نشده است. همچنین روسای این شرکت از کارکنان خواسته اند تا کمپنها را تخلیه کنند و این در حالیکه اغلب کارکنان این شرکت که از اهالی آبادان و خرمشهر هستند، خانواده های جنگزده خویش را به کمپ مذکور آورده اند. صدور این احکام با اعتراض و مخالفت کارکنان مواجه گردیده است.



پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

شیراز: آوارگان دست به مبارزه میزنند

گروهی از آوارگان مسفردر سرار، در خادراتی اسکان با صفا اندک آوارگان سوراخ و با باره هستند و بیس چپ هنگا مرسس با ران داخل و خارج خادراتی برای آن نندارد. آوارگان مسفردر سرار همچنان اربطر مواد غذایی و سواک ندر در مصغه هستند، برای اعراض به وضع با سامان حاکم سوراخ و کاه آوارگان، بوده های جنکرده رور ۲۲ آدرما دست به نظا هرات اعراضی مبرنند که از طرف اسداران ارتجاع سرکوب منود. مبارزه آوارگان حک و اساکری کمیوسنیا و سرروه های انقلابی عوامرینهای جمهوری اسلامی را که صفا رسوده ها "ترحم" دروغی حما سارا آوارگان را بلند کرده، بس اربس اصا منکند.

اخبار جنگ

ارتش جمهوری اسلامی و موشک سام شوروی

احیرا اربس جمهوری اسلامی به موشکهای رسی به هوای سام ۳ م ساخت سوسال ابرالیسم سوووی محیر شده است. این موشکها ۲۶۰ هزار تومان قیمت دارند و بس از نگار سوراخ ننداری فقط "حکا ننده" آن صفا نند که برای استفاده محدودا بدروا به سوووی کردند. رربم جمهوری اسلامی همرا با خربند سلاح اربالیسمهای غربی خود را به سلطحاب با ح سوووی سربمجهزی نما بدنا بس اربس این واقعیت را که حفظ منافع طبقاتی ارتجاع "هم غربی و هم غربی" را می طلبد اسباب مناد.

باز هم مصیبتهای جنگ برای زحمتکشان

ادامه جنگ ارتجاعی سن رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق برای زحمتکشان حرفه و بدبختی نصیب دیگری نداشت است. احیرا اسنادا رجا رحا رحا محال بختاری به کلیه "سورا های روسا ها (سورا ۱۴) اسلاخ کرده است که "سلطت موضعیت جنگی کلسه سورا مه های عمرای قطع منود". رژیم جمهوری اسلامی برای نامس هزینه های جنگ خانمان سوراخ ن، آن مقدار حزئی کار عمرانی را هم که برای عوامرینهای در برنا مه های سوراخ ن بوده حذف مینماید. مهم آن است که منافع سرما به داران حفظ شود که در این جنگ هم محفوظ است. ار "کوه رنگ" ۸ شربه هواداران سازمان در حرا رحا محال بختباری (با اندکی شعبیر)

آوارگان جنگ مسبب در بدربیشان را می شناسند

هرچه از آغاز جنگ ارتجاعی دوره میسوم، ماهیت فریبکارانه و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، به تدریج بیشتر برای توده های جنگزده افشا میشود. رور هبجد هم ما که دشمن، اسداران ارتجاع در ادا صفا ست سرکوب دانشجویان انقلابی، به حوا بکا هدا نسجوبی در خیابان "نجاب اللیسی" حمله کردند و کوسندند سپاهانه فریبکارانه "اسکان آوارگان جنگ" سا ختمان را در اختیار گرفته و دانشجویان را بیرون سربزندولی سا مفا و منت دانشجویان موا جه نند و طبق معمول به سلطه منا هردند که آنهم کاری اربس نند اعدا و ظهیرها نرور "کمته" های مبرحسع با مفا ق یک خا سواد آواره جنگ مجددا به حوا بکا هردکنند و کمته "اطفا های خالی" را برای افا صا آوارگان در احسا رما بگدا رسد دانشجویان صفا ای ماهیت رژیم به حوا بکا هردکنندگان توضیح دادند که حکومت انقلابی میکوسدا و وجود آن سوا اسفاده سلطحابی نماید، رن زحمتکشان آوارهای با سخ داد که "ما فلا حندا ربه" کمته "مرا حعه کرده و هرا سرفان به سنگ خورده بود. بسمن چسب مسخیا با یکی ادا نسجوبان سامس کریم و گفتند که ما بدستوا سلطحابی در اختیار صفا بکدا رندا لان هم در سرفا ه، اینها (با ربه کینه جی ها) همرا ه ما راه ما دند و ما کلا به هدا اینها آکا هم، "اینها اگر صفا سنده

راهپیمایی زحمتکشان به بیان در اعتراض به گرانی

با شروع حک غرعا دلانه کنونی علاوه بر سد گرفتن بیکاری و کرائی، خاندخانی و در بدربیشگان مشکلات زحمتکشان افزوده شد. زحمتکشان برای برنگردن این جنگ حاصل بسک عمر خود، یعنی خا به ووردگی و کرائی را از دست دادند. رژیم صفا به اسان زحمتکشان هزینه های با سربدگی نند ا حله بلکه رور و قیمت احتاس را ارفراس داد و به وسار سنگین سام عوارض جنگ را سربدوس زحمتکشان اندخه. (انتظاری که ار رربم ضد خلقی مسرفت) اما زحمتکشان کسه در رندگی رور مرفسی برده اند رژیم صفا ای نسا نسب و داروندا رسان را به دو و آتش سبده، فرما دا عمرای خود را در همه خا بلند کرده اند. در حدود ۹/۳۰ صخ رور ۱۵/۱۵۹ عده ای حدود ۲۰۰ نفر از زحمتکشان آواره و نومی سپهان بعنوان اعتراض به گرانی قیمت روعن دست به نظا هرات رده و سووی فرما ننداری رسند. آنان در طول راه سارهای "روغن ۲۹ سوامی کرونه، کرونه" مرک برکرا سرفوش مرک سرما به دار "را مندا دند، تا اینکه فرما ننداری سرفرسند. اسداران سرما به با سلطحابی سام

در فرما ننداری را بروی مردم سبند و میگفتند: "فرما ندا را بجا نیست"، زحمتکشان در جواب سارا "فرما ندا تر سوراخ را کرده" را داده و دست به اساکری مبرنند. رن مسنی میگفت: "اینها پدر مردم را در آوردند، هرحی کمک کسه مردم مسرفرسند خود من غارت میکنند، او رن رژیم دزدید و اینها هم مثل او نند دزدند". زن زحمتکشان دیگری که سرفوشوارش در بعل اش بود میگفت: "اینها همش پشت را دسو و تلویزیون هی تبلیغ میکنند، اینقدر و آنقدر کمک برای مردم فرستادیم، ما که پدرمان در آمد پس گواون جواغ نفتی، کویستوتوی این سرما، حرا اینقدر دروغ میکوشید. "پسر مرد عربی که سدرستی فارسی نمیدانست ادا مه داد "مگر ما حه کنا هی کردیم و نظرف صفا متوسرمان بمب می ریر، این نظرف هم اینا سون فحش صدن".

... زحمتکشان سپهان نشان دادند که دیگر اینهمه، صفا رگرانی و... را تحمل نخواهند کرد و این طلایعه اعتراضات وسیع آبنده بر علیه گرانی و بیکاری و... خواهد بود. منتقل از خرنما ه جنگ ۱۲ (کمته خوزستان)

مسکل آوارگان رسدگی کنند در سرار زربس سامان آت سار نمیکردند، به آنها نوهین نمی کردند. در اصفا با آنها سدر ماری نمیکردند و... و "اینها بفراس مشکلات نیستند لان در سرفسا نیا آوارگان در حطرا نواع سما ریهسا هستند و دولت کوچک رسن اعدای نمیکند". دانشجویان سوا صفا دادند که با خود هرا ران

جنگ غیر عادلانه کنه نی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

تظاهرات و راهپیمایی جواب آوارگان به تبلیغات دروغین رژیم

در ماه شهر

در روز ۹/۲۷/۹۰ در کت "رژیم مل همسه به رحمنگان و آواره لوسای فاسد و کهنه می دهد، بطوریکه کلبه کسایی که آنرا خورده بودند دچار مسمومیت مگردند. در همین روز و در بعد ۹/۲۸/۹۰ در حالی که باران شدید سردی را برده بود آب و سرب کیمب نیز از طرف مسئولین قطع میگردانند. مسائل موجب سرجستگی بین اربابین بدبختی و روح و دردهای آوارگان مگردند.

در روز ۹/۲۸/۹۰ با صدگان هر دسلف (L-Q) ساعت ۱۱ برای تحویل گرفتن غذای آسزخانه میروند و مطلع میگردند که خبره آسزخانه خالی است، با صورت تصمیم میگیرند هر نما پنده به رذیف خود بر کشته و مردم را برای گرفتن جیره بطرف آسزخانه روانه کنند. مردم را هر طرف بسوی آسزخانه آمدند، آنجا نخمکین و ناراحت میگردند "آب و سرب را که قطع کرده اند، غذا هم گدولوسای فاسد و با حک می دهند. "عده ای می - که میخواستند ما را به کشتن بدهند. "عده ای می - گفتند: "در آسزخانه را با رکنید با خودمان کار کنیم". مسئولین در مقابل اعتراض مردم خمکین که در حال او جگیری بود در صبح می دادند بگوت کنند. مردم خمکین شروع به دادن شعار "عالی پور، عالی سورا عدا ما بدگردد" (عالی - پور مسئول آسزخانه کیمب است) "جیره حق مسلم ما است" نمودند و سپس دست به راهپیمایی زدند. ما به خانان اصلی کیمب "نار شدند. جمعیت حدود ۳۰۰ نفر بود که همه کمدان فریاد میزدند "سوارها و آواره، ما، مسکن، آزادی"، "آواره، آواره خواهان قطع حک است"، "ما در حالیکه بچه های کوچکیان را در بیل داسه و عده ای طرفی های حالی غذا را سردست گرفته بودند، بطرف در

حاهای سربسی میل جیرفت میگردند که هر بلاسی بیوانند و سراسر با سوار و تودکی نطفه و اگر لازم هم سده رکنار رسندند.

مردوران کیمبه که اوضاع را "نا مساعد" دیدند با پندنا بخواهی، خوا بکا هراترک کردند. موقع رفتن آنها، خانوادها جنگ زده کیمبه که لان میروند و در روزها ماها پسان می - نویسد که داسحوان آوارگان را را بدند (۱) و روس مبلغ می کنند!

سرا و جگر سنده ما را با و فعلیت آکا هکرانه کیمبست ها و نیروهای انقلابی، عوده ها را بسیر و سراسر آکا ه خوا هدر کرد و آنگاه که جنبش - جنبه های رسانتی که مردوران ارتجاع بردلانه را ه فرا راسس میگردند با دسرو ریا دنس - خوا هنده و وظیفه فریادهای خسته توده ها محکمتر و مویرس رخنس با!

پای صحبت زحمتکشان آواره

اصفهان

دروانتی که بطرف جوابکا هدا سحونسی داسکا ه منعی اصفهان میرفت عده ای آوارگان ما همه محبت نستته بودند. رنی مکعب "ما آواره ها با یکدیگر با دندا ریم، هنگا می که سرب سرد را قطع می کنند ما اعتراض نمیکنیم و ما ربه بعدا رجن دروز بفرمایند که ما ساسی آب سرد را قطع کرده اند، ما هه آواره ایم، ارنکجا آمده ایم و بکجور بدحسی وظلم ما میسود، ما با بدیا هم منهدنا سیم، اگر منهدنا سیم هر بلاسی دلسان بخواد هیدر ما میا ورتند."

رن دیگری مکعب: "خوا بکا ه پیر سنده ار جاسوس، اصلا نمیسود حرفی رد، ما حرفی میزنیم به کوس نیاسی (معنا و استنادا رکه در دفتس - امداد خوا بکا ه همیشه حضور دارد) میسود، اینقدر جاسوس دارند که نمانی کعبه "من ار هرلقه ای که سما منجور دسردارم "نار کیمبا بگ نغرا سه حرم مخالفت با رژیم و سوار رتوبسی گرفته اند مگر ما آزادی نداریم! آزادی عشقه با وجود داسنه با س، از زوری که آخوندها روی کسار آمده اند و وضع ما بدسرسده هر روز که میگردند ما بدبخت نرمیسوم" وبا عصا نیت نسبت به رژیم حرف میزد، در ادا مکعب: "نیاسی به من می - کوبد: "سربوسنن سالی ۱۵ سال است با سده خوا بکا هراترک کند، در غیر این صورت سنا سه سعیدی که داده ای با خانواده منجور سه ترک خوا بکا ه مسای" من حاضر سه ترک اس محل بسیم، چرا که اس سا خما نیاس خون و عرق ما مردم بدبخت با لارمه و کزنه اینها (نیاسی و حراسانی) که کارهای نبودند، داسنگا ه با عرقی مردم زحمتکشان با لارفته و چون مال خودمان است حاضر سه ترکس نیستیم، زن دیگری ادا مهاد:

حرفی کیمب حرکت کرد، سیمیم گرفته سده نرد فرما ندا در سربندر سرونده جمعیت در حالیکه سکر سفا رمدا دند بطرف سربندر حرکت کردند در سربندر "سار" اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد و "آواره، آواره، خواهان قطع حک است" را می دادند، سعادی آوارگان مستعد در سربندر سربنده را همناسان پیرسند.

جنبش در باع سپرداری بوقت کرده و سه نما سنده برای صحبت با فرما ندا را سحاب کردند فرما ندا را س ساسده و محری روم صحبتی سوری اسلامی نما سندگان مردم را "حلالکر و "صد اطلاعات خواننده و آنرا سراسر خواننده مردم قبول می کنند!! (حما خودس را نما سنده مردم میداسنه)، یکی از نما سندگان اس مسئله را به اطلاع مردم سراسر سده مردم با سید و ساره نما سندگان از این عمل فرما ندا ربه جسم آمده و با سار "فرما ندا ربا سده و سگوا سده" سده فرما ندا ر سربنده و ساسن سرتب سوطه فرما ندا ر و با دیس که سعده سرفه افکسی سیم مردم و نما سندگان ناسن داسند را سس بر آب می کنند.

فرما ندا رتیر ما سنده سده سده را ر رسم همان سیاست همسگی را ساری کرده و با گفتن آن که "ما کیمب داسکنا با داریم"، "با سده جیرفت بروید، از غذا و سهدا ست حری نیست" خیال خود را با صلاح راج کرده و جمعیت را ترک میگویند. جمعیت با سار "فرما ندا ر فراری با سده خوا بگوتا شد" مشت محکم می بردن آقا ی فرماندار و دیگر مسئولان رژیم میگویند، سهدا ربا در میانی میگردند تا بدبا سگری موعظه ها خسم مردم را فرو سنا ندوظیفه معبول به جنگ و... منوسل می - کردند که ما رهیمی ساسر سود و با حار میسود خوا سسه های آنرا را قبول کرده و بطور کتبی سده سده که سنا سنده، منسخب مردم هستند و فرار مسودا هالی کیمب ۲ نفر دیگر نیز سنا سنا نما سندان اس ۵ نفر سار مرتوزع غذا، بیوشاک ا موربه داس و... نظار با داسنه شند، آوارگان بعد از اس پیروزی که دسنا وردا سنا دوما و سنان بودا ر سنا ر برای بار کتبه کیمب و سلسله قطعه گرفته و سار فرما و ان سه کیمب بار میگردند.

نقل از فرما دآوارگان شماره ۹
کیمبه حورسان

صفحه ۱۸ پنی صدمه...
قدرت بحرد، ادعاهای دروغین او سنها ساری کسردن قدرت اس و نه برای سوده های مردم کارا به فوق کوسه کوچکی ارضاسنها ایوس او هر کرفال اسما دنسوده و سنی توادبا شد. سنی صدر منحد و دوسا امیرا لسنسها و سمن رحمنگان اس و سنا به همچون دس با او و همنالکی هاس سرجورد سود.

"سارمانی بینا سگار سربهای (ندای آواره ار کیمبه اصفهان سارمان) سخن کرده که همه اس در - ساره وضعیت ما آواره های داسکا ه سوسنه، خلی حبست نما مسائل را با زکوب کرده، اربدیوسون وضع عدایش که همه سون و سربنده و سنا م جبرهای سوب داسکا ه را نوسده سنها سنا سنا هسند که بفرما میا شده فرما سارمان سگار."

بعل ار "فرما دآوارگان" (کیمبه خورستان)

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمنی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

بقیه از صفحه ۹ بنی صدر...

● از طرف حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی ، کاندیدای نمایندگی مجلس خبرگان مشود و با تهیه پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی نقش مستقیم در تدوین قوانین ضد انقلابی بر علیه زمینگشایان ایران دارد. بعدها در حاکم قدرت با حزبی ها و اربابان تا کند میکند که به ولایت و فقیه ایمان داران و دستان رای منسوب داده است .

● پس از اشغال لانه جاسوسی ، به وزارت امور خارجه منصوب میشود و چون کوس برای آزادی کروگانهای جاسوسی سودا میربا لیسیم آمریکا شکست منخورده ، استعفا میدهد .

● او که پس از ورود به ایران کوشیده بود حتی المقدور در دست پرده سماند تا مردم سرکنش را در اقدامات جنایتکارانه دولتی با زرگان نسیبند ، بالاخره با فریبتن توده ها ، دامن زدن به توهم آنان به راست جمهوری انتخاب میشود .

● او پس از انتخاب سر به شروع به ارساری سرما به داری و بسته میکند و در نتیجه دروغها و عوا مفری بی ها پس سبب از بسبب آنکارا میشود . او بیش از این دما زان فضا دجوحدی - و مخالفت با سرما به داری میردنا توده ها را کول نزند ، اما تمام سیاستهای افنما دس همواره در جهت حفظ و تحکیم سرما به داری و بسته امیربا لیسیم بوده است .

● او همواره و بخصوص پس از با سبب جمهوری به دفاع ، تحکیم و با رسازی ارتش ضد ملی ساهنهایی برداخته است ، بر سنل انقلابی ارتش را محکوم کرده و از سلسله مراتب ارتجاعی ارتش که در حقیقت یا دگا ر مستشاران آمریکا ثی است ، حمایت کرده است ، او از فرماندهان ارتش ساهه خائن یعنی فلاحیها ، ظهیر نژادها و سایر بهیها دفاع کرده و حتی کوشیده است تا افرادی حسون با فری و دیگر کودتا جیان ارتش را از زرنندان آزاد کند و همچنین به خرید سلاح از امیربا لیسیم - ها برداخته و در یک کلام کوشیده است ، ارتش دست پرورده آمریکا را که در صام بهمین ۵۷ ، ضربه دسده بود ، با زمازی کند .

● او فعلا لانه به سرکوب خلق قهرمان کردید و در وقت را به آنجا رسا ندکه در سخنرا ثی به مناسبت سالروز و زوم جمهوری اسلامی در فروردین ۵۸ گفت : " از همین لحظه ارتش حق ندارد بوسن ازبای در آورد ، مگر آنکه آن خطه از وجود ایسن با غنیا (منظور خلق دلاور کرد و بی سمرگمان قهرمانش است .. پیکار را پاک کند " .. خلق .. ا جنایات بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی را در کردستان هرگز فراموش نخواهد کرد .

● فرمان او و دیگر جنایات رژیم ، ارتش ضد خلقی ، ترکمن صحرا را به خون کسد ، او با جنایات را تنها " ده در صفا طعین " حوسن اعلام کرد ، در مورد جنایات فجع ترور رهبران خلقی ترکمن ، بنی صدر و صبا نه اعلام کرد ، آنها نباید ترور میشدند ، بلکه باید رسد ا دگا جمهوری اسلامی محکوم به اعدام گشته و مانونا سنرا را ن

میشدند .

● او نیز در کنار حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی مسئولیت مستقیم جنایت " اول اردیبهست " در دانشگاههای ایران که دهها دانشجوی کمونیست و انقلابی کسنا رسد را دارد ، او فردای کشتار خونین دانشگاه در حیرانی در دانشگاه شهران اعلام کرد ، اس اولسن رور رسمیت و قانونست جمهوری اسلامی اس آری ارتظربنی صدر ، کسنا ردا نسجوان انقلابی به جمهوری اسلامی رسمیت میدهد .

● او مدافع علنی و مستقیم امیربا لیسیمهای اروپا ثی و زاس بوده و علنا از امیربا لیسیمها دفاع کرده است ، او غیر مستقیم نیز بارها اف امیربا لیسیم آمریکا دفاع کرده و کوشیده است تا منافع امیربا لیسیم را در ایران حفظ کند . در اینجا لازم است بگوئیم ، سرخی ارمن و ریسن بنی صدر ، روبرو نیستیهای خائن سجهها تنها هستند و اساسا سیستم فکری او در ارتباط با معوله دوا بر قدرت و اتحاد با امیربا لیسیمهای اروپا ثی ، ارتظرات سجهها تنها تا سیر پذیرفته است .

● او نیدیده شدت با نیروهای انقلابی برداخته است تا کنیک خائنانه خلق سلاح او ، که می - حواس نیروهای انقلابی را وادار به پذیرش حرکت در چپا ر خوب فوانسن ارتجاعی جمهوری اسلامی نکند و نظام سرما به داری و بسته را به رسمیت بسنا سند ، هدفی خرسرگوب نیروهای انقلابی ندانند ، او در اسفند ۵۸ ، خائنه خائنه به نیروهای انقلابی گفت : " خانه به خانه شما را حوا هم کوبید و هیچ نغراقی با شما نخوا هم داشت " (بنی صدر این سخنان را با لافا طه پس ارگسار گنبدی ظاهرا داشت) .

● او نه تنها با حق تعسین سر نوشت خلفهای کرد ترکمن و ... مخالفت کرد ، بلکه در ارتباط با سرکوبی تشکیلهای توده ای کارگران اظهار داشت " شورایی شورا " ، بدین ترتیب ما هیست مدکا رگری خود را ، بکبار دیدگرا سب نمود

● او تحت عنوان حمایت از " شخصی " ، کوشیده است ، تا سرسیردگان رژیم پهلوی و مدبران با تجربه زمان ساه را برای ساز سازی کاملتر سرما به داری و بسته بکار بگمارد .

● بنی صدر در سخنرا ثی اس در خزانه ، اسفند ۵۷ به کارگران مکتب : " کارگران هستند که نشان ساسی گولا مسخورند و ما میدا نسیم که خیلی ضر دارد (!) ولی شما کارگرها بدانید ، فلان سرما به - دار که هفت رنگ خورشت مسخورد ، چون خورشت برچرسی است ، بضرتر از آن و سسی است (!) " یعنی بنی صدر کارگران را کول میزند و با عنوان اینکه غذای کارگرها ارغذای سرما به داران کمتر ضرر دارد ، سگوسده کارگران سقبولاند که همان نان و بیسی خودسان را بخورند و برای بهی بود وضع زندگی رفتن با خود نکوسند . بنی صدر عوا مفرسب به کارگران میگوید شما علیه سرما به - داران خونخوار رسا رده نکنید و سیستم سرما به - داری را ناسودنا رسد ، چرا که او مدافع خونخواران و دشمن زحمتگسان است .

● او نه تنها با اعدام ، سرسیردگان رژیم ساه خائن مخالفت میکرد ، بلکه کوشید تا سرخی از عناصر خائنی که ارتباطان با امیربا لیسیم دیگر کا ملا آسکا رسده بود را تیرا زاکند ، از جمله او منساحی و خسرو قشقا ثی ، ابن خائنین به خلقها را از زرنندان آزاد کرد و از امران نظام ، مدنی و مطب زاده حمایت نمود .

● بنی صدر دوست احسان نراقی ، برنا مریزو استولوک حزب رستا خسروا زمیره های حساس رژیم سرما به داری و بسته ساه خائن بود ، احسان نراقی با کوشش بنی صدر ، پس ارفیام از زندان آزاد شد و اکنون بکی از مناورین بنی صدر میباشد طبیعی است که مشورتیهای نراقی با او ، در جهت ناری و مساعت به بنی - صدر در ارتبه برنا مه های برای وابستگی بیشتر به امیربا لیسیم است . بنی صدر با رفتار با صلاح محنت آمیر نسبت به خائنی مثل دیگر نراقی در واقع نانهائی را که در رژیم گذشته از او قرض گرفته است به او پس میدهد . بنی صدر حسیبی در موسسه مطالعات و تحقیقات انجمنای دانشکده ادبیات ساگردوستیا احسان نراقی بودند . نراقی برای هردوی آنها بورس تحصیلی در فرانسه را درست کرد که تا سالها بعد از نغراقی در فرانسه بهره مند بودند ، احسان نراقی مساورعا لیرتسده ساک و نیز سمانده ایران در یونسکوسود ، نراقی هرگاه از فرانسه ردمشدد مهمان بنی صدر بود

● او صاحب امتیاز نشر به لیسرالی و ارتجاعی انقلاب اسلامی است که سودا میربا لیسیم و علیه کمونیستها مرتب تبلیغات میکند .

● بنی صدر بعنوان فرمانده کل قوا ، مسئول مستقیم کسنا ررحمتگشان در سراسر ایران و بخصوص کردستان بوسطه نیروهای ضد خلقی انتظامی جمهوری اسلامی است و پس از جنگ ایران و عراق نیز ، بنی صدر همبای دیگر رهبران دولتها ی ایران و عراق مسئول مستقیم کشتار زحمتگشان ایران و عراق در جنگ میان رژیم جمهوری اسلامی و رژیم ضد خلقی بعثت عراق است .

● اکنون چنین کسی که هرگز به مبارزه انقلابی با رژیم ساه دست نزده و در خارج از کشور ، خوش میگذرانده است و پس از ورود به ایران متحد با حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی به با سازی سیستم سرما به داری و بسته سرکوب انقلاب برداخته است ، ادعای انقلابی بودن و آزادی خواه بودن میکند ، ادعای دروغین او تنها بعطت جنگ قدرت با حزب جمهوری است ، وگرنه حکومت او نیز نشان داده است ، که نمی تواند آزادی توده ها و زحمتگشان را تحمل کند ، او نیز مانند حزب جمهوری دشمن آزادی و انقلاب اسران است .

● خلقهای قهرمان ما بنی صدر در کنار حزب جمهوری خائن به خلقهای ایران میدانند و ادعاهای دروغینش را مبنی بر آزادیخواهی با ورندارند . بنی صدر فریبکار دغلبازی است که میخواهد بر شا سهای توده ها سوار شود و به بشیبه در صفحه ۱۷

توضیحی درباره ستون پاسخ به نامه‌ها

● برخی از رفقا ضمن استناد به صفحه "پاسخ به نامه‌ها" رسیده‌اند. چرا در سراسری که ستوالات مجسارزادی حول مسائل حا دوممرم جنبش کمونیستی وجود دارد در داس صفحه باید به ستوالات، ابهامات و استنادات رفقا پاسخ داد. عموماً نامه‌های سنجیحی رفقای کارگرو رحمکنی درج میگردد، و کمترین ستوالات رفقا پاسخ داده میشود.

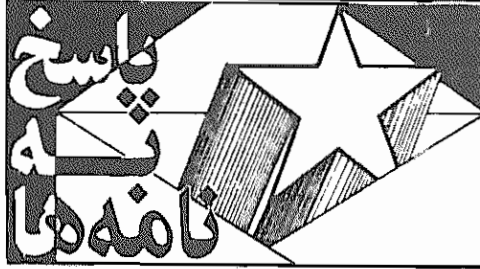
در پاسخ به رفقا با سبک‌گوئیم قصد ما از انعکاس بیسترنه نامه‌های کارگران و زحمتکشان و کمینسر پاسخ دادن به ستوالات سیاسی رفقا نه‌تنها از کمینا دادن به مسئله ابهامات، ستوالات و استنادات رفقا، که بطور کلی ناشی از درکمان از وظیفه بیکار تبلیغی-سیاسی بوده‌ما متعددیم "بیکار رنثوریک" آن ارگانی است که تا بدیده ستوالات و استنادات رنثوریک رفقا پاسخ گویدو سیکار تبلیغی-سیاسی که از بدنه‌های ستری برخوردار است و وظیفه محوری اس معالیت تبلیغی-سیاسی است با سبببشتر به نامه‌های کارگران و زحمتکشان که جنبه تبلیغی، سنجیحی بیشتری دارد، پاسخ بگوید. در عین حال ما میکوشیم تا ترکیب هر چه مناسبتری از مطالب ترویجی و تبلیغی در صفحه پاسخ به نامه‌ها ایجاد کنیم ولی هما نظور که کمینسرها ستوالات کل صفحه پاسخ به نامه‌ها را به مطالب ترویجی اختصاص دهیم! بیروز با سبب!

● رفقای توریع و بیخ غرب تهران رسیده-اند چرا صفحات نشریه مرتب افزایش می یابد و آیا بهترینیت تعدادی اعلامیه‌ها و تراکت‌ها که بردیستری دارند از بیخ یا سداو اینهمه صفحه را با محدودیت‌هایی که در آن هستیم افزایش دهیم؟

رفقا در را بطه با ضرورت انتشار بیشتر تراکت‌ها و اعلامیه‌ها، ما نیز به آنچه شما گفته-اید و عمیقاً از اینرو کوشیده ایم اعلامیه‌ها و تراکت‌های بیشتری را در طی هفته منتشر کنیم اما در مورد ۳۲ صفحه شدن نشریه با بد بگوئیم که سبب ما میا زره طبقاتی جاری در جامعه ما است بیس از آنچه در ۳۲ صفحه نشریه می‌آید، تبلیغات و... می طلبید در این رابطه ما قصد داریم جدا قل نشریه را ۲ بار در هفته منتشر کنیم در عین حال تا زمانیکه این امر به اجرا در آید، ما نمی توانیم از سختی از تبلیغات خود در هفته صرف نظر کنیم. به همین جهت تا گذیر هستیم معلاً موفنا نشره را در ۳۲ صفحه منتشر نمی‌کنیم. امیدواریم که با کمک کلیه رفقای چاپ، توزیع و بیخ بتوانیم هر چه سریعتر نشریه را دوبار در هفته منتشر کنیم بیروز با سبب!

درباره استقلال سیاسی

● رفیق ف-ن از صفهان طی نامه معملی



پاسخ به نامه‌ها

در مورد سرچوردنه مقوله استقلال سیاسی ستوالاتی مطرح کرده است آنجا که در بیکار ۸۳ در سرچورد به استقلال سیاسی درج شده است با مقالات قبلی بیکار و بویزه با آنجا که در بیکار رنثوریک در مسورد استقلال نسبی سیاسی آمده است متناسب نمی-باشد ما سده‌ما در بیکار رنثوریک گفته‌ایم "رژیم جدید ایران از لحاظ سیاسی دارای استقلال نسبی سیاسی است... و اما ساد در درجه اول از مصالح و مفاسد طبقه بورژوازی ایران تبعیت میکند (صفحه ۵۲ بیکار رنثوریک) و بر اساس همین استقلال سیاسی سبب هر دو کشور (ایران و عراق) حنک بین این دورژیم‌ها ناشی از توطئه‌های امپریالیسم‌ها نیست، بلکه ناشی از مصالح بورژوازی دو کشور از بیخ کرده‌ایم. سبب رفیق ضمن تکیه بر نظرات لنین در مورد استقلال سیاسی، میکویند آیا انطباق سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی با سیاست امپریالیسم‌ها نیست، آیا به معنی وابسته بودن آنست؟ که در بیکار ۸۳ می-گوئیم "بدین ترتیب سیاستهای جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم‌ها نیست"

رفیق، در پاسخ به سوالات تو مقدمتاً لازم است بگوئیم که ما در آئنده بطور مخلص به مقوله استقلال سیاسی که رفقای زرمندگان و راه‌کارگر بیدان معتقدند، سرچورد حوا هم نمود.

اما بطور خلاصه در رابطه با تناقضی که بیدان سرچورد کرده‌ای با بیدگفت اولاً حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت بورژوازی است. طبقه بورژوازی ایران از لحاظ اقتصادی وابسته به امپریالیسم است، از این لحاظ در روند عمومی و در نهایت رژیم جمهوری اسلامی ایران جزئی از سیستم جهانی امپریالیستی محسوب می-گردد، از اینرو رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند در روند عمومی، سیاسی مستقل از مصالح امپریالیسم‌ها نباشد. داشته‌ها سده‌چند که ممکن است در این با آن مقطع سیاستهای وی در اختلاف با مصالح خاص این یا آن کشور امپریالیستی صورت پذیرد، اختلاف منافعی که در برخی سیاستها ممکن است بوجود آید. بدین ترتیب از مقدم بسودن مصالح بورژوازی ایران بر مصالح امپریالیست-هاست. و این نیز بدلیل کارگزار نبودن رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

بنابراین زمانیکه می‌گوئیم رژیم جمهوری اسلامی، وابسته به سیاستهای امپریالیسم جهانی است، این سخن را بنا بر مجموعه سیاستهای این رژیم و بنا بر انطباق ناگزیر سیاستهای رژیم با ساد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم‌ها است. امپریالیسم جهانی در روند عمومی خویش ذکر میکنیم بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند در تحلیل

سیاسی و در روند عمومی خرکنس در مجموعه سیاستهای، مستقل از مصالح امپریالیسم جهانی حرکت نماید. و در عین حال بدلیل کار-نرارس بودن این رژیم و مقدم بودن مصالح بورژوازی ایران نسبت به بورژوازی امپریالیستی (که بطور کلی در انطباق با سبب بیکار دارد) از استقلال سیاسی نسبی "سبب گفته‌ایم بدین ترتیب ضمن توضیح رابطه دیالکتیکی

زیربنای اروپینا نقش و جایگاه انتظامی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی را بیان کرده‌ایم سبب درکی که سیاست را عکس برگردان اقتصاد جلوه دهد و از وابستگی تمام عیار را قطعاً سبب به‌داری وابسته ایران، وابستگی تمام عیار سیاسی (کار-نراری رژیم جمهوری اسلامی) را سبب بگیرد تفکر اکتونومیستی و دکما تنگ خود را بنام سبب می‌گذارد. در عین حال درکی که بگوئیم سیاست و اقتصاد در از یکدیگر جدا کنند و پیوند ایندو را به فراموشی سپردن سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی ایران را سیاسی مستقل (مستقل از مصالح امپریالیسم‌ها نیست) جلوه دهد، تفکر بورژوازیستی-نروتسکیستی خویش را سبب بس منکدارد، ما همدارمیدهم که زمینه رنثوریک سبب بیدان رنثوری ریزبونیستی "راه‌شده غیر سبب به‌داری" جنبش تلقی از استقلال سیاسی است که راه‌کارگر بیدان ندیدان بدان آلوده است. در عین حال تا سبب رنثوریک درک نروتسکیستی از استقلال سیاسی اعتقاد به "سبب به‌داری خود سبب" است که برخی از نیروهای جنبش کمونیستی بدین انحراف آلوده‌اند.

● رفقای نازی آنا دتهران، جویای علت حذف صفحات دهقانی از نشریه شده‌اند و در مورد عرورت وجود صفحه‌ها صفحاتی در بیکار مشخص جنبش دهقانی که منس وسیعی در انقلاب نیب-دارند، توضیحاتی داده‌اند.

رفقا! ما خود نیز به ضرورت جنبش امپریالیستی و افهیم زکلیه رفقای که در مناطق روستایی فعالیت میکنند میخوایم که اخبار روگزارشات مربوط به مبارزات منطقه را برای هیئت تحریریه بیکار هر چه سریعتر ارسال دارند. مناسباً نه برخی از رفقا حتی دست به انتشار رسریات دهقانی در منطقه‌ها نداده‌اند، اخبار روگزارشات آنرا به بیکار ارسال نکرده‌اند. بسیاری از رفقای ما در بلوچستان، استان فارس ما زنداران، کیلان... فعالان در میان دهقانان تبلیغ و ترویج میکنند، اما شمره آنرا برای "بیکار" ارسال نمیکنند. می‌المشعل سبب سبب ما نند "بیک بیجار" که متعلق سبب رفقای کیلان است منتشر میشود. اما صفحه دهقانی سبب مرکزی به دلیل فقدان اخبار و گزارشات بسته است! ما ضمن انتشار دهقانی که در این زمینه کم‌کاری کرده‌اند، فعالان خواهان ارسال گزارشات و اخبار از مسازرات دهقانان هستیم

موفق با سبب!



نامه‌های از دست کارگر رزم، از قزوین

"من یک کارگری هستم که در کارخانه کار می‌کنم - کم و حقوقم طوری است که مرا برای خرج‌هایم مسود می‌کند. حتی آن خرج دینی منکمرم من کموسب نسیم ولی کارم را اصول دارم و هرکاری باشد با آن دارم خودم هم می‌کنم. من حتی سس می - خواهم درجا با اعلامه به سازمان بنکار کمکمک مالی کم ولی همانطور که کمم حقوقم کم بود ولی تگری کردم که بعد از ۸ ساعت کار یکا ریسروون سعی افتاد کاری کنم با سوا سوا به سازمان بنکار و به آن سازمان را برده کاران را در حقیقت کمک کنم. سرو و موافق با سدا"

دوست کارگر را را بنکار را که برای کمک مالی به سازمان بنکار رسیده اند، بی نهایت ستانکارا رسم عمل شما می‌تواند در سستی با سدرای کلنده و نفا و دوسای رحمگی که خواهان بر داح کمک مالی به سازمان بنکار محدودیت مالی دارند.

ما صحن قدرانی از نوجوه ماه ضرورت کسری فعالیتای سازمان، کوس می‌کنیم با انکاء به کارگران و رخصکان ایران، سسناط سم و اسما سرما به داری و اسنه را رخصتم. سیروز با سدا!

● رفیق کریم من استقبال را با سار مرتب سرائک های اسما کرانه سازمان به سر جوردنگ نظرا نه بر حی نیروهای ساسی اساره کرده اس که بدون دگرما سازمان، سرائک های مربور را مورد استقا ده فرا داده اند.

رفیق کریم، ما من با شند نظرو منسی سر ضرورت حفظ رعایت اسما س، معتمد کم کله سرو - ها می‌توانند و بنا سدا اسما سگرا به را و لسو آنکه منبع آن سروی ساسی دگر سوده ساد ، مورد استقا ده فرا داده و بر داساگری را کسیده سماند ، لیکن با دض استقا ده اسما ساد اسما سگر سوده بر آسها ، منبع حبر را سرد کسر نمود . ما خود سب به آنکه کمم و ما دارم و فی الحصل در سرائگی که مربوط به حار درون ارس سود ، من استقا ده از سدا رفقای "الفلست" منبع آنرا سرد دگر کردیم . سچ حال سطر مسا بر جورد هاشی بطر آن حبر رمندگان در سربه ۴۴ جود سگرا رسه اس ، سر جوردی ننگ نظرا سده و جرده سوررواشی فی داسم که عمدا رد گرسام سازمان ما که سنده ۴۵ میلیونی رسناح - اسما کرده اس ، جود داری نموده اس . خرا که سادا ...؟

رفقای دگر که برایمان در این هفته نامه فرستاده اند :

- میس آرساری - احمد - مسئول اهور - ج ،
- ل - احمد ، الف - سرار ، ر ، الف ارسر کرد
- اسما س ، ارسو سبر - مادر مسلمان - ج ،
- داس آسور - ۱۹ ارمسی - الف - ک -

ضمیمه از صفحه ۱۴ دمکراسی ...

که "سینه جاک" دروغی آرادای و دمکراسی هستند ارسلیخ مستخدم بوده ها ، اراعمال جاک سبست مردم سر سوسوت خوشی و حتت دارند ، آسها سکه نموده ها اسما سدا رسدومی سرسند سلاج در دست بوده ها سدا سراری سر علیه جودمان که سسمرک و غا رنگه سسرح آساسد ، سدل سود . ما سس "دمکراسی" دروغس لسرا لیا ، ارس سست - سرورده اسما سسوسا سسربها ده ای سدا سلاسی اس که سواند سسناط سسما سدا داری راحط و خراس سدا و کا رشران و رخصکان را سرکوب سماند .

۷- بهترین دمکراسی در سوسال سسسم برقرار می شود .

دمکراسی خلق اگر چه دمکراسی اسلاسی است ، اما سرور در جها ر خوب نظام سرما سده داری اس ، هموزما لکتب خصوصی سروسا سل تولسد در آن سقی نمینود . سنا سلاج سسور سک نظام سورواشی اس و به اسن علت نمینتواند بهترین دمکراسی ساد ، سبترین دمکراسی ، دمکراسی ای اس که سسینی برنا بودی هر نوع استسما ر و اسما سدراری بین اسما سنها ز حمنس با سدا سنا سراس سبترین دمکراسی ، با ساد سدر - ما سدا داری و سر فراری سوسا سسما سچا دمی شود . سوسا سسسم را سسها میتوان ساد سکا توری طبقه کارگر بر فرار و حط سموده بکتا توری سرولتا سدا دموکراسی سوسا سسستی ، دموکراسی تمام عبار برای کارگران و رخصکان و دیکتا توری بر - علیه کلیه دشمنان سوسا سسسم اس . ساید سسید ه سوده اگر سسبر سدموکراسی ، دموکراسی سوسا سسستی اس ، سس خراسا زجه سوری دمکراسک خلق را سسلیغ می‌کنیم و سها سرقراری توری سوسا سسسم را سسده هم در جواب این سسوال با سکفت اس درست اس که دموکراسی ابده آل ما دمکراسی کارگری (سوسا سسستی) اس ، اما اسرا سظ موجود اسده آل سسنگ سچا فاعله وجوددارد . طبقه کارگر ایران هموزما سحنا آکا هی وسکل سر خوردار سست که سنا سده سسها شی حکومت سوسا سسستی سرما رکنده ، در عین حال طبقه کارگر متحد سسی جود خرده بورژوازی سسروده ها با ن رادار دکه سسرها شی آزاسکان سوسا سسسم را اصول ندارند . اما داری نمایلات و حواسه های دموکراسک و سدا سسرا سسستی سسند و متحد طبقه کارگر محسوب می‌سود . اکنون سرائشی سسنا سسب که سوان سلافا سله مالکت سدی سروسا سل سولسدرا اسو کرد و سوسا سسسم را برقرار سمودار اسرو اس که سسوان سسکاره

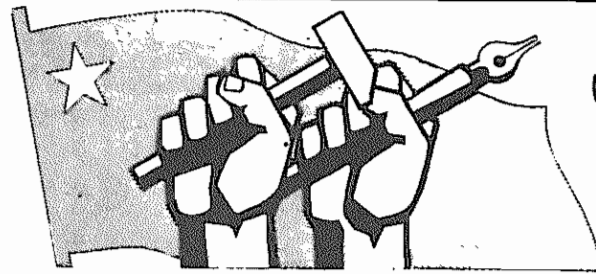
فرمانه - A اسما سنا - مرسم - کارگر سسه سنک - DSH - ج ، ج ، ک ، م ، زلاهحان - رفیق کارگر ارسروس - د ، ج ، ارسسرا - F ارس معلمی - س ارمعلمی سسسه داسی آسوری سری سسرا - سدا سسما ، ۱۲ کارگر - کارگر مکانک اراهحان - ف ، ی ، زکار سدی - حمد ۱۳ ارس - بحس و سورس عرب سسرا .

سوسا سسسم را سر فرار نمود و دمکراسی سوسا سسستی را اسجا دگر دوسمل آزان با دحمپوری دمکراسک خلق که در انجا سنا اسما سسرو طبعات خلقی اس ، سنا ده سود ، اما طبقه کارگر به جمهوری دمکراسک خلق سسوان سگ دوره کذا ربه سوسا سسسم سسنا ه سسکند و حواسا سسرا اس که اسر حکومت سسک سده حکومت سوسا سسستی سرود ، سه طبقه کارگر سها هر کوسه روا سظ سوررواشی (سرما سدا داری) مخالف اس و در سچا سبت خواهان ساد سدی آن اس . سنا سرا سجه کسینیم جمهوری دمکراسک اسر سبک حکومت دمکراسک اسقلالی اس ، اسما سدمکراسی در آن هموزکا فی سسست و سسسر سدمکراسی دموکراسی سوسا سسستی اس و حمپوری دموکراسک دورانی اس موقت برای سسسا کردن سسرا سظ لازم بر فراری سوسا سسسم .

۸- بدون رهبری طبقه کارگر ، دمکراسی واقعی پا برجا نیست .

اگر قبول داشته سنا سسب که سبترین دموکراسی با اسسما سسوسا سسسم برقرار می‌سود و اگر سب سسدر سسب که اس طبقه کارگر اس که در سوسا سسسم حکومت می‌کنند ، سس با سدی قبول کنیم که در سس اسما سسرو طبعات دمکراسی و اسقلالی ساهه ، طبقه کارگر سب سسترین مدافع دمکراسی و اسقلالی - سس دمکراسی اس و سسها اسست که سسنا سس سبترین دموکراسی سوده ای . را سسنا سس آسرا ه دموکراسی سرولتری اسر تقاء دهده اس و در محدودده دمکراسی ساهه سرما به داری ساشی سنی مانده سسکوده آسرا ه دمکراسی سوسا سسستی سرماند ، سنا سراسی اوسس از همه به دموکراسی می انشند و سس سسنا سس خواهان دموکراسی اس (تا سرحه زود تر به سوسا سسسم سسد) سنا سسرا سس سسها رهبری طبقه کارگر اس که سنا سس سر سسرا و سرورزی دموکراسی در جمهوری دمکراسک خلق اس با لسکی اسر رهبری سسرا سسزات سوده ها را سسرا لیا در دست داسه سنا سسده ، سنا سسها دمکراسی اسقلالی را سسها سسها سسند کرد ، بلکه به اسقلاب خسات کرده سنا سس اس سسرا سسسم سدا سسسه و آنکه ها کارگران و رخصکان را سرکوب خواهند نمود . لسسرا لیا در طول دوسا سها سسبر ، چه در دوره با زرکان ، چه در دوره سسنی صدر ، سسنا داسند که آنها سسها سسهمکرمنا سس خوشی که سمانا سسرایش با سسرا سسسم سنا سس سسند ، سسند و اس سسناط معا سسرا سسها شی دمکراسک سوده ها سسست . مردم سس سسده مین مادر حربه بحسم خود سده اند که لسسرا لیا چگونه می کوسند سسرا سسرات سوده ها سسوار سده ، آسرا سها رگرده و سها سس سسنا سسند و سالاخره چگونه اس با سلاج آزادی خواهان ، برای حفظ سسناط سسها شی خود سسنا سسنا تا سسرفی سسه خون کارگران ، رخصکان و خلقها آسسه کسسه اس . سسکسرا خلق سسرها سس کرد ، سسکس ، سرکوب کارگران و رخصکان درود و انده سسک و سسکاران ، ... جز "کوچکی از جنا با ت اسس عوا مسوسا اس اس که دست در دست سسراداران "حزبی اسان" برای حفظ سسسم سرما به داری و اسسته اسرا ، ار آن در سغ نورزیده اند .

هنرمقاومت هنرپروولتري



کارگران حرف‌برندو آنان را به منس‌حواردار "ردر" و "نگلايوج پيوست" ها کرمه‌مانفلاييون سرورک وسا زماندها ن نامدار ورهبران سناحد سده‌سوسال دموکراسي که هنرمان لنين و اسالين بودند؛ کتسخوولي‌ها ، سوکدا نپها و... داراي سوندي عميق وناکسننتي با توده‌هاي کارگرهستند.

"سنا" اراي لحاظ داراي درسهاي آمورنده‌اي براي تمام کمونيستهاي جهان است وسه‌آنان ضرورت وسوه‌سيوسد توده‌اي براي بردن آکا‌هي سوسالسننتي را مي آموزد. آموزش ها هي که براي تمام مسنا‌هسگان طبقه‌کارگر ضروري است .

رمان "نينا": اثری از گنجینه رئالیسم سوسیالیستی

میراث زنده يك انقلاب

ادسات و هنرتوس، رئالیسم‌سوساليسنتي که‌انکاسي از‌ساره‌طبخاسي سرولناربا و سيا‌تکزارمان سترک طبقه‌کارگربران هنر است ، آماري سادماندني به‌سارآورده‌است "نينا" اري ارکنتخته‌روال نا‌پذيررئالیسم سوساليسنتي است که‌براي کارگران ، انقلابيون جوان وحتي انقلابيون حرفه‌اي کمونست حاوي درسهاي اررمنندي است . "نينا" نام‌مخفسي جا پخا ندا پيگرا است که‌پليس همه‌نيروي خود را براي سناسايشي آن بسيج کرده‌وميپندارده که اس نام‌متعلق به‌دختري انقلابي است .

بدليل کمبودا مکان بيگ سرسي مفصل ما نکته‌وارسرروي اساسي ترس آموزشهاي ايبن اسرکرا نينا ارکنتخبه‌رئالیسم‌سوساليسنتي اکتفا ميکنم :

تصاویر زنده پیوند سوسیالیسم

با جنبش کارگری

"نينا" رمانتي است که‌سما ویرلموس و عسبي نه‌شيوه‌ترئالیسم‌سوساليسنتي ارمانا کشل جا دموسال دموکراسي روس دريکي اردوارشهاي برلامم‌فعاليت‌ان ۱۹۵۱- ۱۹۵۴ ارا نه‌مندهد اس حلامه‌ترس نغريفي است که‌ازرمان "سنا" مساوان ارا نداد ، دراين سالها حکوتکي بلغبي سوساليسم‌سما جنبش کارگري نه‌مسئله مهم‌جنس مندل شده‌بود ، درکتاب "جه‌ماندکرد" حروا نپاي درون سوسال دموکراسي روس درآن سالها درارسطا ناموضوع نامرده‌سکافه‌سده و نظريه‌لسنتي ضرورت سکشل حرب کارگروسال دموکرا بروسه ، سکشل سئورک سا ن کرده‌ است . ما سنادارم‌کلنلنن درآن کتاب حکونه سراط کارروسال دموکرا نپاي روسه وحرسان اجرافي را که‌جاي بردن ايده‌هاي سوساليسنتي به سا ن کارگران ، درعرصه‌هاي کوباگون ، بدبقي کارآکا‌ها نه‌ونه‌مند ميبرد ار دوتسلسل آکا‌هي را با سطح حربک ، خودجودي سئوربره ميکنند ما داسنا دمکرو دوسسنا سکشل سارانا نپي از انقلابيون حرفه‌اي را بي دهد ، سارماي کد ساسه‌برديو سوسي را نپي ميکند ونسوا ن سا هنگ آکا‌دساي طبقه‌کارگر در برنده‌سماي



کوناگون
ساره
اقتصادی و
سیاسی و
تئوریک به
رهبری
مسارزات
دموکراتیک و
سوسیالیستی

مبپردازد: نقشه رای کلنلنن برای پاسخ به جنبش ضرورتی ارائه میدهد، نقشه‌ها سیسی

ایسکرا چگونه بدست کارگران می‌رسید

لنن در "جه‌ماندکرد" تک بخش سما مراره مسئله‌نسکیلات سوسال دموکراسي وانکسه چگونه ایسکرا قا دراست نفس یک سا زمانده جمعي را انکاسد ، اختصان ميدهد ، درکتاب "نينا" خوانندگان ميسوانتدان بن مسئله‌راسا همه‌جزئيات آن احساس کنند اهميت فعاليت انقلابيون ساکو ، نپها دراين نسبت که‌آنان بدنيا له‌روي از درخواستهاي روزمره واقعا دي و جنبش‌خودجودي طبقه‌کارگري بردا زنده ،

- اهمیت "نينا" (چاپخانه ایسکرا) ، آنچنان است که لننن بارها از آن سخن میگویی و یکی از برجسته ترین کارهای بلشویک ، رفیق شهید، لاد و کتسخوولي هم‌زم ذيرینه استالین وعضو تحریقیه برد زولا ، به سرپرستی آن گمارده میشود . اهمیت "نينا" در آن است که اگر چاپ وپخش ایسکرا توسط "نينا" ها لا د و"ها" و"ازدر" هانپود . ایسکرا اي لنیني نمیتوانست با توده‌ها پیوند بخورد ونقش تاریخسا از خود را ایفا نماید . کتاب "نينا" اهمیت تکثیر وپخش روز افزون مطبوعات کمونستی در میان توده‌ها شدیدا با فشاری میکند .
- در رمان "نينا" ، خواننده ، حیات سوسال دموکراسي رادریکي از دورانهای پرتلاطم فعالیت آن با بسیاری از جزئيات پرشورش به چشم می بیند .

بلکه‌مصنا آتان سواسي آنرا بدست آورده‌بودند که زمان کوبای جیبس سوسال دموکراسي روس ، یعنی ایسکرا را در مصاسي سراسري به‌کفتگیو با بوده‌ها وادارتد ، واین سنها یکسارماندهی - مسحکم‌مکس کت . مادر "نينا" مبینیم‌که حکونه‌نسخه‌هاي ایسکرا از خارج به‌با کوارسال ميسد و ایسکرا ، درجانمانه‌با کو ، که‌دور از جسم بلنن و سارعات مخفي کاری خلای، دردل توده - ها به‌کار مسمرمشغول بوده‌جاب مرسند ، کتسخوولي که‌یکی از سرسان برس وسامدار - برس سوسال دموکرا نپاي کرجي وارسارماندها ن کمسده‌فقا رپود ، رهبری جاب وحش اسکرارانه عهدده‌است . سستیم‌عالی وسا زمان ما فنه‌خشی اسکرکه‌فادربود در اسرع وقت ، به‌سارهاي بوده‌هاي کارگر باج گوید و بطور بده‌وعمال ، اراسط سروي آکا‌ه و بوده‌ها را نامن کند ، دراين کتاب سروسس سارکوسدوسوان من - ده‌ده‌که اکر حشس کمونسي درسی سوسا - بوده‌ها سب الرامانان آنحما ن سارحاصی - چپ سارمان رنده‌سرس سلالا سلسفسي و

"ایسکرا" نه‌سما به‌محوری برای سارمانده‌هي جمعي و کار انقلابي است . ایسکرا با بدبخس تک ، مروج ، مبلغ وسا مانده‌جمعي را انکاسد و انقلابيون حرفه‌اي ساروادکها درنا سسند همچون فرماندهان حکمي ساره‌جا دطفا سي رارهبري کنند . "نينا" داسا ن جا جابه اسکرادریاکو ، داستان ساره‌آگاهانه‌ونفسه منسد سوسال دموکرا نپاي ساکو در سوسا طبقه‌کارگر است . در کتاب سما ویر رنده‌اي ارکتویکي بردن آکا‌هي سوسالسننتي به‌سا ن کارگران ترسسم مسود ، وخواننده‌کوبی به‌جسم‌خود سوه‌کار بسویکها ، را مینبید ، حضور آنان را در اعصاب و سایررات کارگري تشخيص منده‌وسا مسوزد حکونه‌سا ن سوسوروخسم توده‌هاي کارگري که دست به‌سما رزه مبرنند چه‌با آکا‌ها سادده‌و اجاره نمی‌دهد جنس آنان بطور خودجودي سادسا ن سورواری کسیده‌سود و سا مسرودرجه‌ت‌دا من رن به‌سما رزه‌آسي سادبدر طبخاسي ميکوتسد . در دران راداسکر او جاسنادس ، "سنا" نقسي اساسي استا ميکند سول یکی از رهبران سنا : سا ن سواسي است که‌سواد سدرمان سما

گرامی باد یاد رفقای شهید



صدیقه رضایی

- تولد در ۱۳۳۴

- رفیق صدیقه خواهر مجاهدین شهیدرضا شیپا بود
- پس از سال ۵۰ و در تماس با سازمان مجاهدین به فعالیت انقلابی خود پرداخت
- او با هوشیاری و فداکاری و ابتکار عمل و تحرک تحسین آمیز خود در پیشبرد انقلاب دموکراتیک و فدا مهربانی بیستی خلقهای ایران فعالیت میکرد.
- در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم را پذیرفت
- رفیق صدیقه در ۱۸ دی سال ۵۵ زمانیکه بیش از ۲۰ بهار عمر برپا را ونمی گذشت طی انجام یک مأموریت انقلابی در محاصره مزدوران ساواک قتل و به شهادت رسید



مهدی فتحی

- تولد در ۱۳۳۰ در کرمان

- دانشجو دانشگاه صنعتی تهران در ۱۳۴۹ شرکت فعال در مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویی سازماندهی و اعتراضات و تظاهرات - شروع فعالیت مخفی با سخنرانیها و نشریات انقلابی سازمان مجاهدین خلق و عضویت در سازمان در سال ۵۲ - پذیرش مارکسیسم لنینیسم در او خرداد ۵۳ - رفیق مهدی در انضباط، دقت و رعایت طوابع و اصول تشکیلاتی از بهترینها بود فداکاری و احساس مسئولیت و دلسوزی رفیقانه نسبت به همه مأموران سازمان از ویژگیهای این رفیق شهید بود.
- شرکت در عملیات نظامی اعدام انقلابی به مستشار نظامی امریکاییان معاون فرمانده (۶ شهریور ۵۵) تلاش و فعالیت انقلابی چشمگیر در جریان تلاشها جهت رژیم دودر خانه گردی های سال ۵۴ و ۵۵ - شهادت در یک درگیری مسلحانه در ۲۹ دی ماه ۵۵



رضا تفکری

- تولد در ۱۳۳۳ در خانواده ای کمدرآمد در سرب

- دانشجوی پزشکی تهران ۱۳۵۲ و شرکت فعال در مبارزات صنفی سیاسی دانشجویی و حمایت از سازمانهای انقلابی آن سالها و پذیرش مارکسیسم لنینیسم
- در اردیبهشت ۵۵ با بخش منشعب از س.م.خ. ا تماس گرفت و بدلیل مسائل امنیتی زندگی انقلابی مخفی برگزید.
- مدت و پرکاری و جدیت رفیق و علاقه شدید به سازمان انقلابی خویش زبا نزد رفقای پیش بود - در روز عاشورا سال ۵۵ در محاصره جنا پیکاران ساواک قرار میگردد و مسلحانه با آنها درگیر میشود.
- شهادت در ۲۲/۱۰/۵۵

توده های قهرمان تا قهرمانان توده که عشق و آگاهی و تحریر انقلابی در وجودشان میآید و تبلور مبادی، نشان میدهد، ما در کتاب مبینیم چگونه سازمان بلشویکی، با سخت گیری و دقت به تربیت کسانی میپردازد که با بدنتش پیش - قراولان آگاه طبقه کارگر را بعهده گیرند، کسانی که همچون فرماندهان آگاه جنگی با بدخامش تجارب آگاه، و انضباط لازم برای پیکاری دوران سازگاری کنند، آری ما در کتاب سه راه فولادین شدن حزب کمونیست روسیه بی میبریم و در مباحث که معنای ملموس ستا در زمینه طبقه کارگر چیست، ما در همین جا به معرفی "نینا" خاتمه میدهیم و از تمام رفقای کمونیست و دوستان انقلابی، از همه کارگران و زحمتکشانی می خواهم که این اشارات را مطالعه کرده و آموزشهای آنها را در راه انقلاب بکار گیرند.

"نینا" به شیوه بورژوازی، بدام قهرمان پردازی - های دروغین نمی افتد لیکن بدستی نشان میدهد که چگونه قهرمانان کمونیست در دل توده ها زاده میشوند، آنان خود جزئی از توده های عادی، که زیر ستم سرما به و ارتجاع دست و پا می - زنند هستند، لیکن از آن زمان که به مبارزه آگاهانه میپیوندند، از آن زمان که غرایز آشتی ناپذیر طبقه شان و احساسات سرشور درونی آنان، با آگاهی سوسیالیستی درمی آمیزد و تن به رزمی دوران ساز میدهد، در کوره نبرد آبدیده شده و به حماسه آفرینان بسزای ساختن دنیایی نوین بدل میشوند.
"آذر" و "ورا" دو نفر از نبوه قهرمانان سازمان "نینا" هستند که نویسنده پیروست تغییر - آنان را از فردی عادی به پیشاهنگی جانساز، از ناآگاهی به آگاهی، از افرادی در میان

ترویجی به توده های پی ریزی کننده قاربا شد به موقع آنان را بگردر همنمودهای حزب بسیج کند و به پیشروی فراخواند، در "نینا" کتسخوولی به درستی، خود به این مسئله مبرم اشاره میکند: "کارا ساسی ما پیش وسیع محصولات چا پخانیه میان توده های کارگراست" او تاکید میکند آن دسته از رفقای که قادرند در میان زحمتکشان نفوذ کرده و ارتباطی پیوسته با کارخانه ها و معادن سرقا رکنند مهم ترین وظیفه شان بخش ادبیات زیرزمینی است.
چگونه یک کمونیست پرورش می یابد
آموزش بسیار کار نینای "نینا" برای تمام انقلابیون جوان، با زگوئی پیروست و آبدیده شدن افراد انقلابی کمونیست است، اگر چه

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق



صفحه ۳ پیام ...

اجراج کارگران دنبال میکند، چرا که میداند آمدن همه کارگران به آنگاه که میسر نیست، در آنگاه که مهمین سیاستها را می بیند دولت و صنعت نفت به طرح تبعیضها می آید. در این باره که کارگران خواهانند که دولت و وزارت نفت را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند. کارگران خواهانند که دولت و وزارت نفت را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند. کارگران خواهانند که دولت و وزارت نفت را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند.

ما هسپران، اصحاب و محترمان مبارزان خود را متشکر و تشکر کرده ایم، برای اینکه ما را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند. کارگران خواهانند که دولت و وزارت نفت را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند.

ما دینا و دیگران را تشکر می کنیم، چرا که ما را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند. کارگران خواهانند که دولت و وزارت نفت را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند.



ما هسپران، اصحاب و محترمان مبارزان خود را متشکر و تشکر کرده ایم، برای اینکه ما را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند. کارگران خواهانند که دولت و وزارت نفت را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند.

ما دینا و دیگران را تشکر می کنیم، چرا که ما را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند. کارگران خواهانند که دولت و وزارت نفت را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند.

کارکنان جنگ زده!

کارگران و زحمتکشان ایران مبارزان پیر و جوانی را تشکر می کنیم، چرا که ما را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند. کارگران خواهانند که دولت و وزارت نفت را در این باره مطلع کند و از آنها بخواهد که در این باره اقدامات لازم را بکنند.

فان، مسکن، آزادی

پیکار



صفحه ۳ تحسن ...

کنیم و تا روز ۱۳/۱۰ به آنها مهلت ندهیم. محص
خامه می ناید. در ضمن عده ای از سورا های
کشور را رسا رده کارکنان صنعت نفت در مناطقی
حت رده استیاسی میکنند. اس سورا های
اعلامیه ای خواستهای آوارگان جنگی را بیان
میدارند :

۱ - هرگونه کمته و کمسیون و تمینگری در
آنها بدون حضور و دخالت مستقیم نمایندگان واقعی
و منتخب جنگ زده صنعت نفت از نظر ما بسود ن
اعضا رونجملی بوده و سنها تصمیمی را قبول
داریم که موردنا شدنورای آوارگان باشد.

۲ - کمینه ای مشکل ارتقا مپورا های صنعت
نفت تشکیل و هرگونه همکاری و همبستگی را سا
اس سورا های جنگ زده اعلام میدارند.

۳ - پرداخت حقوق و حقوق معونه برای نامس
مفاس جا بوده جنگ زدگان بحب معار هبایی
عادلانه و مناد ما نوجه به عادلانه بندی (مدبران
جیوب که کلبه حقوق خود را با کنون دریا کست
کرده اند) را اس فاسون مسیسی ننا ساندو مطاسی
سا سرتا وارگان با آنها رسا رسود.

۴ - برای اسکان دادن آوارگان جنگی بطور
صریحی عمل کرده، و در اس میهم کارکنان سا غیل
صعب نفت جا دیر به همه کونه باری در جیب
سا ساسی محللهای قابل سکونت میل داشکا عها
هتلها، با سا عها و مسا جوده و سرتا هر کمیک
دکتر رسرا اعلام آمادگی مسما شیم.

۵ - با در نظر گرفتن الویت آوارگان جنگ زده
نسبت به سایرین خواهان هر چه سریعتر رفع نیاز
های ضروری از قبیل سوخت و جوار را، سوناک
و وسایل اولدردکی و غیره ... میباشیم.

۶ - هرگونه کارکنی مدران و مسئولین صنعت
نفت را جهت رفع نیازهای منطقی آوارگان
جنگ سدیداً محکوم می نمائیم.

۷ - هرگونه اجراج و باز بستگی اجباری در
سراط فعلی، کار با سراسر اس به منطلق جنگ
اعم از کارکنان رسمی و سروسوسی با سدیاتاشند
سورای سراسری کارکنان جنگ رده ناید.

۸ - هرگونه تعرفه و جداشی اندا جنن سب
کارکنان جنگ رده تحت عنوان رسمی و سب
سوسی را محکوم و همه را کارکنان ناک و صدسی
اس صنعت میدانیم.

۹ - برخوردهای غیر انسانی، نوهن و هتک حرمت
از طرف هر مقامی نسبت به آوارگان جنگی کمک
به پیدا شدن اهداف خدا انقلاب میدانیم.

سورای کارکنان عقلمنا با لاس با لاسگاه بهران
سورای محبدا لاسگا بهران

بفده ارمفحه ۴ تبلیغ ...

یک نوع تبلیغ دستگیر ما عده
رندکی برانفخا رهررمی کموسب ارسوی
نوده ها سب ساری موافق بوده ها ک ما رمان
را از روی فردی که تبلیغ کند در آب آن اس
مشنا ساندو سلا مکنو سدا کر کموسسیدا، ما سب
فلاسی هسند، سب جنلی آد میای جوسی هسند و ...

۴- انواع تبلیغ در ارتباط با بیان حقایق

سوروازی برای تبلیغ اسب سب سار
با زاسب، ارکست بر سب انواع تبلیغ اسفاده
مکنند، دحبران رسا، مسائل حسی، مواد محدر
انواع سمدل هر (موسیقی خان، فیلمها ی
سکی)، ارا انواع تبلیغ سوروازی محسوب مسود
اما ما کموسسیدا سبنا آن انواع تبلیغ را
اصولی میدا سب که در خدمت انقلاب و طبعه کارتر
است. از نظر ما سبچوه "هدف" و سله را نوجه
نمی کند. ما در اسخا با انواع تبلیغ سب سز،
بدننا ل عواطف سب سب سب سب سب سب سب سب
و سبنا از اسوا عی اسفاده مکنیم که سبنا کسند
اصولس. سب سب ما رکسب - لسنسب اسب .
اسوا عی کدر خدمت بیان حقایق روس و خد سب -
با پذیر هسی اسب، انواع سوروازی تبلیغ
هرگز نمی سواد، فالیبی سرتا بیان حقایق
با شدبچاز سب صوب لار ما سب کفنا انواع تبلیغ
در ارتباط با بیان حقایق را بعنوان سب سب دو
قسمت تقسیم کرد.

۱- بیان حقایق که معنی کسند نظام کهنه
و طبقات استئما رگرا سب تبلیغ سب سب، که در
برکرتند سب می آن سب سب سب اسب که با در
جیب با بونی طبقات استئما رگرا نجام میدهم.

۲- بیان حقایق که سبنا مه ها و سب سبنا دات ما
را در جهت ایجاد نظام نوین (الستگا مپسای
متعدد برای رسدن به این نظام نوین معنی
جمهوری دموکراتیک خلق، دیکتاتوری پرولتا رسا
و کمونسیم) ارا سب میدهدنا تبلیغ انبیا سب ما.

هوارا سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
استئما رگرا سب سب کرده و به اسب سب سب سب
نا ریکسا زجوش سردا زبم، در ا سبنا لاز سب سب
سکوشیم که روسیونیسبنا از سب سب سب سب سب سب
لظا نف الحیل جلو گیری کرده و سب رهای اشانی
سب سب را بسوله سوروازی میکوسندنا عملی
سارند! آنها با خاک سب سب سب سب سب سب سب
عنوان تبلیغ اشانی سب سب سب سب سب سب
سب سبنا دبه دولتهای ارتجاعی می پردازند و

(۱) - اسب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
مارکس، انگلس، لنین، کورکی

ملا ارحمبوری اسلامی سب سب سب سب سب سب
کسندا بوده ها را سب سب سب سب سب سب سب سب
دیکرد اس اسراط سب سب سب سب سب سب سب
سبورت سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
برای اسب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
سرتا سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
راس سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
از سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب

ها محاربه اسب سب سب سب سب سب سب سب
هسند، دیکر سب سب سب سب سب سب سب سب
جا کسب و سب سب سب سب سب سب سب سب
اسفاده اسب سب سب سب سب سب سب سب
لنس برای تبلیغ سب سب سب سب سب سب
سوروازی سب سب سب سب سب سب سب سب
به سوراها "سب سب سب سب سب سب سب سب
کسند، جا کسب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
جرا که توده ها سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب

دادن سب سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب

کرایا سب سب سب سب سب سب سب سب سب
کردن دروغ سب سب سب سب سب سب سب
افشای سب سب سب سب سب سب سب سب
کارگر که دا رای کرایا سب سب سب سب سب
اسب سب سب سب سب سب سب سب سب سب

است نا از اسب سب سب سب سب سب سب
جنگ خودداری کند، (رجوع کسند سب سب
۱۴) کموسسیدا هب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب

تبلیغ اسفاده مکنند، ما به سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
کا رگرا سب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب

افشای دشمنان نوده ها را زب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب
آما دکی سب سب سب سب سب سب سب سب
را دارند، اسب سب سب سب سب سب سب

کرد. آری اگر آنا سب سب سب سب سب
تا کتک مسندند، روسیونیسبنا سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب

است .

بیا سب

نوصح: مجموعه مقالات مربوط به تبلیغ سب
در ۱۲ شماره سب سب سب سب سب سب
کردند.

بفده ارمفحه ۳ سب سب ...

کا رخانه و سورای سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب
جوری کارخانه سب سب سب سب سب
در اسب سب سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب سب

سورای سب سب سب سب سب سب سب
سورای سب سب سب سب سب سب سب
سورای کارمندان سب سب سب سب
سورای مرکزی کارکنان سب سب سب
سورای سب سب سب سب سب سب
سب سب سب سب سب سب سب سب



"افزایش تولید": راه کارگر بدنبال روپزیونیستهای اکثریت (۲)

راه کارگر با دفاع از افزایش تولید موضوعی را اختیار کرده است که روپزیونیستها با سدا ر آن هستند. جالب اینجاست که راه کارگر روپزیونیستهای اکثریت در این مورد به رقابتی با یکدیگر پرداخته اند که تنها موجب خوشنودی رژیم میگردد، از اینرو بررسی هر چند مختصر حملات اخیر روپزیونیستهای اکثریت به موضع کمونیستی در قبال شعار افزایش تولید، نه تنها ریشه این شعار را نه آتشکار میسازد، بلکه دنباله روی نیروهای چپ را هم - کارگر از روپزیونیستها را نیز که چپ را عمل به سمت روپزیونیسم مینمازند، برملا میسازد!

روپزیونیستهای اکثریت: از شعار افزایش تولید تا راهشد غیرسرمایه داری.

روپزیونیستهای اکثریت که موضع آشکارا سرمایه دارانه آنها در مورد شعار افزایش تولید حتی موجب اعتراض و طرح "سوالاتی در مسورد" "اصولیت این شعار را انگیزه تبلیغ آن"، از جانب هواداران شگریده است، برای "توجیه" هواداران خویش به بررسی "مبانی این شعار" پرداخته است، و الحاق که عمق این مبانی روپزیونیستی را بروشنی آشکار کرده است! روپزیونیستهای اکثریت که رژیم جمهوری اسلامی را اساساً "ملی و ضد امپریالیست" مینامند میگویند: "از هنگامی که یک حاکمیت ملی و ضد امپریالیست، قدرت سیاسی را به دست میگیرد، برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی و ضد امپریالیستی علی الاصول میتوان و باید شعار افزایش تولید را مطرح کرد ولی تضمین واقعی کارائی انقلابی این شعارها را مصادره و ملی کردن سرمایه های بزرگ است... ولی طرح شعار افزایش تولید را نباید موقوف به تحقق کامل شعار ملی کردن سرمایه های بزرگ نمود بلکه با استقرار قدرت سیاسی مستقل که عموماً با حداقلی از سلطه این قدرت بر بخشهای اقتصاد همراه است، میتوان و باید این شعار را جایگزین شعار توقف تولید کرد" (کار روپزیونیستی شماره ۹۱ - تاکیدیک خطی و دوخطی از ما است)

بدین ترتیب میبینیم که روپزیونیستانه تنها با تظاهر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، خیانتی آشکارانه منافع طبقه کارگر و سرمایه داران را مینمایند، بلکه کرنش در مقابل بورژوازی

زی را تا بدانجا میرسانند که حتی برخلاف بیان خود که "تضمین شعار افزایش تولید را در گروه" مصادره و ملی کردن سرمایه های بزرگ میخوانند، برای آنکه میباید "اشتباهی" رخ دهد،

بلافاصله توضیح میدهند که شعار افزایش تولید را نباید موقوف به تحقق کامل شعار ملی کردن سرمایه های بزرگ نمود! چرا که "حداقلی از سلطه این قدرت (رژیم) بر بخشهای اقتصاد" برقرار است، برآستی که روپزیونیستهای نوپای اکثریت، چیزی از بار در کهنه سالشان حسزب خاشن توده، کم ندارند! آنچه که از سخنان این آقایان بروشنی استنباط میشود اینست که: اولاً بزرگترین آقا یا ن، اقدامات عوامفریبانه رژیم مبنی بردولتی کردن پاره های از کارخانجات و موسسات خصوصی، تحت عنوان "ملی کردن" گویا واقعاً بمعنای ملی کردن است که از وظایف جمهوری دمکراتیک خلق و یا حکومت دیکتاتوری پرولتاریا میباید یعنی بزرگترین روپزیونیستها رژیم جمهوری اسلامی میتوانند وظایف اقتصاد دی جمهوری دمکراتیک را به انجام رسانند! (یعنی تجدیدنظر در اصول مارکسیسم) ثانیاً روپزیونیستهای اکثریت معتقدند که برای افزایش تولید "تحقق کامل" این امر "ملی کردن" (یعنی جمهوری اسلامی) هم ضروری نیست! و همان حداقلی که رژیم "مستقل" بر بخشهای اقتصاد تسلط دارد برای افزایش تولید کافیست.

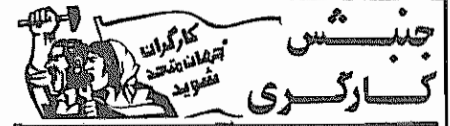
به عبارتی دیگر آقایان معتقدند که دیگر نیازی به جمهوری دمکراتیک خلق و رهبری طبقه کارگر نیست، چرا که وظایف این حکومت را رژیم "خرده بورژوازی" کنونی حتی در زمینه اقتصاد، انجام میدهد، و منافع آن قسمت از تولید که در اختیار رژیم است، عاید سرمایه داران نگردیده و به خود کارگران و زحمتکشان بر میگردد! واقعاً که عجیب کشف "بزرگی" است! روپزیونیستهای ما تمامی این لفاظیات را تحت پوشش این که قدرت سیاسی "ملی و مستقل" است، بخورد هواداران خود میدهند، از این تحریف آشکار و اقعیات که بگذاردیم، تئوری و روشسته "راهشد غیرسرمایه داری" از لابلای مقاله اخیر اکثریت آشکار میشود، این بیان که رژیم (بفرض) خرده بورژوازی و ملی میتواند حتی در جهست استقلال اقتصاد کشور تحت سلطه کارمندان و وظایف اقتصاد جمهوری دمکراتیک خلق را به انجام میرساند، چه چیزی جز تئوری مرده مذکور است؟

روپزیونیستهای اکثریت بدفاع بی پرده از بورژوازی بر میخیزند!
روپزیونیستهای اکثریت پایه استدلالشان را

در طرح شعار افزایش تولید، ملی و ضد امپریالیست "دانستن رژیم قرار داده اند، آنها می نویسند: "افزایش تولید در جامعه ای با حاکمیت ملی و ضد امپریالیست، بیش از آنکه به نفع امپریالیسم تمام شود، در خدمت تقویت بنیه اقتصاد می قرار میگیرد، یعنی شعار افزایش تولید در وجه غالبش به مثابه پشتوانه مادی قدرت ضد امپریالیستی حاکم در میآید." (کار روپزیونیستی شماره ۸۷) در اینجا "اکثریت" اعتراف دارد که افزایش تولید در خدمت قدرت حاکم است، ولی پنهاناً به ما هیت روپزیونیستی اش که وظیفه ای جز آرایش بورژوازی و وارفته جلوه دادن حقایق برای طبقه کارگر ندارد، قدرت حاکم را "ملی و ضد امپریالیست" قلمداد میکند آنهم رژیمی که ما هیت ضد انقلابی امروزه برای بسیاری از توده ها روشن گشته و امواج نافرمانی و مبارزه بر علیه رژیم و زبرد سر سرکش پور گسترده تر میگردند، روپزیونیستهای اکثریت اینطور وانمود میکنند که گویا طبقه کارگران و حتی پیشروان آن از جنگ ناگاه دلانگیزی حمایت میکنند، آنها برای "اثبات" ادعای خود، سرا سر تشریح شان را از نقاشیها پی که "کارگر" را بازو در بازوی با سدا نشان میدهد انباشته اند و همه مدعیان حزب خاشن توده شعارا تصاد کرده ها با رژیم سرمایه داری حاکم را سر میدهند. اما این خاشن به طبقه کارگر غافل از آنست که شدت مبارزه طبقه ای در جامعه آنچنان است که خیلی زودتر از آنکه روپزیونیستها تصورشان هم بکنند، طبقه کارگر و سرمایه داران بیست و کمیونستها و انقلابیون را ستین به ما هیت ارتجاعی رژیم و چاکران درگاهش (روپزیونیستها) پی میبرند، افسانه "اتحاد کارگر و سرمایه دار" نیز تنها در نقاشی روپزیونیستها باقی خواهد ماند! کارگران ایران آنقدر سرمایه داران را در حال با سدا داری از منافع سرمایه داران مشاهده کرده اند، و آنقدر با این مزدوران رژیم درگیری داشته اند، که جز عقب مانده ترین بخش کارگران، بخش دیگری از این طبقه نسبت به سرمایه داران سرمایه تومهنداشته و در واقع طبقه کارگران ایران با مزدوران و حافظین سرمایه داری وابسته در تضاد آشتی ناپذیر قرار دارد دست و پا زدنهای مذبوحانه روپزیونیستها برای آشتی دادن این دو نیروی آشتی ناپذیر، نتیجه ای جز افشای بیش از پیش خودشان نخواهد داشت!

اگر رژیم جمهوری اسلامی توانست با راه انداختن جنگ ارتجاعی کنونی و با سواستفاده از احساسات وطن پرستی توده ها چند ضلعی سمت مبارزه و جگر برنده طبقه ای را منحرف نماید و کارگران و زحمتکشان را به دفاع از میهن بورژوازی فراخواند، امروز شاهدیم که چگونه

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



این توهما ت در برخورد با واقعات چون حیابی از هم میباید اجگیری مبارزات کارگران در کارخانجات و طرح خواسته های منفی (افاضه دستمزد، مخالفت با اضافه شدن ساعت کار، اعتراض به گران شدن سرسام و آوارا خراج و بیکاری کارگران و...)، و اجگیری مبارزات آوارگان زحمتکش، این قریباً نیا ن مستقیم جنگ ارتجاعی، کسترش مبارزات دانش آموزان و سایر زحمتگاران همه و همه گواهی اثر شدن حربه اخبار رژیم بر علیه توده ها، میباید شد.

رویزونیستهای اکثریت با استناد به افکار و تشکلات زرد و ضد کارگری رژیم همچون "خانه کارگر" و "با اتکا به نا آگاهترین بخش کارگران میخواهند" "حقانیت" خود را نشان دهند در صورتیکه آنچه آشکارا میشود، کرنش رویزیونیستها در مقابل رژیم سرما یهداری و سرفروود آوردن در مقابل منافع بورژوازی است!

کار رویزیونیستی مینویسد: "طبقه کارگر قهرمان ایران و همه نیروهای انقلابی نیز به طریق اولی با تداوم تولید و ترمیم و بازسازی اقتصاد ایران زده ها تا کتیکهای اخلاکگرا نه و مخرب امپریالیستی را در ا مرفلج کردن اقتصاد ایران و شکست انقلاب، خنثی و بی اثر میکنند تا راه دشوار استقلال اقتصادی... را بگشایند." (همانجا - تاکید زما ست)

رویزونیستهای اکثریت از اقتصاد بحران زده ها "محبت میکنند ولی نمی گویند که چرا اقتصاد ما بحران زده است؟ آیا بحران عمیق اقتصادی ایران دنیا له همان بحران نیست که رژیم خائن شاه را سرنگون ساخت و مگر این بحران از ما هیت گندیده سرما یهداری وابسته ایران ناشی نمیکرد؟ امیدانیم که بحرانهای اقتصادی با به انقلاب منجر شده و بسود توده ها حل میگردد و با با سرکوب و اصلاحات بورژوازی موقتاً بسود سرما یهداران و امپریالیسم حل میشود.

بنا بر این در ایران مگر از طریق بیست تا بودی سرما یهداری وابسته میتوان انتظار حل بحران اقتصادی را بسود توده ها داشت؟ پرواضح است که جواب منفی است اما رویزیونیستهای اکثریت با فراخواندن نیروهای انقلابی به "تداوم تولید و ترمیم و بازسازی اقتصاد بحران زده ها" هدفی ندارند جز آنکه بحران موجود را به نفع توده ها بلکه به سود سرما یهداران حل نمایند آنها از اینهم فراتر رفته این راه خود را منتهی به "استقلال اقتصادی کشور قلمداد میکنند، به زعم رویزیونیستها، استقلال اقتصادی نیازی به رهبری طبقه کارگر و جمهوری دمکراتیک خلق ندارد و تحت حاکمیت رژیم فئودالی کثونی نیز میتوان به آن دست

بافت! رویزیونیستهای اکثریت که بدنبال برادریزگشان حزب خائن توده روانند، چنان از خدمت به بورژوازی و رژیم مست گشته اند که برای خنثی کردن آنها هر چه از نشان در میآید بخورد توده ها میدهند، و این هیچ تعجیبی ندارد

راه کارگر و تکرار سخنان رویزیونیستهای اکثریت:
زما ننگه رفقای راه کارگر به تکرار لفاظیات رویزیونیستها میپردازند، جای بسی شگفتی است! رویزیونیستهای اکثریت در جاتی از مقاله مذکورشان مینویسند: "کسی که در شرایط کنونی شعار افزایش تولید را شعار سرما یهداران میداند، در واقع حاکمیت را حاکمیت سرما یهداران معرفی میکند" بله، ما نمی توانیم وفا دار به آرمان کارگر باشیم، مگر آنکه بیسه ما هیت سرما یهداران رژیم پی برده باشیم و "اکثریت" نیز این را دریا فته ولی از آنجا نیکه هدف خود را نه وفا داری به آرمان طبقه کارگر بلکه خیانت به آن، قرار داده است به نفعی ما هیت سرما یهداران رژیم میپردازد، ما راه کارگر را تکرار رتزه های رویزیونیستی اکثریت نه تنها نخواهد بود تست به آرمان طبقه کارگر وفا دار بماند، بلکه در صورت عدم مبارزه با طبع وجدی با انحرافات خویش به همان منجلا بی در خواهد غلطید که "اکثریت" در غلطید!

راه کارگر هیچ چاره ای ندارد با بیسه همچون اکثریت با "ملی و فدا مبریا نیست" قلمداد کردن حاکمیت، به تطهیر بورژوازی بپردازد و با با طرد تزه های رویزیونیستی اش به راه انقلاب وفا دار بماند، الگوسازی راه کارگر از شرایط پیش از انقلاب اکتبر در روسیه که طبقه کارگر در آستانه انقلاب سوسیالیستی بود، در واقع التقاطی است که به راه نخست منتهی میگردد، بخصوص آنکه راه کارگر بر سرای پوئاندن ما هیت رویزیونیستی شعار افزایش تولید در شرایط کنونی، به شیوه های اپورتونیستی تحریف و واقعات و نقل قولهای لنین از یکطرف و برخورد غیر ما دقا نه به کمونیستها (از جمله سازمان ما)، جهت مخدوش کردن واقعات، از طرف دیگر میپردازد، راه کارگر مدعی است که: "بیکار در چهار چوب همه با هیچ محبوس" است و "با در چهار چوب تحلیل کلی و تکرار اصول استراتژیک باقی مانده و از اتخاذ کتیکهای مناسبنا - توان" است! (همانجا - تاکیدها از ما ست) این مطلب که اپورتونیستها و رویزیونیستها، کمونیستها و نیروهای انقلابی را آنا رشیست و بیرو "چهار چوب همه با هیچ" مینامند، تا زگی ندادند و میبینیم که راه کارگر و رویزیونیستهای اکثریت **تفاقا** در این مورد نیز به زبان مشترکی رسیده اند! چرا که "اکثریت" هم مینویسد: "آری با ردیگر اصل طلایی آنا رشیسم هیچ چیز با همه چیز" در قالب شعار افزایش تولید مشروط نمایان میشود." (کار رویزیونیستی ۸۸ - تاکید از ما ست) البته کمونیستها در هیچ یک از اصول خود با بورژوازی سازش نخواهند کرد و بر همه

مواضع اصولی و استراتژیک خویش پای خواهند فشرد! کمونیستها "تاکتیک مناسب" را فقط آن تاکتیک میبندند که نه تنها استراتژی آنها را نفعی نکنند بلکه در خدمت آن باشد، اما راه کارگر در اینجا همدا با رویزیونیستها گشته و از این باب با بران را رضایتی میکند! استدلال رویزیونیستها در این باره همواره این بوده است که کمونیستهای بیگانه "راه بر هر گونه نطفه تا کتیک" را میبندند و "از اتخاذ تاکتیکهای مناسب" ناتوان هستند، اما در کار رویزیونیستها از "انعطاف تا کتیک" و "تاکتیکهای مناسب" چیزی نیست جز زیر پا گذاشتن هر گونه اصل و استراتژی کمونیستی. آنها برای این منظور از هر گونه تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق ابائی ندارند، حال راه کارگر نیز "مصمم" گشته است که از رویزیونیستهای اکثریت تقلید کند از تکرار مصرا نه شعارهای آنها گرفته تا تحریف آشکارا نقل قول لنین، همه و همه در خدمت این "تصمیم" راه کارگر قرار گرفته اند! اما طبقه کارگر قهرمان ایران که طی مبارزات چند سال اخیر تجربیات و درسهای فراوان کسب کرده است، با دیدگی که چگونه رویزیونیسم را از ما رکیسم تمیز دهد و چگونه میان شعارهای رویزیونیستی و شعارهای واقعی و طبقه خویش تفاوت بگذارد، حال راه کارگر خود با بیسه تصمیم بگیرد که کدا مراه را انتخاب کند، ولی یک چیز را نباید از خاطر دور نما بدو آنها نیست است که راه کارگر با ارائه چنین شعارها نسی درست لب برنگاه رویزیونیسم ایستاده است! **هشدار رفقا!** پایان

سخن کوتاه یک کارگر

در زمان قیام ما میگفتند که پس از پیروزی در خانه تان را میزنیم و برای تان پول نفت و پوئاک و غیره را میدهم... ولی حالا در منزل ما ن را میزنند و میگویند: "بیا شید جسد فرزندتان را بگیرید، او را کشته ایم."

از انتشارات جدید سازمان



امپریالیست‌های غربی و تدارک تجاوزات و توطئه‌های جدید در منطقه

در هفته گذشته نمایندگان امپریالیست‌های غربی به کشورهای خاورمیانه مسافرت کردند. "لرد کارسکین" وزیر امور خارجه انگلیس به مراکش و مصر رفت، "هلموت اشمیت" صدراعظم آلمان غربی که موافقت خود را برای فروش سانکچای لیبویارد ۱۰۲، اعلام داشت به منطقه آمد، "ادوارد هیلت" نخست‌وزیر سابق انگلیس برای فروش تانک به عربستان رفت، وزیر خارجه هلند به خاورمیانه مسافرت نمود و بالاخره "کی سینجر" که در سازمان نزدیک ریگان مسافرت کرده، به مصر، سومالی، اسرائیل و عربستان مسافرت کرد.

رفت و آمدهای اخیر نمایندگان امپریالیست‌های غربی چه اهدافی را تعقیب می‌کند؟ تسدیر رقابت میان سویال امپریالیسم سوری و امپریالیسم آمریکا در منطقه، اوگیری سحران اقتصادی در کشورهای اروپا و آمریکا و نواز میرمان این کشورها به نفت خاورمیانه و نوردن جیبشها و در نتیجه بی ثباتی فزاینده رژیمهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم غرب، امپریالیست‌های غربی را به تکاپوی بیشتر گناهنده است. این امپریالیست‌ها می‌گویند تا طور مسترک فوای خود را هماغه‌ها خسته و از منافع مشترک خود در خاورمیانه بدماع بکنند و وقتی که ۶۵ درصد نفت اروپا، ۲۵ درصد نفت ژان و ۲۰ درصد نفت آمریکا از این منطقه تامین می‌نمود و وقتی که رشد روزافزون انقلاب توده‌ها در سراسر منطقه غیرمستقیم آنها و توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی همچنان ادامه دارد و حمله نظامی روسها به افغانستان و تددید فعلیت سیاسی نظامی سوری در منطقه منافع همه امپریالیست‌های غربی را تهدید می‌کند، سرازح است که آنها می‌گویند تا جهت مقابله با اوضاع "نگران کننده" آسند اقامت نمایند، ژنرال هیگ میگوید: "اگر ما توپخواهد موشربا شدی ایستنی افق فعالیت‌ها را کسترش بخشد، اروپا کافی نیست،" این گفته بطور ملموس منافع تبهکارانه همه امپریالیست‌های غربی را یادآور شده و بر ضرورت گسترش فعالیت مشترک این کشورها در سایر نقاط جهان و از جمله خاورمیانه تا کید می‌ورزد. در همین رابطه امپریالیست‌های غربی می‌گویند تا نفوذ خود را در کشورهای منطقه تحکیم بخشد و رژیم‌های مرتجع وابسته بخود را بیش از هر زمان دیگر نفیعت نمایند.

در این میان امپریالیسم آمریکا و اروپا همکاری‌هایی با یعنی کسینجر نقش فعالی بازی میکنند. مسافرت‌های اخیر کسینجر به منطقه و بخصوص به کشورهای مائند فلسطین اشغالی، مصر و عربستان سعودی نشان می‌دهد که آمریکا در پی آنست تا سنجوبی سابقه‌ای این رژیم‌ها را



استثمار کارگران در شوروی

با زنگشت سرمایه‌داری در شوروی ستم طبقاتی بورژوازی را در تمام عرصه‌ها گسترش داده است، تقسیم نا عادلانه درآمد‌ها یکی از مواردی است که تشدیدتکالیف طبقاتی و تعمیق تضاد طبقه کارگر و بورژوازی حاکم در شوروی را بنمایش می‌گذارد، این تقسیم نا عادلانه نشان می‌دهد که بورژوا - رویزیونیست‌های حاکم چگونه به استثمار روحشانه توده‌های زحمتکش کارگر و دهقان پرداخته و بقیمت فقر و فلاکت توده‌ها،

بهترین شرایط زندگی را برای خود تامین نموده‌اند. رویزیونیست‌ها از طریق افزایش حقوق و مزایای کارهای رهبری کنند، کارمندان حزبی و دولتی، ژرالیها و فسران عالی‌رتبه ارتشی، متخصصین و تکنوکرات‌ها، نویسندگان و هنرمندان در یک کلام بورژوازی نوین به تامین زندگی انگل و ار خود پرداخته و هرچه بیشتر اختلافات طبقاتی را دامن می‌زند یکی از اسن موارد اختلاف، مسران دستمزد - هاست در یک فاعده عمومی در سرتکا هم‌های تولیدی، مدیر کارخانه بیس از ۱۰۰ هزار دلار در سال یک کارگر متخصص، حقوق دریافت می‌کند. مثلا مدیر کارخانه لاملاب ساری مسکو حقوقی را دانه می‌عادل ۱۰۰۰۰ روبل می‌گیرد، در حالیکه دستمزد یک کارگر همین کارخانه حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ روبل می‌باشد. معنای دیگری این مدرسرو و کرات حقوقی بیس از ۱۶ برابر یک کارگر زحمتکش دریافت می‌کند. البته غارت کارگران توسط بورژوازی فاسد حاکم پر شوروی به خصوص ای کلان محدود می‌شود، رویزیونیست‌ها فوا سمن مختلفی گذرانده و فرمهای متعددی انجام داده‌اند تا به اهداف ستمکارانه خود پی‌نرسند. بعنوان نمونه مدیران کارخانه خود می‌توانند سطح دستمزدها را تعیین کنند، کارگران را استخدام با اجزاج کنند، رستم تولید را بالا ببرند و با داش و سود را تقسیم کنند و بدین ترتیب آنها می‌توانند انواع توطئه‌های ساده را علیه کارگران انجام داده و براسنما آنها بیافراستند. جالب است که طس گفته سرتاب روسی ۸۰۰ تا ۸۵ درصد مبلغ مربوط به سوسی و انگیره مادی به دست رهبران و مدیران میرد بر طبق همین محاسبات مهندسی و کدسین‌ها در واحدهای تولیدی در هر ماه بطور متوسط ۱۲ برابر کارگران و کارمندان و سروکارها ۶ تا ۷ برابر کارگران ارخل مادی را به خود احتصاص می‌دهند. (منبع آمار: اکوسومیسکا یا شماره ۲، سال ۱۹۷۲، صفحه ۴۷، چاپ مسکو) بدین ترتیب موجه مسومیم که سورووای سوسی، سخن مهم مبلغ مربوط به ادا سرتابراحتک آورده و کارگران را سمددا مورد ستم قرار می‌دهند. و بار بر اساس یک مجله روسی سنام "سرس‌های ایضادی" در ۷۰۰۰ موزه صنعتی تحقیقاتی در مورد حکومتی

تفویت کرده و آنها را به سبتا به بیگانه‌های مطمئن و کاملاً معرفی در بیارورد، کسینجر در سفر خود به اسرائیل از دولت آمریکا خواست که به عنوان اخطار به سوری در مورد نفوذ بیشتر در خاورمیانه در این منطقه با بیگانه‌های نظامی بدست آورد. بعلاوه از دولت آسند ریگان خواسته است تا به موافقتنامه‌هایی که سوسیله کارتر منعقد شده مفادی بیافزاید تا برپا به آنها حضور چشمگیر آمریکا در منطقه ممکن شود و روشی استراتژیک که ایالات متحده را قادر به روبا روسی با بحران منطقه سازد، انتخاب دگرد.

با توجه به چنین سیاستی است که هدف سفر کسینجر به سوما لی جهت فعال نمودن با یگانه عظیم "بربره" به مصر جهت فروش ۴۰ فروند هوا پیمای بیسرفنه اف ۱۶ و ۲۵۰ دستگاه تانک ام ۱۶ - ۱۶، به اسرائیل جهت تقویت نظامی گسترده - تر رژیم صهیونیستی و به عربستان جهت ارسال آواکس‌های جدید و فروش سلیخات تازه مشخص می‌گردد.

بدینال همین سفرها و هدفهای تجا وزگرا نه است که یکی از مقامات آمریکا می‌گوید که در خاور میانه دیدن می‌کنند در آخر هفته گذشته گفت: آمریکا با سدرک کند که در این منطقه حس‌ها می‌دارد که با بدخاطرها بجنگد. امپریالیسم جنابنگار آمریکا می‌گویند تا از طریق مسافرت‌های کسینجر به تنها زمیننه مقابله جوئی سبتتری با سویال امپریالیسم روس فراهم‌آورد، بلکه همچنین توطئه‌های جدیدی را علیه خلقهای منطقه به اجرا در می‌آورد

ضربه از صفحه ۲ سرمقاله ...

دمکرات نظیر مجاهدین و مواج لیبرالی آنها از سوی دیگر است. دانشجویان و دانش‌آموزان کمونیست و انقلابی اباتمام توان به تبلیغ حول سارهای کسب آزادی فعالیت سیاسی در بازگشائی سکر دانشگاهها بپیرد زنده و در این میان ارتسامی ایرارها و سوزیه زسارمان دادن سنا هرات سراسری برای تبلیغ این سارها و سبیبس پیوند جنبش انقلابی دانشجویی و دانش‌آموزی جنبش اوگیرنده و روبه گسترش کارگران و زحمتکشان حداکرا استفاده را بعمل آورند. سروزای از ما سبت!

باز هم یورش باز هم گستاخ فرزندان انقلابی خلق

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر روز شنبه ۵۹/۱۰/۱۲
سپهرا مهر خاکی از هواداران مجاهدین خلقی
نوسط حمانداران حرفه‌ای حزب حماق (حزب
جمهوری) حین نصب اعلامیه با ضربات قمه و حاقو
به شهادت می‌رسد.

در مراسم تسبیح جنازه مجاهد شهید در روز
یکشنبه ۵۹/۱۰/۱۳ جمعیتی در حدود ۷۰۰ تن با
عزمی آهنین شرکت می‌کنند.

در این روز مدارس شهر عملاً به دلیل شرکت
دانش آموزان آگاه و مسافر زرد را هیما بی به
حالت تعطیل در آمده و نظم خاصی (عمدتاً)
هواداران مجاهدین با حمل پلاکاره و دادن شعار
- های افساگرانه محل شروع مراسم (خانسه
سپهد - محله تحتی) را هیما بی نمودند.

راهیما بی با گذشتن از میدان شهرداری
با حمله مسلحانه تعدادی از هواداران، ضرب
و ستم دستگیری و... برانگیزده می‌شود.

درگیریها در کوحه ها و خیابانهای اطراف تا
ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت.

اگرچه مجاهدین با بی‌سوختن به صف
مقاومت به پتانسیل آن افزوده اند، لیکن به
هجوم سفاکها و خواسته های توده ها در ساربان
مستعین نشده و تنها صحبت از جوسدن و خروسیدن
مجاهد و محاهد شده است.

هواداران ساربان ما با حمل پلاکاره های
افساگرانه در این راهیما بی حضور داشتند.

چه کسانی نفت را احتکار می کنند؟!

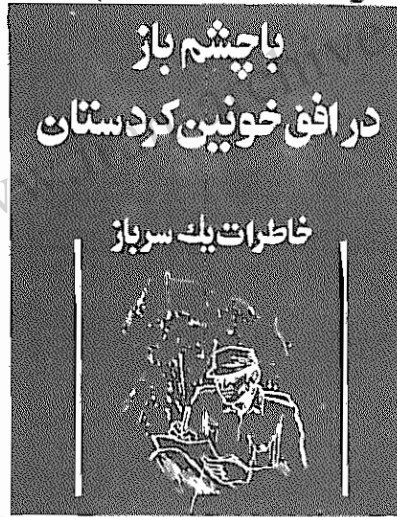
ارومیه

در اواخر آذرماه، کمیته جی ها در جستجوی "نفت"
ذخیره شده، خانه یک بقال را تفتیش می‌کنند.
پیشه ور مزبور پس از اعتراض به آنها میگوید که
لطفاً خانه همسایه ما را هم بگردید". کمیته جی ها
در جستجوی خانه همسایه دوتا تکرتفت پیدا کرده
و جریان را به ملا خراسانی رئیس کمیته اورمیه
اطلاع می‌دهند، وی میگوید که هرکس در این
موقعیت دوتا تکرتفت پنهان کند یا پیدا می‌شود
شود، پس از اینکه افراد کمیته آدرس خانه را به
ملا خراسانی مرتجع می‌دهند، او درمی یابد که
این مقدار نفت از خانه خودش کشف شده است و در
نتیجه با تغییر لحن مسئله را بی اهمیت تلقی
کرده و به کمک مقامات قضیه را بخوشی فیصله می‌دهد.
در شرایطی که آیت الله بهشتی مرتجع به
مردم زحمتگش تومیه می‌کنند که برای گرم کردن
خود، همه خانوادها در یک اتاق جمع شوند و در
اغلب مناطق حتی سهمیه هفتگی ۲۰ لیتری نفت
هم نمی‌رسد، کارگران و سردمداران رژیم
جمهوری اسلامی هزاران لیتر نفت (نفتی که می‌بایست
بین مردم تقسیم شود) برای خود ذخیره می‌سازند.

کیسوار سحای که در آن سورژواری حاکم بود ه
وطبعه کارگزاران سیدنا نحت سمو اسما رمرار
داده است. اگر توری در زمان لیس و اسانس
میهن کارگران بود دولت آن طبعه کارگرو
اما سوروی در زمان خروسف و سرف مپس
سورواهای فاسد و الوصف است، سورژوهای
که سوروی را نیک تدرب امیرا لیس سیدل
کرده اند، اس و اسباب امروزه سها سوجی
سلسلعات سوسال امیرا لیس را اسما می‌کند،
بلکه همجنس سب محکی است بردها ر روبرو
- نسپهای خاش حزب بوده و فدا شان اکبر س
آنها مگوسددر سوروی اسما رنس و دولبار
آن طبعه کارگزار است، ولی حوسب آنها حسوا ب
دهند که سوسی یک سوروا ی انکل مدبر سربک
کارگردان مدد را، اسم آن را حدمسا ن کداس؟
آری برخلاف سلسلعات روبرو سسپهای خاشن
امروز طبعه کارگرو سوروی سیدنا نحت سوسمو
اسما رمرار را سوسپا راه رها لیس آن
اعلاب علیه طبعه کارگرو سوروی است.
(ارتا موی ارتسرا با آلسی وار محله
"آلسانی امروز" شماره ۳، ۲۸، ۱۹۷۶)

توزیع عبادات کارخانه عمل می‌آید. طبق این
تحقیقات، کارگران که ۸۰ تا ۹۰ درصد
کارکنان این موسسات را تشکیل می‌دهند، فقط
۱۸ درصد کل عایدی کارخانه را دریافت می‌کنند -
دارند. حال آنکه مدیران و منحصص ۸۲ درصد
عایدی کارخانه را به جیب می‌زنند و حتی در برخی
موسسات سهم کارگران به ۸ و ۳ درصدی -
رسد. سنا بر این باب یک حساب مختصر منسوا ن
فهمیده که یک سورژو - رویز سوسنس فاسد، سا
حقوق های کلان، س مزایای فراوان، با دزدیدن
پاداشها، با افزایش ریتم تولید، با کم کردن
دستمزد کارگران و سادها دزدی و سوادگیری
دیگر، عملاً ما هانه ۱۰۰ براسد سسزدا سربک
کارگرو زحمتگشا را به غارت می‌سرد. یعنی یک
سورژوای انکل مجموعاً در آیدی مسا دل ۱۰۰
برای برکارگرو زحمتگشا جیا ول می‌کند، سروا ص
است که بهترین سراط زندگی و راه را به سب
استثمار و سرکوب نموده اسرای خود ما سن کند
آری و افضت امروز سوروی اسنس سبک

منتشر شد:



بقیه از صفحه ۲۲ جنگ ...
لیبرالها این منظور را دنبال می‌کردند، که
ادا مه جنگ بصورت پیشین و عدمتها همه ساربان
بر مشکلات دولت رجائی افزوده و در نتیجه
حزبها را در موقعیت ضعیفتری قرار می‌دهد.
سخنان بهشتی در نماز جمعه پیش از آن و
تلگراف آیت الله منتظری به ما مجموعه هوار و
ذکر این مسئله که "از جریانات موجود در حبه
ساده گی نمیتوان گذشت." (همانجا ۱۱ دی) بخوبی
نشان می‌دهد که جناح حزب از این نقشه لبرالها
آگاهی داشته و در واقع با تلگراف منتظری
کوشیده است، آن نقشه را خنثی ساخته، به خود
تبدیل نماید. تلگرام منتظری که فا عدا می -
با یست به فرمانده کل قوا فرستاده شده است
جمعه هوار ارسال شد و از اینروز جنگ خطر برای
بنی مدربدا در آورد. چرا که در واقع منتظری
امید "ما موا مت" حزبها، تفرسا از جانب
ولایت فقه سبخ می‌کشد و ابن تلگرام، سعسی
بهیج گرفتن مقام فرماندهی کل قوا ی سنی مد
میتوانست مقدمه ای برای گرفتن اسن مقام
بشی مدربدا شد، در واقع حزبها با این تلگرام
به بنی مدربدا گفتند که نخواهند گذاشت با استفاد
از فرصت مناسب از این حمله بنی مدربدا خود
در جنگ قدرت استفاده کند. بهرحال هراس خاطر
از دست دادن مقام فرماندهی کل قوا، موجب
شد که لیبرالها، از تنها جمدر موقعیتی مناسبتر
چشم پوشیده و به استفاده تبلیغاتی در شرایط
کنونی بسنده کنند و در یک کلام مجبور به پذیرش
نظر حزبها به تنها جمدر شرایط کنونی گردند
اما اینک همین حمله نیز (جداً بزرگ کردن آن
توسط همه جناحها برای فریب نموده ها و متوسم
کردن آنها) خود به رقابتها ی دو جناح سراسری
مدرت، دامن زده است.

بقیه از صفحه ۳۲ **پن بیست** ...

دیگر در ادا مه جنگ قدرت با زهم موردتها جسم
لیبرالها قرار گرفته اند . به ضعف خود اعتراف
میکنند ، لیبرالها با شدت بیشتر ، جزئیها را به
اختاذ شیوه های غلط دستگوب که حتی منجر به رسد
انقلاب میشود ، بی لیاقتی در حل بحران و
نا توانی در باز سازی سرمایه داری واستفاده
متهم میکنند ، نمونه اخیر ، اعلامیه جا معیه
اصناف و بازاریان بود که از رجا میخواست
بعلت بی لیاقتی کنایه رود و طبقا طبق میسل
جبهه ملی و دیگر لیبرالها ، و در این باره
"متخصص" لیبرال سار اما طبیعی است که
اعتراف این حضرات به ضعف ، نه از راه و بیست
اعتراف به حفظ سیستم سرمایه داری واستفاده
خودت با انقلاب بلکه از راه و بیست نوده ها و
کوسس در جهت پوشانیدن علل اصلی بحران کنونی
جا معی است .

خامنه ای در نماز جمعته اس به مسکلات
اعتراف میکند و آنرا ناشی از شکلات طبیعی
هرا انقلابی عنوان میکند و میگوید :
"مسکلات انقلاب یک مقدار مربوط به تفسیر
وضع است . یک مقدار مربوط به کربسه
رقمات نیهای است که فدا انقلاب از داخل و
خارج براس درست میکنند (جمهوری اسلامی
۱۳۵۱) .

پیشنی نیز به این مسکلات اعتراف میکند ،
منتها میخواهد ای دولت را از حساب اسن
مشکلات بیرون بکند . (همانجا) ، رجا ئی نیز
مسکلات را ناشی از جنگ و تیرماتل مربوط به
سرنا مبرزی دولت مینداند . (همانجا ، ۱۶ دی)
آنت الله خمینی نیز ضمن اعتراف به مسکلات
دست به دعا بر میدارد و میگوید : "مسند و ارم همه
کارها اصلاح بشود و با مومنین بس سرود و اس
گرفتارینا انشاء الله یکی رفع بسود" . (همان
جا ، ۱۷ دی)

آری گرچه جنبش نوده ها ، هما نظور که رژیم
ساره را وادار به اعتراف به ضعف میکرد . در هفته
گذشته بیش از پیش رهبران حزبی حکومت را به
اعتراف واداشت ، اما آنها کوشیدند با اعتراف
به ضعفها نشان علل اصلی مسکلات را بیوسانند
این مسکلات نه ناشی از مسکلات طبیعی هرا انقلاب
و... بلکه اساسا ناشی از ماست طبقا نسبی
حکومت ، ضدیت آن با کارگران ، زحمتگنان و
اصولا ضدیت با انقلاب دمکراتیک و فدا میریا -
لیسینی خلقهای ایران برای ریشه کن کردن
امپریالیسم و ارتجاع بوده است . "مسکلات"
در جا معیه ما وجود داشته و خواهد داشت چرا که رژیم
جمهوری اسلامی بیست به تنگنای سرمایه داری
واستبرودر روی انقلاب و خلقها استناد است
از دیدگاه انقلابی این "مسکلات" حرکت در
جهت نا بودی امپریالیسم و کلمه طیفنا نارتحا عی
و توسط انقلاب زحمتگنان ازین مرود ، نسنا
سرمه داری واستفاده امپریالیسم و رژیمها می
آن وجود دارد ، این "مسکلات" نیز وجود دارد ، اس
همان مسئله اساسی است که رهبران حزبی

(و نیز لیبرالها) با هزار ترس و لرز میخواهند
آنرا بسوسانند ، سن راه حل انقلاب مشخص است
بسیستم جدا انقلاب هرا حلی بسننها دمکنند .
ثانیا - اما راه حلها ؟!

راه حل مورد نظر حضرات طبیعی است ، راه
حلی برای جلوگیری از انقلاب و حفظ سیستم است
خامنه ای یک راه حل را جلوگیری از مسامرات
انقلابی نوده ها عنوان میکند و میگوید : "هرگونه
اعضا ب و محض امروز حاسا به اسلام است ، " و
نوده ها راه "صبر" و سیستمها که سرمایه -
داران دعوت میکنند . (همانجا ، ۱۳ دی) راه حل
پیشنی در حقیقت مکمل راه حل خامنه ای است ،
او از نوده ها میخواهد که با دولت ، "هیگاری ،
همگامی و همکاری کنند" ، او سر دین را آفتاب
انقلاب مسا بد "و قدم بردند در حمایت اردولت
را راه حل عنوان میکنند . (همانجا) خامنه ای
میگوید ، رحمتگنان سر علیه سرمایه داری واستفاده
مبارزه میکنند و بیستی میفراسد ، اردولت حامی
سرمه داری واستفاده حاسا میکند ، حرا حلیهای
حالی ! اما سرگتندر همنوده های دیگر حضرات
تسریمس انداز حال بوجه است . رجا ئی راه
حل را در - مقابلها "صدا مفلان" (بحران نیرو
- های انقلابی) که قبول حجاب رجا ئی "آراس"
جمهوری اسلامی را بهم میرند و عدم بوجه نوده ها
به اسنا گریهای آنها . ۲- حمایت نوده ها از
دولت و شخصوس همگاری کارگران و کارمندان با
رژیم ، ۳- کمک لیبرالها و متخصصین در برنا مه -
رری ، مینداند ، او و لیبرالها انتقاد میکنند که
حرا برنا مه خود را ارائه میدهند و میگویند اس
مکنند که گریه برنا مه لیبرالها ، دولت را ازین -
سب کنونی بحاب بخشد . آنرا اسورد - حرا
در آورد ، آری او از برنا مه لیبرالها استغفال
میکند ، مننیا اگر لیبرالها سرگردگی حرت را
بدرید و به انصا ددر آسند ، اسرای تخفیف
بحران حسی بمل فول "سرادر رئیس جمهور"
را در مورد حجت ، که "اگر حسی از روی مقصد
با اسد ، بسک منحورده" ، اما ورد و آنرا کلام
حدا ، اسلام ، بر آن وره می نامد . (همانجا ، ۱۶
دی) ، آسب الله خمینی سر در ملامت با دولت
صن حمایت بیدر مخ اردولت را حلیهای خود را
ارائه داد ، و فکر میکرد حما با اردولت جود
نیز مساوندک راه حل جا دوشی برای حفا سب
بخشدن به اس دولت در نوده ها اسد ، کرچه
با بدگفت ، در سب آسرمنا سکه به آنت الله
خمینی بگوئیم "آن سوسکست و آن سمانه
رحب ! " سر مورب آنت الله خمینی دور راه حل
ارائه میدهد ، یکی بلسنا ب سسر ، برای حلت
حما ب نوده ها اردولت را طریق را دیوبولویسیون
و دیگری حل اختلاف با لیبرالها ، حرا که :

"گرمنا ری امروز ما همن اختلافاتی اسکه
ما مده مسود ، سما کرچه کار میکنند اگر اختلافات
را کوسس میکنند که رفع بسود ، کارهای شما را آن
کسانی که حوا هدیدک عینی بگنرند ، به آن عیب
مکنرند ، یکی بسب آنها ئی که اسناده اسند
دورنا را رو کوجه اس طرف و آن طرف مسا سنی

مکنند" (همانجا ۱۷ دی) در واقع آنت الله
خمینی بسننها دد اس رسوه لیبرالها برای
سسن دهانسان را میدهد ، سهر حال اگر جمعندی
کسب ، رهبران حزبی در همنه کدسنه ۳ راه حل
برای بیرون آمدن اس سب کنونی ارائه دادند .
۱- جلوگیری از رسد انقلاب و مسامرات نوده ها
و سرگوب انقلابسوس
۲- سلسنا ب وسع در مسان نوده ها و بطور
کلی کوسس در حطب حما ب نوده ها و جلوگیری
از گنده سدن سسر مردم از رژیم توسط سلسنا ب
۳- کوسس برای رفع اختلافات با لیبرالها
(حرا که سر مورب در مسال انقلاب دارای منافع
سسرک و وحدت نظر هستند) .

اما اس راه حلها بس حفرند ، طوفا ئی کدر
راه است ، نسبی که هم اکنون سرود سوسوی حوی
اعضا را در سراسر منسپ حونس می سرا گندمانس
دسب و ساردنیا ، قابل مفا رکزدن بسب ، رهمود
صدا انقلاب برای اسجاد مانع در راه انقلاب اسل
- سدی سوسالی اس که تحوا هدوانسب در
حلی امواج نوده ها مفا و مفا کند ، اس ار راه
حل اول ، اما راه حل دوم ستر نسوا سسنا سب ار
گنده سدن رور اسرون نوده ها از رژیم جلوگیری
کند ، درست اس که اس اسفا ده روهوم با آگاهی
نوده ها و احساسات مذهبی و... با سلسنا ب
فران خود نسوا سسنا ندر و نده و رخیس سوهم
نوده ها را گند سرنکند ، اما واستفاده سسر سسند و
شخصوس با اسنا گریها و قدرت با سس سسر
سروه های کمونسب و انقلابی همجانکه ، اس
حرفنا کوسس بر حس وسعی از نوده ها اسر حود
را درست داده است ، در آسنده ای نه حندان دور
در مسان رحمتگنان بی اسر حوا هدگر دسد و اما
راه حل سوم سسر ، سترون بودن حوس را نا کنوس
سهر دو حنا ج رفیب هسب حاکمه سسر اسن داده
اسب ، و سسظر سسر سد مطرح سدن آن از طرف آسب -
الله خمینی و رجا ئی بسسر سنا بکرموضع ضعف
معلی و یک ساسک لحظه ای وسار مودنی ساسد
کسکسهای در سس لیبرالها و حرت سسر کسب
سرگردگی در حاکمیت ، ساسخهای منفا و با اسان
به مسائل اساسی ساسری سیستم و سرگوب
انقلاب (علیر عم حدنسان در حفظ سسب) آسبم
در اس سراط اعلا انقلابی و ترک برد اسسین
حاکمیت بر اسر جنبش نوده ای و... آنحسان
با اهمب هسنند که به نفس اختلافات نه سسها
سروکس نکرده ، بلکه دامنه وسعتری سسر بسود
حوا هدگرمب .

و اما راه حل انقلاب حزبی بسب مکر دمندن
بر اس حسین حلی ، مکر در سارمان بدهی و هدا سب
حسین نوده ای ، اگر سسروه های انقلابی و شخصوس
کمونسب موقی به ارائه لیبرنا سوسر و مندنی
در نر دسوده ها کردند ، راه حلها ی صدا انقلاب ، حوی
دیوار رکتس در حوا جه سسل فر و سسر برد ، حنسین
سوده ای رور سسر و سسر و مند سسر و سسر
مکر دسد ، با آسده سدن هر چه سسر و سسر و سسر
- دهی و هدا سب هر چه کار سسر اسن حنسین ، اس
نا ر دسکر ا نوده ها عقب سسنا سب .

ولخرجی ۷۰۰ هزار تومانی در هتل هیلتون!


ملاحظات کوتاه <

افشای فسطی و "مطحنی" را با هر توجیهی "تاکتیکی" و "مطحنی" هم که باشد، خواهند دید بیفتن؟ و آیا صراحت در افشای چهره دشمنان خلق، حد - اقل انتظار نیست که بنده های رحمتکساران ما را نهی اسفندی دارند؟

حجاب اسلامی یا آخرین مداروپایی!

رژیم جمهوری اسلامی که در یوق و کرنا دم ار سا دگی ظاهری و "حجاب اسلامی" میزند، در آنجایی که پای سوده های کلان ملیونتی "نخا و محترم، در میان با ندهمه را دست فرا موسی میسار د، بد نسبت بدا ندکه سرکت وارد کننده مجله فرانسوی مد "سوردا" که سرار لای ۸۰ هزارا در ایران دار د و اسسه بنسنا دمضعفین است" و همچنان بیوظایف سا هنسا هی خودا دا مه بنده د، این مجله که آخرس مدلهای لباس در اروپا را برای رتا ن سرما به داران به نما یس میکذار د، سالانه ملیونها تومان اردسرنج زحمتکسان ما را به جیب گتا دسرمه داران روانه میساز د. و از آنجا که اسرا ن یکی اردو کشوری است که فروش این مجله در آن ارتسرا زسا ربا لاوسود کلان برخوردار است، سرما به داران فرانسوی رحمت ترجمه ها رسی آنرا هم خود سفیل کرده اند و تنها رحمت وارد کردن آن را سنا دمضعفین اسسه عهده دار د.

رنا ن اسفا ر مرعه و سوبیزه خا نواده های نجا روبا راریا ن "محترم" و "روحا نیون بررک" از لسا سهای مدروروجا هر آلات سنحوی حرصانه استفاده میکسد، اسسه حاره های سسار کران - قسمت خارجی آنها را ار حشم "نا محرمان"، که همان طعاب رحمتکس هسند، بنهان میدار د.



تاریخ: ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ شهریور ۱۳۵۹
شماره: ۸۶۱
محل: تهران

تذراتراد
سرد: اسکان، اوان، ۱۸۰۰ متر از شاهراه شهیدان، اوشان
تاریخ: ۲۶ دورا، ۱۳۵۹
ساعت: ۱۰ شب
نوع: ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش
نوع: ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش
مکان: تهران، خیابان...
تذراتراد: ۱۸۰۰ متر از شاهراه شهیدان، اوشان
جمع: ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش
نوع: ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش
مکان: تهران، خیابان...
تذراتراد: ۱۸۰۰ متر از شاهراه شهیدان، اوشان
جمع: ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش
نوع: ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش، ۱۰ نفر پذیرش
مکان: تهران، خیابان...

یک فلم دیگر از این مخرج گزارف در سندی دیگر، مورخه ۷ و ۸ دی ماه ۵۹۰ آمده است (مناسفانه بیعت کمبود جا حاب نشد) که برای ۹۰۰ نفر که از خوزستان و دزفول برای دیدار ما آمده بودند با بت افکانت یک شب در هتل هیلتون (استقلال) و صرف صبحانه و ناهارها روز ۲۵۲ هزار تومان خرج شده است!

آری، رژیمی که حاکمی منافع سرما به داران است، تنها با نیرنگ و فریب و تبلیغات دروغین و ولخرجی های که همان ماهیت خرجهای دوره شاهها را دارد، می تواند به زندگی ننگین - اس ادا مه دهد، اما بدون تردید، آگا هی توده ها ریخته شدن توهمات آنان نسبت به رژیم و مسارزه مستمر در راه انقلاب رها شتی بخش کارگران زحمتکسان، بساط رژیمهای فدمردمی را برهم خواهد ریخت، آری توده های خلق حکومت مستمکر جمهوری اسلامی را نابود خواهد کرد.



در حالیکه رژیم فریاد میزند "ملت! صرفه - جویی کنید، در مصرف آب، برق، بنزین، نفت، خوراک، پوشاک، چای، قند، شکر و قلم و کاغذ صرفه - جویی کنید..." و تا وان این به اصطلاح صرفه - جوئیها را اساسا کارگران و زحمتکشان و کودگان آنان میپردازند،

در حالیکه نماینده خرمشهر در مجلس شورا اعتراف میکند که به هزاران آواره دستمیده جنگ آنقدر غذا و وسایل ندادند که آنها را پیش از زده روز گرسنه نگه داشتند که برخی از آنان به گدائی کشیده شده اند!

در حالیکه بارها انداختن تبلیغات و وسیع دست کردن بر روی حساسترین عواطف توده ها، زحمتکشان، شهر و روستا را مجبور می کنند - نیمه ای از نان خالی خود را به جیبه میفرستند، - در حالیکه کارگران و زحمتکشان و بیگانه رسیده بنا در جنوب برای شکایت به تهران می آیند و شب جایی برای خوابیدن نمی یابند،

آری در چنین وضعی هزاران تن از مردم نا آگا ه نهرستانها را برای دیدار ما میسار شرکت در تظاهرات فرمایشی بفرج رژیم - تهران می آورند و در هتلهایی نظیر هتل هیلتون این ولخرجیهای "آریا مهری" و "۲۵۰۰ ساله ای" بذیرائی ۱۸۰۰ نفر است که برخلاف ادعای رژیم همگی از خانواده شهیدان نبوده بلکه آنها را اطراف اصفا ن جمع کرده بودند، خرج هر سفر در هتل برای یک شب ۲۵۰ تومان بوده است! خرج این افراد که برای دیدار ما آمده بودند در یک شب ۴۵۰ هزار تومان شده است که بنسنا شهید بیطور پیش برداخت، صد هزار تومان آنرا برداخت کرده است، ضمنا قرار بوده اس افراد در تظاهرات ۲۸ آذر "بفرج روحا نسبت و حمایت از ولایت فقیه" شرکت کنند که برنا مه آن لغوشده! سند مربوط به اقامات این عده سنا ریح ۵۹/۹/۲۵ میباشد.

همدردی می کسم، امیدواریم که خداوند - جنابت ایس دور رژیم را از سرما قطع کنده تا تمام آزادخواهان و سبوره های مترقی ایران تقاضا دارم که سه خلق کرد و جنبش مقاوم سازی و مساعده سرما بند و در سطح اسرا ن جناسنایی را که دولت جمهوری اسلامی به مردم کرد روا می دار د اسنا نکسد، چون ما بسوا سکه کمبود امکانات و اسنا طاب که خلی ضعیف است نمی توانیم آنرا که در کردستان میگذرد به آگا هی مردم اسرا ن بسا سم تقاضا دارم که آنها بسا تمام سبوره اس و طبعه اسناتی وطنی خود عمل نما یند.

(تلخیص از "سکا رکردسان شماره ۴")

خمسیرین و ایلام برسیم ما میدا نیم که آنها الان در جد وضعیت بی سر میسرنده در حالیکه آنها مورد تحا و رژیم بیعت هستند، ما خودمان در زسر سسار و سورش در ندان رژیم جمهوری اسلامی قرار داریم.

هممپنان جنگ زده بسویزه مردم خوزستان با دیدن اندکه همچنانکه رژیم بیعت عراق مساجد مدارس و مسرا نها را بمباران میکنند و به مردم سیداع حمله میا و رد و همچنانکه مردم در آنجا زیر فشار هستند رژیم جمهوری اسلامی در کردستان مساجد، مدارس و مسرا نهای سنا ندچ سقزبان و مپنا با در بارها بمباران کرده است و به روستا ها حمله میسرد و به مردم بی دفاع زنها و بچه ها و حتی به روحا نیون رحمنی کند و آنها را قتل عام مینما یده ما مسلمان آنها اطهار

بقیه از صفحه ۶ صاحبیه...

شایسته است نمی رسد ولی واقعا حتی در اس زمان که جنگ با عراق ادا مه دار د، یک آن سورس و حمله هیئت حاکمه به شهرها و روستا های کردستان قطع شده و مردم کرد در زیر رگبار روبمباران هستند و در محاصره اقتصادی قرار گرفته اند سارا ن و ارتش ضد خلقی از هیچ جنایتی خودداری نمی کنند آموزش و پرورش در کردستان محل است و حقوق بیشتر کارمندان و معلمین قطع شده است وضع مردم از حیث اقتصاد دی در غایت نا احتسی است با ید مردم ایران این ربا بند که خلق کرد در زیر فشار رشید هیئت حاکمه قرار گرفته است ما متاسفیم بسوا سکه هجوم و حشبانه هتیسست حاکمه بسوا سکه محاصره اقتصادی نمی توانیم سکمت برادران و خواهران خوزستانی، کرمانشاه

"جنگ" تحت الشعاع "جنگ قدرت"

سوقهای تبلیغاتی رژیم، کار را ریشور - مندی بر سر پیروزیهای بزرگ بر ارتش عراق - بر آه نداخته اند و میکوشند، تبلیغات گسترده - شان بر بحران گسترده کنونی جا معه - کشیده و با جذب توده های متوهم، از مغز ترشدن رژیم جلوگیری کنند.

از سوی دیگر لیبیرالها و حزب هرک می - کوشند بیشترین استفاده تبلیغاتی را از هجوم اخیر ببرند، اینکها با نادیده گرفتن جهات ازی است، اکنون مورد بحث ما نسبتا شکیلک می - خواهم نشان دهیم، چگونه عقب نشینی و با حمله شکست ها و پیروزیها در جنگ بر مبنای اینکسه کدا میک بیشتر بسود کدا م جناح انجام مگردد، مطالبه میشود، اکنون مسئله اصلی در حاکمیت، جنگ قدرت جناحهای رقیب است و بدین ترتیب همه مسائل بسیار مهم و اساسی دیگر از جمله جنگ در ارتباط با تائیری که در تنا سب قواد در درون هیات حاکمه ابجا دمیکند، دیده میشود، آری کشتار توده های ایران و عراق، آوارگی زحمتکشان جنگزده و فلاکت و تیره روزی زحمتکشان ایران نیز میداندنگاه می برای زورورزی جناحهای رقیب برای کسب قدرت بیشتر است. همین حمله اخیرا در هفته گذشته در نظر بگیریم، طبیعی است احما نه خوا هد بود. اگر هم جنا نکه حزب جمهوری برای استفاده تبلیغاتی بسود خود، آنرا ناشی از بیایم آیت الله منتظری میداندند - تدارک آنرا دوسه روز و آتیم پس از تلگراف منتظری به امام جمعه اهلوار زیدانیم، چرا که یک حمله نظامی به یک تدارک گسترده و بر بنا مهرزی شده را مدتی پیش نیاید منداست منتها سوال اصلی کهدر

یادداشت های سیاسی هفتگانه

اینجا مطرح میشود اس است که چرا اسن حمله اکنون و پس از اسن تلگراف آغا رشد آتاسمی - توان گفت که لیبیرالها (و انضارتس) از بسبب تدارک این حمله را ندیده، منتها منتظر بهترین فرصت برای استفاده تبلیغاتی بیشتر در جهت بهبود وضعیت خود در ترکیب هیات حاکمه بودند؟ و آیا جناح حزب متوحه اس نیرنگ نشده بودند؟ در واقع میتوان گفت علت سرکردگی حزبها در حاکمیت، لیبیرالها تنها جمرامخو استند - موکول به مانندی بکنند که بیشترین تاثیر را در بهبود وضعیتشان در حاکمیت داشته باشند و از سوی دیگر با اتخاذ موضع "پوزیسون"، در مقابل حزبها میکوشیدند، دلیل شکست و نرسد متهما حم به عراقیها را سبب استهای حزبها فلحدا دکنند. سنی صدر مشخما در ملاقاش با آیت الله خمینی (مندرج در کارنامه رئیس جمهور روز ۲۸ آذر که در انقلاب اسلامی، ۱۶ دی جاب شده است) علت عدم حمله را اقدامات حزبها عنوان میکند: "ما م گفتند: مدتی است در باره حمله صحبت میشود، اما حمله نمیشود، چرا؟ در جواب مسئله عوامل مادی تجهیزات و غیره که با ما ده بشوند تا اسن حمله صورت بگیرد ما اطلاع ایمان رسد، اما من گفتم، کما من این است که عوامل غیر مادی موثرترند جنگ روحیه میخواهد، فرماندهی بدجرات کند طرح نظامی خود را با علم به اینکه ممکن است به پیروزی با عدم موفقیت بیانجامد، به اجرا بگذارد، چه کسی میتواند در این جوساسی - تبلیغاتی که ظرف ده روز گذشته اسران داشته خودجرات جنگ بدهد؟" علاوه بر این ندا ختن تنصرت شکست بگردن حزبها

بقیه از صفحه ۲۸

بن بست دولت رجائی و راه حل های "حزبها"

سخنان آیت الله خمینی، بهشتی، خامنهای و رجائی در هفته گذشته، بسیار مگر موضع ضعف و عدم توانائی آنان در مقابل با بحران کنونی جا معه است. بحران سرما یهداری وابسته بران، علیرغم سرنگونی رژیم شاهنشاهی، اما در ممانعت، چرا که حاکمان جدید قدرت نیز سه حفظ و حراست و با ز - ساری همان سیستم بحران زده بردا ختنند و بدین - ترتیب بتدریج توده ها، برای حل مسئله اساسی انقلاب به مقابلها نگاهبانان جدید این سیستم کشیده شده و با زهمقا طعرت و در اسنادی وسیعتر کشیده خواهد شد، بدین لحاظ سخنان هفته گذشته رهبران جناح حزبی حکومت که مدتی است سرکردگی حاکمیت را نیز در دست دارند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. آنان جملگی از زیک موضع تدا فعی وضع به بن بست کنونی دولت اعترا م کرده و به راه حل های برای رفع بحران بردا ختنند، که تا توانی و عدم قدرت مقابلها بحران ارمگ اکنون از سروروی اسن راه حلها میبارد، در حقیقت سخنان هفته گذشته رهبران جناح حزبی حکومت بنا نگرش سروروی بیشتر جنبش انقلابی و عمیق ترشدن بحران جا معه از یکسو و تا توانتر گردیدن حاکمیت در مقابلها با اسن بحران و به موضع تدا فعی را ندیده شدن دولت از سوی دیگر بود.

اولا - اعتراض به ضعف و بن بست و اوقیعت آنقدر آشکار است که نمیتوان، آن را پوساند، "حزبها" که از یکسو، جمهوری اسلامی را در خطر جنبش توده ها می بینند و از سوی

بقیه در صفحه ۲۹

در سومین سالگرد قیام قم

خاطره دلآوری های مردم مبارز قم را گرامی میداریم

شاه قرار داشتند قدم در میدان مبارزه نهادند، قیام خونین مردم قم و بزرگداشت شهیدای آن حرکت های مبارزاتی مردم تهران شهرهای مختلف ایران را پدید آورد، در چهل قیام قم بود که مردم دلاور تبریز حماسه ای از مبارزه و دلاوری

۱۹ دیماه ۱۳۵۶ مردم مبارز قم با قیام مدبران سر ظلم و ستم و استنما رودیکتا توری و سبدا دگر بیای رژیم مزدور شاه قدرت توده های مبارزان بنماش گذارند، رژیم شاه که با آنکاه به ارتگانهای سر - کوشکرو تا به دندان مسلح خود میکوشید از بهم خوردن آنرا مشا ارتجای عی "نظم" حاکم جلوکبیری نماید، چکمه پوشان مسلح را به مصاف توده های مبارز فرستاد و دهها کشته و زخمی بجای ماند، با قیام مردم قم در دادا مه جنبش توده های زحمتکش "خارج محدود" و بدنبال تشدد بحران موجود در جامعه علاوه بر زحمتکشان، اقشار متوسط جامعه و... که در زیر فشارهای سیاسی - اقتصادی رژیم

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

دروسین سالگرد قیام خونین مردم قم، با دلاوریها و شهیدانهای توده های مبارز را گرامی داشته و اسن بزرگداشت را با تشدد و گسترش مبارزه برای رها نشی زحمتکشان تصمیم خوا هم بخشند.